

آسیب‌شناسی سیاست‌ها و مقررات بازار کار ایران
۱. شناخت وضع موجود بازار کار با تأکید بر تفاوت‌های استانی

معاونت پژوهش‌های اقتصادی
دفتر: مطالعات اقتصادی

کد موضوعی: ۲۲۰
شماره مسلسل: ۱۵۶۰۵
آذرماه ۱۳۹۶

فهرست مطالب

۱.....	چکیده
۲.....	مقدمه
۴.....	۱. جمعیت در سن کار
۸.....	۲. شاغلان
۱۰.....	۲-۱. ترکیب جنسیتی و جغرافیایی شاغلان
۱۱.....	۲-۲. ترکیب سنی شاغلان
۱۱.....	۲-۳. ترکیب بخشی شاغلان
۱۳.....	۲-۴. ترکیب دولتی و خصوصی شاغلان
۱۴.....	۲-۵. ساعات کاری شاغلان
۱۷.....	۲-۶. اشتغال ناقص
۱۹.....	۳. بیکاری
۲۰.....	۳-۱. نرخ بیکاری به تفکیک استان‌ها
۲۲.....	۳-۲. بیکاری پنهان
۲۵.....	۴. عدم تطابق در بازار کار
۳۱.....	جمع‌بندی
۳۴.....	پیوست‌ها
۳۴.....	پیوست موضوعی
۴۵.....	پیوست نمودارها
۶۸.....	پیوست جداول



آسیب‌شناسی سیاست‌ها و مقررات بازار کار ایران

۱. شناخت وضع موجود بازار کار با تأکید بر تفاوت‌های استانی

چکیده

گزارش حاضر اولین گزارش از مجموعه گزارش‌های برنامه مطالعاتی بازار کار ایران است که با رویکرد آسیب‌شناسی سیاست‌ها و مقررات بازار کار در مرکز پژوهش‌ها در حال انجام است. نکته حائز اهمیت در تحلیل وضع موجود، توجه به تفاوت‌های شرایط بازار کار در استان‌های مختلف است. زیرا دامنه تغییر شاخص‌های بازار کار در استان‌های مختلف بسیار زیاد است و نمی‌توان بدون در نظر گرفتن این تفاوت‌ها به تصویر جامعی از شرایط بازار کار در کشور دست یافت. بر اساس این اهتمام گزارش حاضر شناخت شرایط بازار کار ایران طی سال‌های اخیر با تأکید بر تفاوت‌های استانی است. مهمترین چالش‌های بازار کار:

– پایین بودن نرخ مشارکت بالاخص در زنان

نرخ مشارکت مردان و زنان در سال ۱۳۸۴ به ترتیب برابر با ۶۵ و ۲۰ درصد و در سال ۱۳۹۵ به ترتیب در حدود ۶۴ و ۱۴/۹ درصد است. نرخ مشارکت زنان در ایران یکی از پایین‌ترین نرخ‌های مشارکت در مقایسه با سایر کشورهاست.

– افزایش میانگین سنی جمعیت شاغل

این موضوع می‌تواند در سال‌های آتی و با نزدیک شدن گروه‌های سنی ۳۰ تا ۳۹ سال فعلی به سنین بازنشستگی مسئله‌آفرین باشد. به‌خصوص اینکه هم‌اکنون نیز صندوق‌های بازنشستگی در وضعیت نامطلوبی قرار دارند و نمودار ترکیب سنی شاغلان نشان از افزایش ابعاد مسائل بازنشستگی در سال‌های آتی دارد و این موضوع می‌تواند به‌عنوان یکی از بحران‌های جدی در آینده کشور مطرح باشد.

– اشتغال ناقص

بررسی داده‌های سری زمانی موجود برای نرخ اشتغال ناقص در کشور در سال‌های ۱۳۸۴ - ۱۳۹۵ مشاهده می‌شود طی این سال‌ها نرخ مذکور بین ۶ الی ۱۰/۳ درصد بوده است. نکته قابل توجه این است که اختلاف نرخ اشتغال ناقص بین زنان شهری و روستایی بسیار کم است در حالی که به‌طور متوسط مردان روستایی به مراتب بیشتر از مردان شهری دچار اشتغال ناقص هستند. همچنین نرخ اشتغال ناقص برای گروه‌های سنی جوان بالاتر از سایر گروه‌های سنی است.

– عدم توازن منطقه‌ای بیکاری

بررسی آمارهای نرخ بیکاری در استان‌ها به تفکیک گروه‌های سنی جوان، زنان و تحصیلکردگان نشان می‌دهد اولاً تفاوت در نرخ بیکاری استان‌ها بسیار زیاد است و ثانیاً وضعیت بیکاری جوانان، زنان و به خصوص جوانان و زنان تحصیلکرده در برخی استان‌های کشور (عمدتاً استان‌های غربی) بسیار نامناسب است. در برخی از این استان‌ها نرخ بیکاری جوانان تحصیلکرده در بازه ۵۰ تا ۶۳ درصد است و در خصوص زنان جوان تحصیلکرده نرخ بیکاری همین استان‌ها به بازه ۶۳ تا ۷۸ درصد می‌رسد.

– بیکاری پنهان

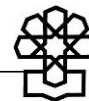
در خصوص بیکاری پنهان، هدف رسیدن به تعریفی از نرخ بیکاری است که علاوه بر پوشش جمعیت بیکار، از یک سو شامل افرادی باشد که شاغل محسوب می‌شوند، اما اشتغال آنها پایدار نیست و از سوی دیگر شامل بخشی از جمعیت غیرفعالی باشد که در آستانه ورود به بازار کار قرار دارند و احتمال بیکار شدن آنها پس از ورود به بازار کار بالاست. برآوردهای انجام شده نشان می‌دهد که نرخ بیکاری پنهان در سال ۱۳۹۵ برای کل کشور برابر ۲۲/۵ درصد محاسبه می‌شود که حدوداً ۱۰ درصد بیش از نرخ بیکاری رسمی است.

– عدم تطابق شغلی

براساس آمارهای طرح نیروی کار کل کشور از میان ۳ میلیون و ۲۰۰ هزار بیکار در سال ۱۳۹۵ بیش از ۱ میلیون و ۳۰۰ هزار نفر تحصیلات دانشگاهی داشته‌اند که معادل تقریباً ۴۲ درصد از کل بیکاران است. درحالی که در سال ۱۳۹۵ تنها ۲۴ درصد از شاغلان تحصیلات دانشگاهی داشتند. پدیده عدم تطابق تحصیلی در بین نیروی کار زن با شدت بیشتری نسبت به مردان در بازار کار ایران بروز یافته است. در سال ۱۳۸۴، ۲۲ درصد از زنان شاغل دارای مدارک تحصیلی دانشگاهی بوده‌اند که این نسبت در سال ۱۳۹۵ به ۴۱ درصد رسیده است. در مقابل سهم افراد دارای تحصیلات دانشگاهی در بین بیکاران از ۳۶ درصد در سال ۱۳۸۴ به ۷۲ درصد در سال ۱۳۹۵ افزایش یافته است.

مقدمه

بیش از یک دهه است که بازار کار ایران در شرایط ویژه‌ای به سر می‌برد؛ از نیمه دهه ۱۳۸۰ تا سال‌های ابتدایی دهه ۹۰ خالص اشتغال‌زایی اقتصاد ایران تقریباً صفر بوده است. درحالی که در همین دوره جمعیت جوان کشور به بیشترین میزان خود طی چند دهه اخیر رسیده است. با وجود این در این دوره نرخ بیکاری کل کشور با افزایش‌های قابل توجه مواجه نشده است، زیرا جمعیت فعال نیز مشابه تعداد شاغلان کشور طی این دوره تقریباً ثابت بوده و جمعیت غیرفعال کشور پیوسته و با سرعت بالایی درحال افزایش بوده است. این موضوع سبب کاهش قابل توجه نرخ مشارکت در فاصله سال‌های ۱۳۸۴ - ۱۳۹۳ شده است. در سال‌های ۱۳۸۴ - ۱۳۹۳، جمعیت کل کشور ۸/۴ میلیون نفر افزایش یافته است که از



این میزان ۷/۲ میلیون نفر به جمعیت در سن کار (جمعیت بالای ده سال) و مابقی به جمعیت زیر ۱۰ سال افزوده شده است. از ۷/۲ میلیون نفری که جمعیت در سن کار افزایش یافته، ۶/۶ میلیون نفر سهم جمعیت غیرفعال بوده و تنها ۵۶۵ هزار نفر جمعیت فعال (مجموع جمعیت شاغل و بیکار) افزایش یافته است. این موضوع سبب شده است نرخ مشارکت اقتصادی که از تقسیم جمعیت فعال بر کل جمعیت در سن کار (جمعیت ده ساله و بیشتر) به دست می آید از سال ۱۳۸۴ روندی نزولی داشته باشد. نرخ مشارکت از سال ۱۳۷۵ تا سال ۱۳۸۴ به تناسب افزایش جمعیت فعال در یک روند صعودی از حدود ۳۵ درصد به ۴۱ درصد رسیده است، اما از سال ۱۳۸۴ به بعد و با ثابت ماندن جمعیت فعال، این نرخ روندی نزولی را آغاز کرده و این روند تا سال ۱۳۹۰ ادامه یافته است. از سال ۱۳۹۱ - ۱۳۹۳ نیز نرخ مشارکت تقریباً ثابت مانده و روند کاهشی آن متوقف شده است.

در مقابل طی دو سال و نیم اخیر (نیمه دوم سال ۱۳۹۳ تا انتهای سال ۱۳۹۵) جمعیت فعال شروع به افزایش کرده و با وجود شرایط نه چندان مطلوب فعالیت های اقتصادی یکی از بیشترین آمار اشتغال زایی اقتصاد ایران طی چند دهه اخیر به ثبت رسیده است. با این حال، همان طور که پیش از این انتظار می رفت و در گزارش های مختلف در خصوص بروز این پدیده هشدار داده می شد افزایش جمعیت فعال - افزایش ورود جمعیت غیرفعال به بازار کار - بیش از آن چیزی است که حتی با اشتغال زایی بیش از ۶۰۰ هزار نفری در هر سال بتوان مانع از افزایش نرخ بیکاری شد، لذا جمعیت بیکار و نرخ بیکاری در روندی صعودی قرار گرفته است.

از سوی دیگر طی دهه گذشته وضعیت جمعیت جوان و تحصیل کرده در برخی جوانب متفاوت از تحولات کل بازار کار بوده است. بدین معنا که نرخ های بیکاری گروه های سنی جوان و تحصیل کرده و به خصوص زنان روندی صعودی داشته و مقادیر این نرخ ها در شرایط بحرانی قرار گرفته است. بنابراین سؤال اساسی این است که چگونه می توان این شرایط را تغییر داد؟ چگونه می توان علاوه بر آنکه با ایجاد شرایط رونق و امیدوارکننده، ورود جمعیت غیرفعال را به بازار کار افزایش داده و نرخ مشارکت را در روندی صعودی قرار داد، نرخ بیکاری و به خصوص نرخ های بیکاری جوانان و افراد دارای تحصیلات را کاهش داد؟ ورود یا عدم ورود جمعیت غیرفعال به بازار کار - که بخشی از آنها دارای تحصیلات عالی هستند - چه تبعات و مخاطرات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی برای کشور دارد؟ سازوکارها و سیاست های جلوگیری از تبعات و مخاطرات احتمالی چیست؟ چه سیاست هایی می تواند گره عدم اشتغال زایی طی سال های گذشته را باز کند؟ هزینه این سیاست ها چیست؟ تقدم و تأخر آنها چگونه است؟ نقش نهادهای مختلف در قوای سه گانه کشور در تبیین و اجرای این سیاست ها چیست؟ این سؤالات از مهمترین مسائل کشور در شرایط حاضر و طی سال های آتی هستند. مسئله ای که ابعاد آن از یک موضوع صرفاً اقتصادی خارج شده و به یک موضوع اجتماعی و با آثار سیاسی تبدیل شده است و لازم است هرچه زودتر به جمع بندی درستی برای پاسخ به آنها رسید.

باید توجه داشت آنچه از شرایط بازار کار کشور بیان شد به روشنی نشان می دهد که این شرایط مجالی برای هرگونه خطا در سیاست گذاری به جا نمی گذارد. زیرا تداوم وضع موجود به تنهایی می تواند

مخاطره‌آمیز باشد، حال اگر سیاست نادرستی به تشدید شرایط نامساعد کنونی منجر شود، بروز بحران‌های اجتماعی ناشی از شرایط وخیم بازار کار اجتناب‌ناپذیر است، لذا لازم است براساس شناخت صحیح شرایط داخلی و بهره‌مندی از تجارب سایر کشورها و ادبیات اقتصادی، احتمال خطا در سیاستگذاری را به حداقل رساند و امکان دستیابی به سیاست‌هایی صحیح و کم‌هزینه را فراهم کرد که با مبانی علمی و تجارب سایر کشورها پشتیبانی می‌شود. از این‌رو، مرکز پژوهش‌های مجلس به تهیه سلسله گزارش‌هایی برای دستیابی به سیاست‌های سازگار با شرایط بازار کار ایران اقدام کرده است. مجموعه گزارش‌هایی که از شناخت وضع موجود و تبعات سناریوهای احتمالی در آینده بازار کار ایران آغاز می‌شود و با بررسی ادبیات سیاست‌های بازار کار، تجارب جهانی، تجارب داخلی، آسیب‌شناسی سیاست‌ها و مقررات بازار کار ایران و ارزیابی عملکرد دستگاه‌های اجرایی مرتبط، به اولویت‌های سیاستگذاری برای اشتغال‌زایی و نقشه راه سیاستگذاری در بازار کار ختم می‌شود.

گزارش حاضر اولین گزارش از مجموعه گزارش‌های نامبرده است که به بررسی تحلیل تحولات بازار کار در سال‌های اخیر می‌پردازد، زیرا اولین و مهمترین گام در سیاستگذاری، شناخت عدم تعادل‌ها، عدم انطباق‌ها، گروه‌های هدف و به‌طور خلاصه شناخت وضع موجود است.

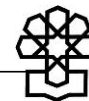
نکته حائز اهمیت در تحلیل وضع موجود توجه به تفاوت‌های شرایط بازار کار در استان‌های مختلف است. زیرا دامنه تغییر شاخص‌های بازار کار در استان‌های مختلف بسیار زیاد است و نمی‌توان بدون در نظر گرفتن این تفاوت‌ها به تصویر جامعی از شرایط بازار کار در کشور دست یافت. بر این اساس اهتمام گزارش حاضر شناخت شرایط بازار کار ایران طی سال‌های اخیر با تأکید بر تفاوت‌های استانی است. در گزارش پیش‌رو چکیده‌ای از بررسی‌های انجام شده در قالب جمعیت در سن کار، شاغلان، بیکاری، بیکاری پنهان و عدم تطابق شغلی ارائه می‌شود و خوانندگان می‌توانند برای اطلاع از آمارهای تفصیلی و تعاریف و مفاهیم به پیوست‌های گزارش رجوع کنند.

۱. جمعیت در سن کار^۱

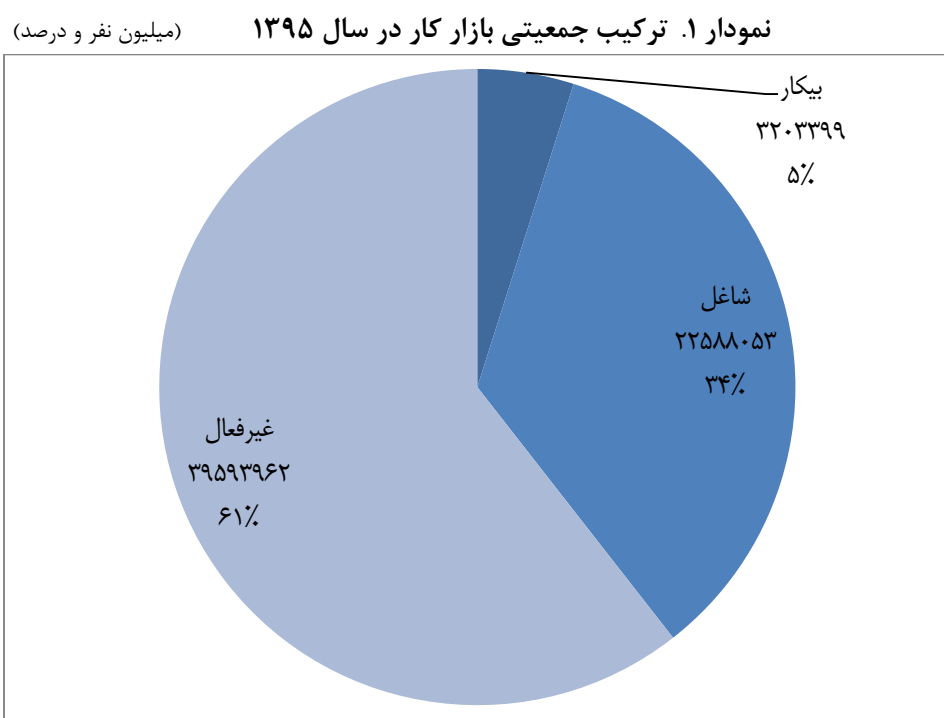
بنا به تعریف مرکز آمار ایران به تمام افراد ده‌ساله و بیشتر، جمعیت در سن کار اطلاق می‌شود.^۲ جمعیت در سن کار نیز بنا به تعاریف رسمی بازار کار به سه دسته کلی تقسیم می‌شوند: جمعیت شاغل، بیکار و غیرفعال (که طبق تعریف در جستجوی کار نیستند). مجموع افراد بیکار و شاغل با عنوان جمعیت فعال

1. Working-age Population

۲. در تعاریف بین‌المللی حداقل سن ۱۵ سال تعیین شده است. اما در ایران و برخی کشورهای در حال توسعه به دلیل احتمال بالاتر کارکردن در سنین زیر ۱۵ سال نسبت به کشورهای توسعه‌یافته، حداقل سن ۱۰ سال در نظر گرفته شده است. البته شاغلان دارای سن ۱۰ تا ۱۴ سال در سال ۱۳۹۰ در حدود ۸۵ هزار نفر بوده‌اند (در حدود ۰/۴ درصد از جمعیت شاغلان) و تعداد این افراد در سال ۱۳۹۳ به حدود ۴۵ هزار نفر رسیده است (در حدود ۰/۲ درصد جمعی شاغلان). لذا چندان تفاوتی بین اینکه جمعیت در سن کار بالای ۱۵ سال یا بالای ۱۰ سال انتخاب شود وجود ندارد و لازم است مبنای تعریف جمعیت در سن کار در آمارهای ایران نیز تغییر کند.



معرفی می‌شوند که نسبت آنها به جمعیت کل بیانگر نرخ مشارکت در اقتصاد است.^۱ براساس طرح آمارگیری از نیروی کار، تعداد بیکاران در سال ۱۳۹۵، سه میلیون و ۲۰۳ هزار نفر، تعداد شاغلان برابر با ۲۲ میلیون و ۵۸۸ هزار نفر و تعداد افراد غیرفعال برابر ۳۹ میلیون و ۵۹۴ هزار نفر بوده است (ترکیب این سه دسته در سال ۱۳۹۵ در نمودار ۱ نشان داده می‌شود. همچنین نمودار مشابه برای سال‌های ۱۳۸۴، ۱۳۸۹ و ۱۳۹۴ در نمودار ۱، ۲ و ۳ پیوست ارائه شده است). بنابراین همان‌طور که مشاهده می‌شود در سال ۱۳۹۵، ۳۹ درصد از جمعیت در سن کار کشور فعال بوده‌اند که این نرخ مشارکت یکی از پایین‌ترین نرخ‌های مشارکت در کشورهای جهان است.



مأخذ: داده‌های طرح آمارگیری از نیروی کار، مرکز آمار ایران.

نمودارهای ۲ و ۳ روند تغییرات نرخ مشارکت کل را نشان می‌دهد. نرخ مشارکت طی سال‌های ۱۳۷۶ - ۱۳۹۵ در بازه ۳۵ و ۴۱ درصد بوده و بیشترین مقدار مربوط به سال ۱۳۸۴ بوده است. همان‌طور که در مقدمه نیز توضیح داده شد، با ثبات جمعیت فعال و افزایش جمعیت غیرفعال از سال‌های ۱۳۸۴ به بعد، نرخ مشارکت در روندی نزولی قرار گرفته است. نرخ مشارکت مردان و زنان در سال ۱۳۸۴ به ترتیب برابر با ۶۵ و ۱۷ درصد و در سال ۱۳۹۵ به ترتیب در حدود ۶۴ و ۱۵ درصد است.

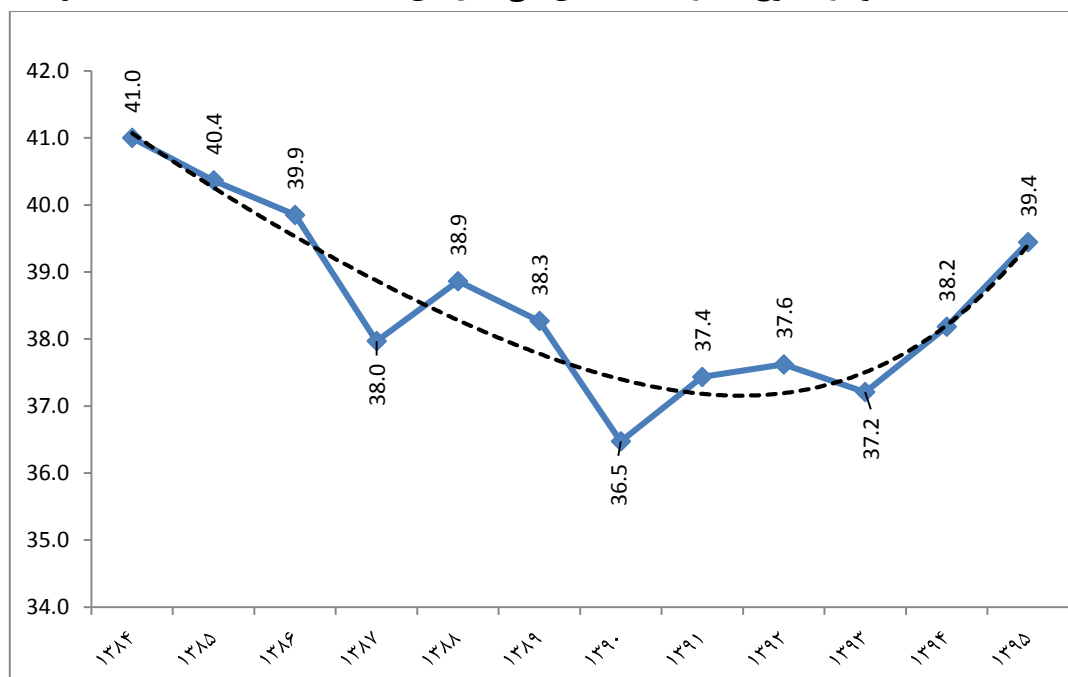
نرخ مشارکت زنان در ایران یکی از پایین‌ترین نرخ‌های مشارکت در مقایسه با سایر کشورهاست و در سال ۲۰۱۴ تنها در ۶ کشور فلسطین (نوارغزه و کرانه باختری)، اردن، عراق، سوریه، الجزایر و

۱. برای اطلاعات بیشتر درخصوص تعاریف و مفاهیم به پیوست موضوعی گزارش رجوع شود.

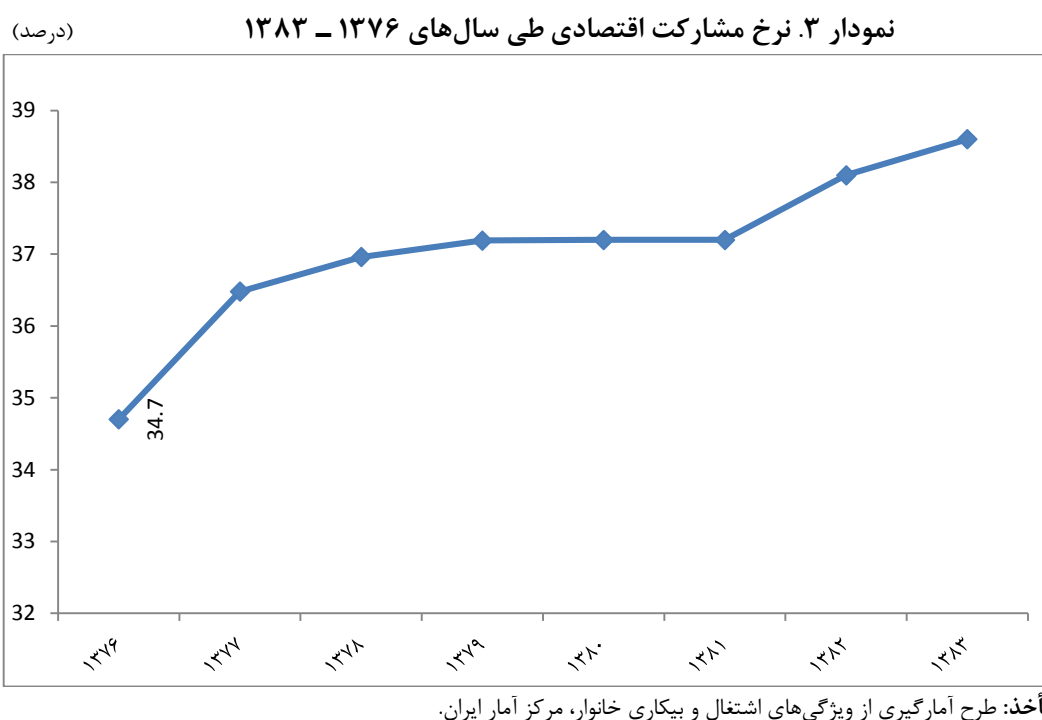
افغانستان نرخ مشارکت زنان کمتر از ایران بوده است. این موضوع باعث شده است که نرخ مشارکت کل در بازار کار ایران یکی از پایین‌ترین نرخ‌های مشارکت در جهان باشد. نکته قابل توجه درخصوص تفاوت نرخ مشارکت زنان و مردان این است که برای مردان نرخ مشارکت جوانان همواره پایین‌تر از نرخ مشارکت کل است و برای زنان همواره خلاف آن است، لذا زنان در گروه‌های سنی جوان با احتمال بیشتری در بازار کار مشارکت می‌کنند. با توجه به نرخ‌های بالای بیکاری زنان جوان و به‌خصوص زنان جوان تحصیلکرده که در ادامه بررسی خواهد شد، لازم است ساختارهای سمت تقاضای بازار کار در اقتصاد ایران به‌گونه‌ای تغییر کند که شرایط برای اشتغال این گروه بیشتر مهیا شود. روند تغییرات نرخ مشارکت به تفکیک جنسیت و رده سنی در نمودارهای ۴، ۵ و ۶ پیوست قابل مشاهده است.

(درصد)

نمودار ۲. نرخ مشارکت اقتصادی طی سال‌های ۱۳۸۴ - ۱۳۹۵



مأخذ: همان.



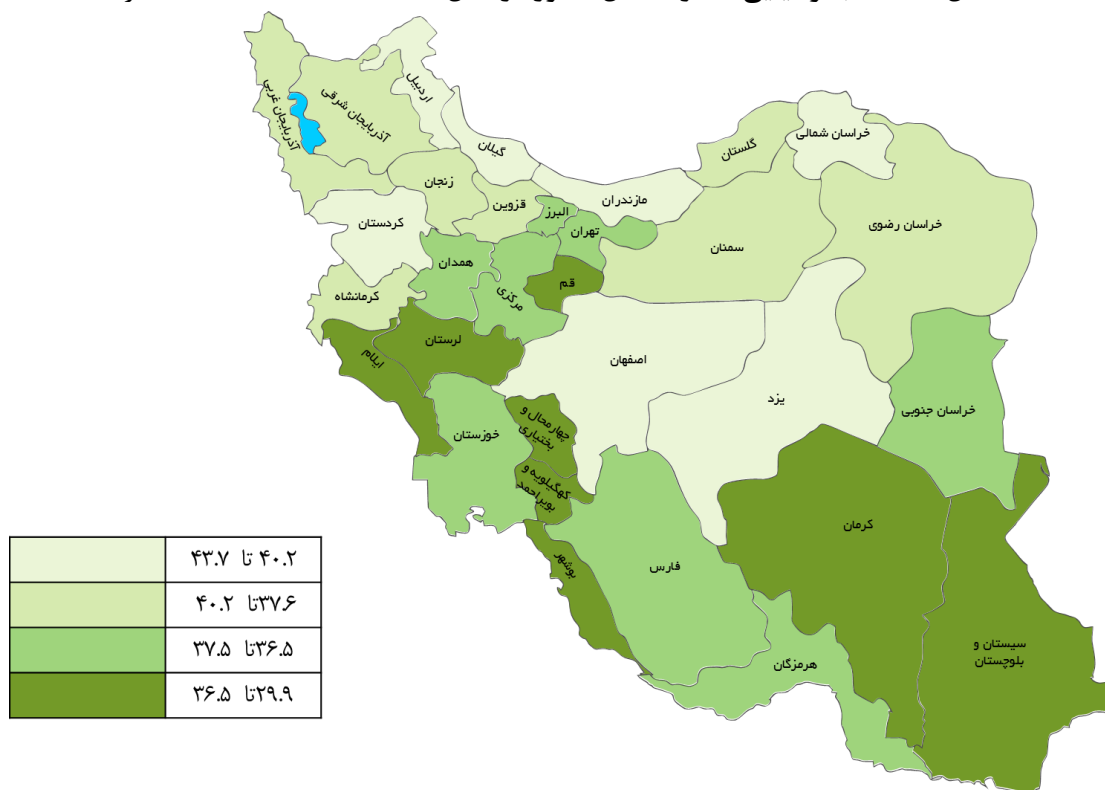
آمارهای استانی بازار کار در کشور نشان می‌دهد، اختلاف زیادی بین استان‌های مختلف از نظر مشارکت اقتصادی وجود دارد. با تقسیم استان‌ها براساس نرخ مشارکت در سال ۱۳۹۴ به چهار دسته، نقشه مشارکت در کل کشور به تفکیک استان‌ها رسم شده است که در شکل ۱ نشان داده می‌شود. کمترین نرخ مشارکت بین استان‌ها برابر ۳۱/۱ درصد مربوط به استان سیستان و بلوچستان و بیشترین مقدار آن برابر با ۴۳/۸ درصد مربوط به استان اردبیل است. با توجه به شکل ۱ می‌توان دریافت نرخ مشارکت در استان‌های جنوبی و جنوب غربی نسبت به مناطق مرکزی و شمالی کشور کمتر است. نرخ مشارکت هر استان در سال ۱۳۹۵ در جدول ۱ پیوست گزارش ارائه شده است.

همچنین کمترین نرخ مشارکت زنان در سال ۱۳۹۵ برابر با ۷ درصد مربوط به استان مرکزی و بیشترین مقدار این متغیر برابر ۲۱/۹ درصد مربوط به استان خراسان شمالی بوده است. نرخ مشارکت ۸ تا ۱۰ درصد در مقایسه‌های بین‌المللی نرخ بسیار پایینی است و حکایت از نقش‌آفرینی پایین زنان در اقتصاد و تولید کشور دارد، اما نکته حائز اهمیت آن است که با وجود نرخ‌های پایین مشارکت زنان، نرخ‌های بیکاری آنها به مراتب بیش از مردان است، لذا ممکن است یکی از دلایل عدم مشارکت زنان در بازار کار، به عدم تناسب شغل‌های موجود در استان‌های مختلف برای اشتغال زنان مربوط شود و زنان به دلیل مواجه شدن با نرخ‌های بالای بیکاری، انگیزه پایینی برای جستجوی شغل و مشارکت در بازار کار داشته باشند.

بررسی نرخ مشارکت جوانان ۱۵ - ۲۹ ساله به تفکیک استان در سال ۱۳۹۵ نشان می‌دهد، کمترین و بیشترین مقدار آن به ترتیب برابر ۲۸/۹ مربوط به استان سیستان و بلوچستان و ۴۲/۳ مربوط به استان

خراسان رضوی و همچنین متوسط کل کشور برابر ۳۷/۲ درصد است (نقشه‌های جغرافیایی و جداول مربوطه در نمودارهای ۷ و ۸ و جداول ۲ و ۳ پیوست ارائه شده است).

شکل ۱. نقشه جغرافیایی مشارکت کل کشور در سال ۱۳۹۴ (درصد)

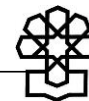


مأخذ: داده‌های طرح آمارگیری از نیروی کار، مرکز آمار ایران.

۲. شاغلان

نمودار ۴ تعداد شاغلان کشور در سال‌های ۱۳۸۴ - ۱۳۹۵ را نشان می‌دهد. طبق این نمودار تعداد شاغلان طی این سال‌ها بین ۱۹/۹ تا ۲۲/۶ میلیون نفر بوده است و بیشترین مقدار آن مربوط به سال ۱۳۹۵ است. از سال ۱۳۹۰ - ۱۳۹۵ روند تعداد شاغلان کشور افزایشی است، اما همچنان تفاوت تعداد شاغلان طی سال‌های ۱۳۸۴ - ۱۳۹۵ در حدود ۲ میلیون نفر است که در مقایسه با افزایش بیش از ۵ میلیون نفری تعداد شاغلان بین سال‌های ۱۳۷۵ - ۱۳۸۴ افزایش تعداد شاغلان در دوره اخیر بسیار محدود بوده است. به‌خصوص آنکه حدود ۶۵ درصد از افزایش ۲ میلیون نفری تعداد شاغلان طی دوره ۱۳۸۴ - ۱۳۹۵، صرفاً در سال ۱۳۹۴ و ۱۳۹۵ رقم خورده است.

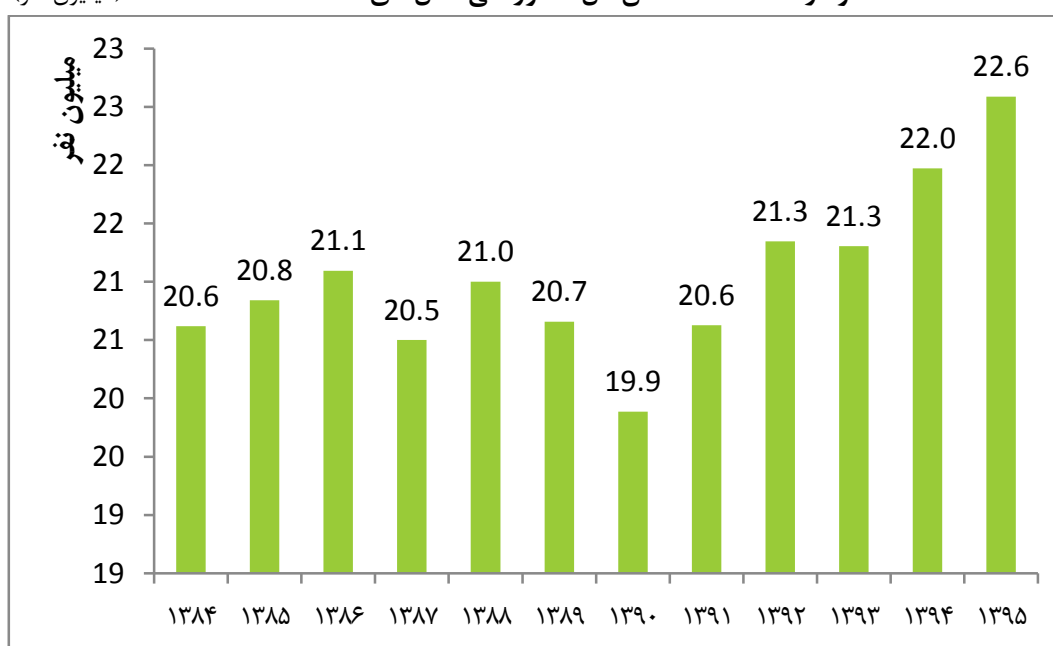
در مجموع سال‌های ۱۳۸۴ - ۱۳۹۳ اقتصاد ایران از نظر اشتغال‌زایی عملکرد مطلوبی نداشته است و این عملکرد در شرایطی رقم خورده است که دقیقاً طی همین دوره سهم جمعیت جوان از کل جمعیت به



بیش از ۴۰ درصد رسیده است (طی سال‌های ۱۳۸۴ - ۱۳۹۳ بیش از ۴۰ درصد جمعیت کشور را گروه‌های سنی ۱۵ تا ۳۴ سال تشکیل داده‌اند که نسبت به سهم این گروه سنی از جمعیت در دوره‌های گذشته بی‌سابقه بوده است). این عدم افزایش تعداد شاغلان و همزمانی آن با موج جمعیت جوان و تحصیلکرده کشور به خودی خود بیانگر نیاز اقتصاد ایران برای اشتغال‌زایی قابل توجه طی سال‌های آتی است؛ به گونه‌ای که نه تنها برای جوانان جدید شغل ایجاد نماید، بلکه عقب‌ماندگی سال‌های گذشته نیز جبران شود.

علاوه بر آمار کل تعداد شاغلان در سال‌های اخیر که بیانگر برآیند تحولات اقتصادی کل کشور است، آمار شاغلان به تفکیک ویژگی‌های مختلف نمای دقیق‌تری از وضعیت این متغیر ارائه می‌کند. لذا ترکیب جنسیتی، شهری یا روستایی، استانی، سنی و بخش‌های اقتصادی شاغلان کل کشور و همچنین آمار مربوط به ساعات کاری، اشتغال ناقص، دوشغله بودن و عدم تطابق‌های شغلی، از موضوعات مهمی است که در ادامه گزارش به آن پرداخته می‌شود. در مورد بیکاران نیز آمار بیکاری استانی، بیکاری پنهان^۱ و آمار بیکاری به تفکیک علل آن ارائه می‌شود.

نمودار ۴. تعداد شاغلان کل کشور طی سال‌های ۱۳۸۴ - ۱۳۹۵ (میلیون نفر)



مأخذ: همان.

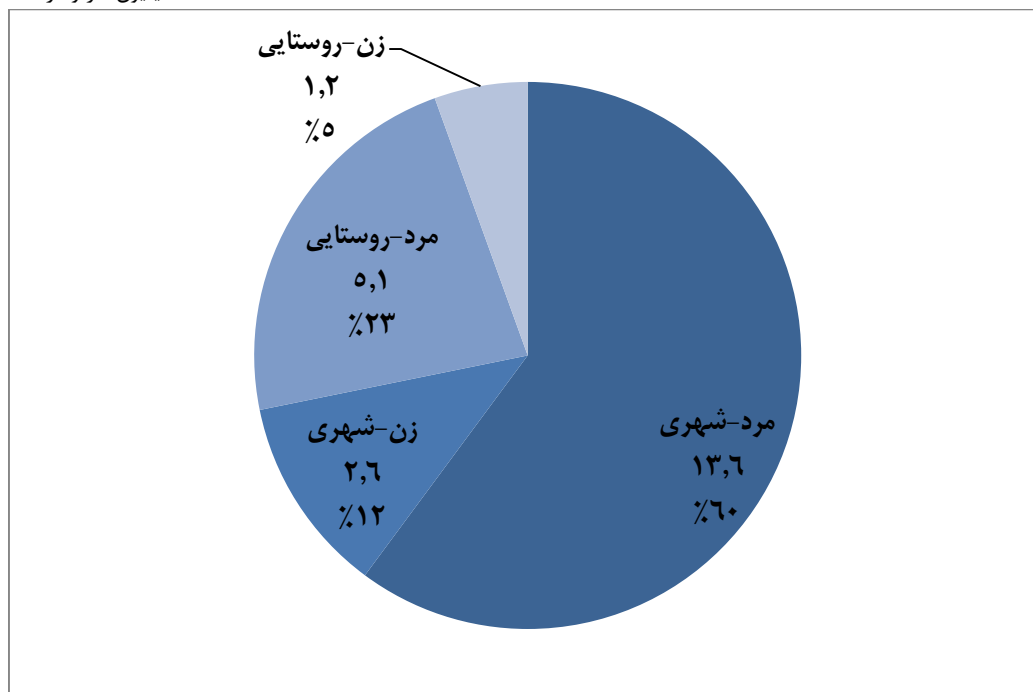
۱. برای اطلاعات بیشتر به پیوست موضوعی گزارش رجوع شود.

۲-۱. ترکیب جنسیتی و جغرافیایی شاغلان

مطابق نمودار ۵ ترکیب جمعیتی شاغلان به تفکیک جنسیت و نوع منطقه سکونت در سال ۱۳۹۵ نشان می‌دهد بیش از ۶۰ درصد شاغلان کشور مردان شهری و ۲۳ درصد مردان روستایی هستند. همچنین سهم مناطق شهری از کل اشتغال ۷۲ درصد است. تعداد شاغلان مرد شهری طی ۱۰ سال اخیر روند افزایشی داشته و از ۱۱/۲ میلیون نفر ۱۳۸۴ به ۱۳/۶ میلیون نفر در سال ۱۳۹۵ رسیده است. البته روند افزایش اشتغال مردان شهری از سال ۱۳۹۰ به بعد شتاب بیشتری نسبت به سال‌های ۱۳۸۴ - ۱۳۹۰ داشته است. برخلاف مردان شهری، تعداد شاغلان مرد روستایی از ۱۳۸۴ - ۱۳۹۳، ۳۰۰ هزار نفر کاهش یافته است (یکی از علل این پدیده، یعنی کاهش شاغلان روستایی و افزایش شاغلان شهری می‌تواند ناشی از اثر مهاجرت از روستاها به شهرها باشد). این تحولات سبب شده است سهم مردان شهری از اشتغال از ۵۴ درصد به ۶۰ درصد برسد. درخصوص زنان نیز تعداد شاغلان زن شهری در دوره ۱۳۸۴ - ۱۳۹۵ تغییر محدودی داشته است. درحالی که طی همین دوره، بیش از ۶۰۰ هزار نفر از تعداد زنان روستایی شاغل کم شده است. مسائل بخش کشاورزی، مهاجرت به شهر، توسعه آموزش و توسعه فناوری در بخش کشاورزی می‌تواند از عمده دلایل تغییرات تعداد شاغلان زن روستایی باشد. نمودارهای مشابه برای سال‌های ۱۳۸۴، ۱۳۸۹ و ۱۳۹۴ در نمودارهای ۹، ۱۰ و ۱۱ پیوست رسم شده است.

نمودار ۵. ترکیب جمعیت شاغل کشور به تفکیک جنسیت و منطقه سکونت در سال ۱۳۹۵

(میلیون نفر و درصد)



مأخذ: همان.

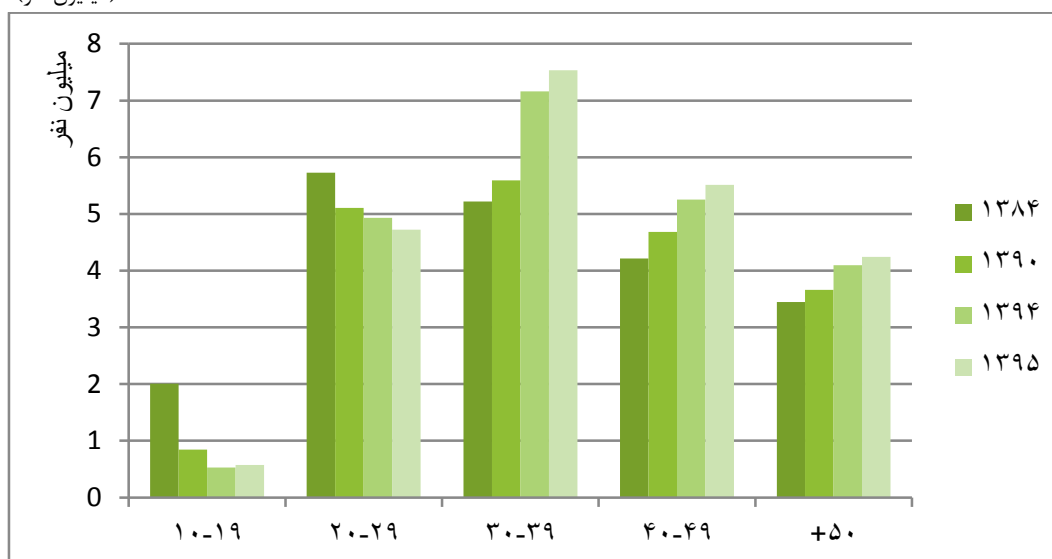


۲-۲. ترکیب سنی شاغلان

ترکیب شاغلان از نظر سنی در سال‌های ۱۳۸۴، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۴ و ۱۳۹۵ در نمودار ۶ نشان داده می‌شود. براساس آمار سال‌های ذکر شده مشاهده می‌شود که با گذشت زمان سهم رده‌های سنی ۱۰ تا ۱۹ سال و ۲۰ تا ۲۹ سال کاهش یافته و سهم رده‌های سنی ۳۰ تا ۳۹ سال، ۴۰ تا ۴۹ سال و بیش از ۵۰ سال در حال افزایش است. بیشترین تغییر مربوط به سهم رده سنی ۳۰ تا ۳۹ سال از کل شاغلان می‌باشد. این تحولات سبب شده است میانگین سنی جمعیت شاغل افزایش یابد و تمرکز سنی جمعیت شاغل به سمت گروه‌های سنی بالاتر سوق پیدا کند. این موضوع می‌تواند در سال‌های آتی و با نزدیک شدن گروه‌های سنی ۳۰ تا ۳۹ سال فعلی به سنین بازنشستگی مسئله آفرین باشد. به‌خصوص اینکه هم‌اکنون نیز صندوق‌های بازنشستگی در وضعیت نامطلوبی قرار دارند و نمودار ترکیب سنی شاغلان نشان از افزایش ابعاد مسائل بازنشستگی در سال‌های آتی دارد و این موضوع می‌تواند به‌عنوان یکی از بحران‌های جدی طی دو دهه آینده کشور مطرح باشد.

نمودار ۶. ترکیب جمعیت شاغل به تفکیک سنی در سال‌های ۱۳۸۴، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۴ و ۱۳۹۵

(میلیون نفر)



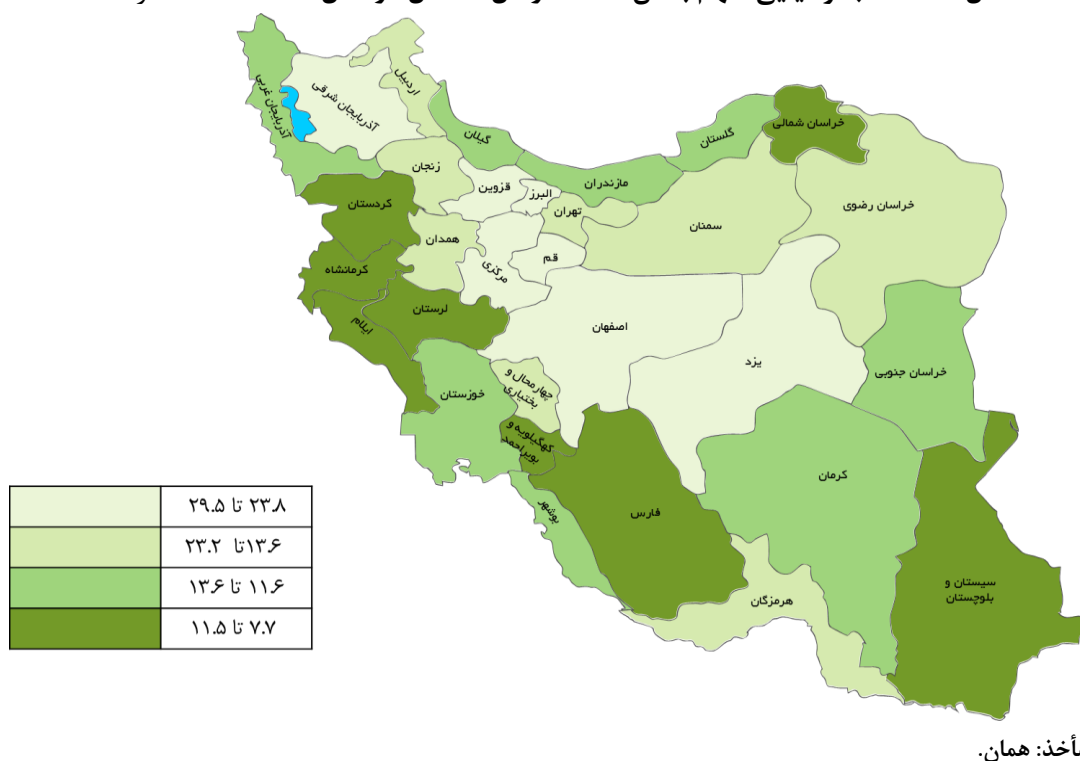
مأخذ: همان.

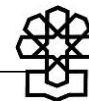
۲-۳. ترکیب بخشی شاغلان

علاوه بر ویژگی‌های فردی جمعیت شاغل، تغییرات ترکیب شاغلان از نظر گروه‌های فعالیت نیز حائز اهمیت است. زیرا همان‌طور که در نمودارهای قبل مشاهده شد، تعداد شاغلان روستایی و به‌خصوص زنان روستایی طی سال‌های اخیر کاهش قابل ملاحظه‌ای یافته است. احتمالاً این کاهش، ناشی از خروج نیروی کار از بخش کشاورزی بوده و ممکن است این افراد به بخش‌های دیگر اقتصاد ورود کرده باشند.

آمار اشتغال به تفکیک بخش‌های اقتصادی در سال ۱۳۹۵ نشان می‌دهد ۵۰ درصد از شاغلان کل کشور در بخش خدمات، ۳۲ درصد در بخش صنایع و معادن و ۱۸ درصد در بخش کشاورزی فعالیت می‌کنند. نسبت به آمار سال ۱۳۸۴ سهم کشاورزی کاهش چشمگیر داشته و به هر دو بخش صنعت و معدن و خدمات افزوده شده است. البته باید توجه داشت افزایش سهم اشتغال بخش صنعت ناشی از افزایش تعداد شاغلان نبوده است، بلکه کاهش قابل توجه سهم بخش کشاورزی سبب این تغییر شده است نمودار ترکیب شاغلان در بخش‌های مختلف اقتصادی در سال ۱۳۸۴، ۱۳۹۴ و ۱۳۹۵ در نمودارهای ۱۲، ۱۳ و ۱۴ پیوست گزارش ارائه شده است. همچنین برای ارائه اطلاعات بیشتر سهم بخش‌های مختلف اقتصادی از اشتغال برای استان‌های مختلف به صورت نقشه جغرافیایی در نمودارهای ۱۵ الی ۱۸ و به صورت آمار در جداول ۴ تا ۷ پیوست گزارش ارائه شده است. در اینجا صرفاً به سهم اشتغال بخش صنعت در استان‌های مختلف اشاره می‌شود. در شکل ۲ ملاحظه می‌شود که در استان‌های مرکزی، قزوین، اصفهان، یزد، البرز، آذربایجان شرقی و زنجان سهم اشتغال بخش صنعت نسبت به سایر استان‌ها بیشتر است. باید به این نکته توجه کرد که عمده صنایع سنگین و سرمایه‌بر کشور مانند وسایل نقلیه موتوری، فلزات اساسی، کانی‌های غیرفلزی، پتروشیمی‌ها و... در این استان‌ها متمرکزند و صنایع سایر استان‌ها عمدتاً صنایع خرد هستند، لذا این استان‌ها هم به لحاظ ارزش افزوده و هم به لحاظ اشتغال از سایر استان‌ها صنعتی‌ترند.

شکل ۲. نقشه جغرافیایی سهم بخش صنعت از کل اشتغال در سال ۱۳۹۴ (درصد)

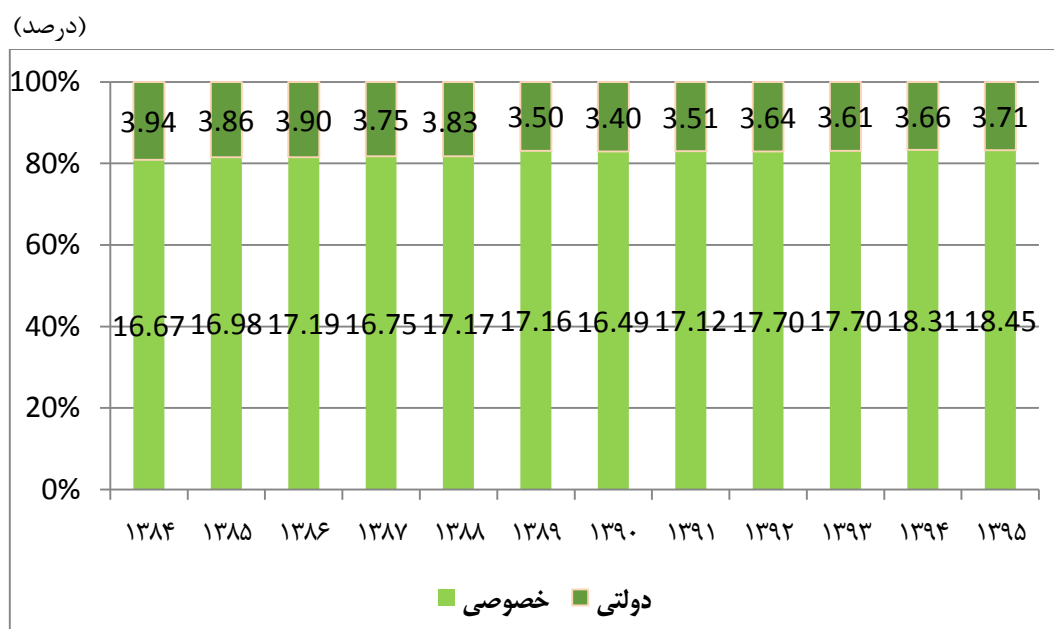




۲-۴. ترکیب دولتی و خصوصی شاغلان

نمودار ۷ تعداد شاغلان را به تفکیک شاغلان بخش دولتی و شاغلان بخش خصوصی^۱ نشان می‌دهد. تعداد شاغلان بخش دولتی در یک روند نزولی از آستانه ۴ میلیون نفر در سال ۱۳۸۴ به ۳/۷۱ میلیون نفر در سال ۱۳۹۵ می‌رسد که سهم آن از کل اشتغال در سال ۱۳۹۵، ۱۶/۷ درصد است. این موضوع نشان می‌دهد بخش دولتی از ظرفیت محدودی برای ایجاد تحولات در زمینه اشتغال‌زایی برخوردار است و با توجه به چشم‌انداز قیمت نفت و وضعیت نامناسب بودجه دولت در سال‌های اخیر، حفظ قدرت خرید همین میزان شاغلان دولتی نیز طی سال‌های آتی دشوار خواهد بود. لذا نباید انتظار داشت دولت بتواند تحولاتی در زمینه افزایش اشتغال در بخش دولتی به‌وجود بیاورد، بلکه برای ایجاد اشتغال باید به‌دنبال سازوکارهایی بود که بخش خصوصی بتواند تحولی در این زمینه ایجاد کند. نکته قابل توجه آن است که سهم اشتغال بخش دولتی برای زنان در حدود ۱۰ درصد بیش از مردان است و بیش از یک‌چهارم اشتغال کنونی زنان نیز وابسته به دولت است. با توجه به نیاز سال‌های آتی در زمینه اشتغال‌زایی زنان و به‌خصوص برای زنان تحصیل‌کرده، لازم است کسب‌وکارهایی در بخش خصوصی توسعه یابند که سازگار با اشتغال زنان تحصیل‌کرده باشد. نمودارهای سهم اشتغال بخش دولتی و خصوصی به تفکیک مردان و زنان در نمودارهای ۱۹ و ۲۰ پیوست گزارش قابل مشاهده است.

نمودار ۷. ترکیب اشتغال کل برحسب دولتی و خصوصی بودن در سال‌های ۱۳۸۴ – ۱۳۹۵



مأخذ: همان.

۱. اشتغال بخش تعاونی نیز در تقسیم‌بندی نمودار ۶ در بخش خصوصی لحاظ شده است. چراکه اشتغال بخش تعاونی طی سال‌های گذشته همواره کمتر از ۳۰ هزار نفر در کل کشور بوده است.

۵-۲. ساعات کاری شاغلان

در ادبیات اقتصاد هنگامی که از تحولات نیروی کار به عنوان نهاده‌های تولید بحث می‌شود، معمولاً به مجموع ساعات کاری انجام شده در یک اقتصاد ارجاع داده می‌شود. چراکه آنچه در بحث تولید و رشد اهمیت دارد میزان تولید انجام شده به ازای یک ساعت کار است و ارتباط تغییرات ساعات کاری با تولید بررسی می‌شود. اساساً یکی از دلایل اصلی انتخاب معیار «حداقل یک ساعت کار» برای تشخیص فرد شاغل به همین موضوع برمی‌گردد. همان‌طور که در پیوست موضوعی گزارش بیان شده است، «تمام افراد ۱۰ ساله و بیشتر که در هفته مرجع حداقل یک ساعت کار کرده یا بنا به دلایلی به‌طور موقت در هفته مرجع کار را ترک کرده‌اند ولی پیوند با کار خود دارند، شاغل محسوب می‌شوند». یکی از دلایل اصلی تعریف فوق این است که سازگاری بین داده‌های بازار کار کشورها با داده‌های حساب‌های ملی ایجاد و امکان ارتباط بین میزان تولید و ساعات‌های کاری افراد برقرار شود. بدین معنی که با استفاده از این تعریف می‌توان میزان تولید به ازای هر ساعت کار را بررسی نمود. درحالی که اگر تعاریف دیگر مبنای قرار گیرند مجموع ساعاتی که افراد ساکن در یک کشور کار کرده‌اند، کمتر از میزان واقعی برآورد می‌شود. زیرا افرادی که کمتر از یک حد مشخص - مثلاً ۱۶ ساعت - کار کرده‌اند به عنوان شاغل محسوب نمی‌شوند.

بررسی ساعات کاری از جهات دیگری نیز اهمیت دارد. برای مثال تحلیل کیفیت شغل‌های موجود از نظر تمام‌وقت بودن یا پاره‌وقت بودن از جمله مواردی است که با بررسی توزیع ساعات کاری افراد قابل حصول است. از آنجا که غالباً مشاغل تمام‌وقت مشمول مزایایی برای کارکنان می‌شوند و این نوع مشاغل پایداری بیشتری نسبت به مشاغل پاره‌وقت دارند، افراد تمایل دارند در این نوع شغل‌ها مشغول شوند. البته افرادی نیز بنا به دلایل مختلف ترجیح می‌دهند شغل پاره‌وقت داشته باشند. لذا بررسی توزیع ساعات کاری شاغلان و تفکیک مشاغل تمام‌وقت از مشاغل پاره‌وقت و همچنین تفکیک شاغلان پاره‌وقتی که خود ترجیح داده‌اند دارای شغل پاره‌وقت باشند از افرادی که به اجبار دارای شغل پاره‌وقت هستند از دیگر نتایج بررسی ساعات کاری است. همچنین برای تعیین بیکاری پنهان^۱ توزیع ساعات کاری شاغلان کشور اهمیت فراوانی دارد. از این‌رو در ادامه این بخش به بررسی ساعات کاری در بازار کار ایران پرداخته شده است.

در نمودار ۸ مجموع ساعات کاری انجام شده در یک هفته در کل کشور محاسبه شده است. این نمودار نشان می‌دهد روند تغییرات ساعات کاری انجام شده در سال‌های مختلف، مشابه روند تغییرات تعداد شاغلان (نمودار ۳) است و نشان می‌دهد مشابه جمعیت شاغل، ساعات کاری نیز طی سال‌های اخیر افزایش نیافته است.

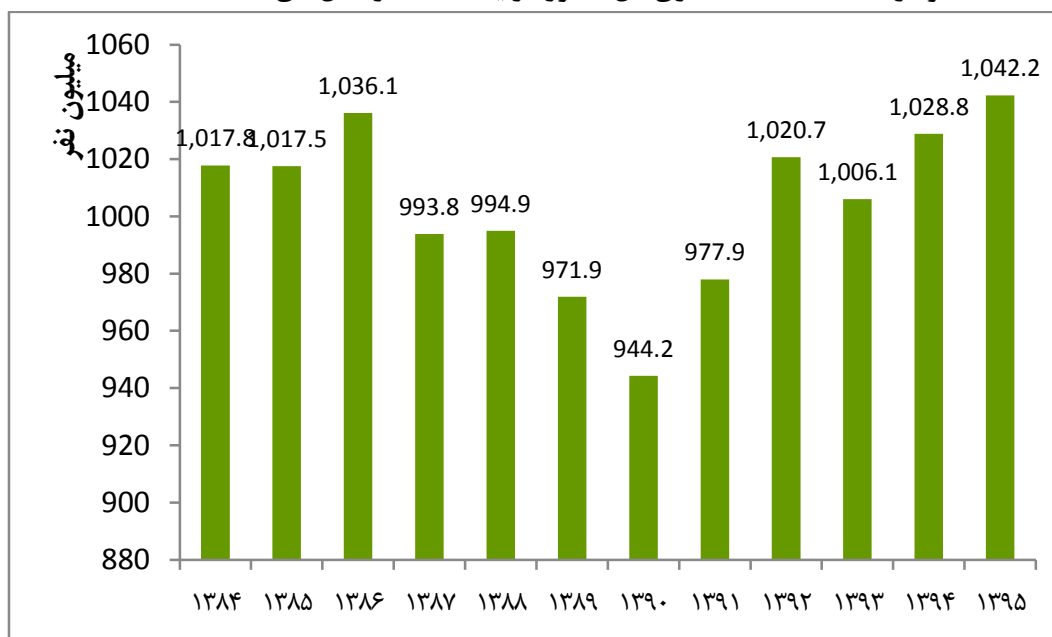
همچنین طبق محاسبات انجام شده متوسط ساعات کاری هر فرد در هفته در سال‌های ۱۳۸۴ - ۱۳۹۵ روندی تقریباً نزولی داشته و بیشترین مقدار طی این سال‌ها مربوط به سال ۱۳۸۴ برابر با ۴۹/۴ ساعت و کمترین مقدار مربوط به سال ۱۳۹۵ برابر با ۴۶/۱ ساعت است. یعنی به‌طور متوسط طی ۱۲ سال مورد

۱. برای اطلاعات بیشتر به پیوست موضوعی گزارش رجوع شود.



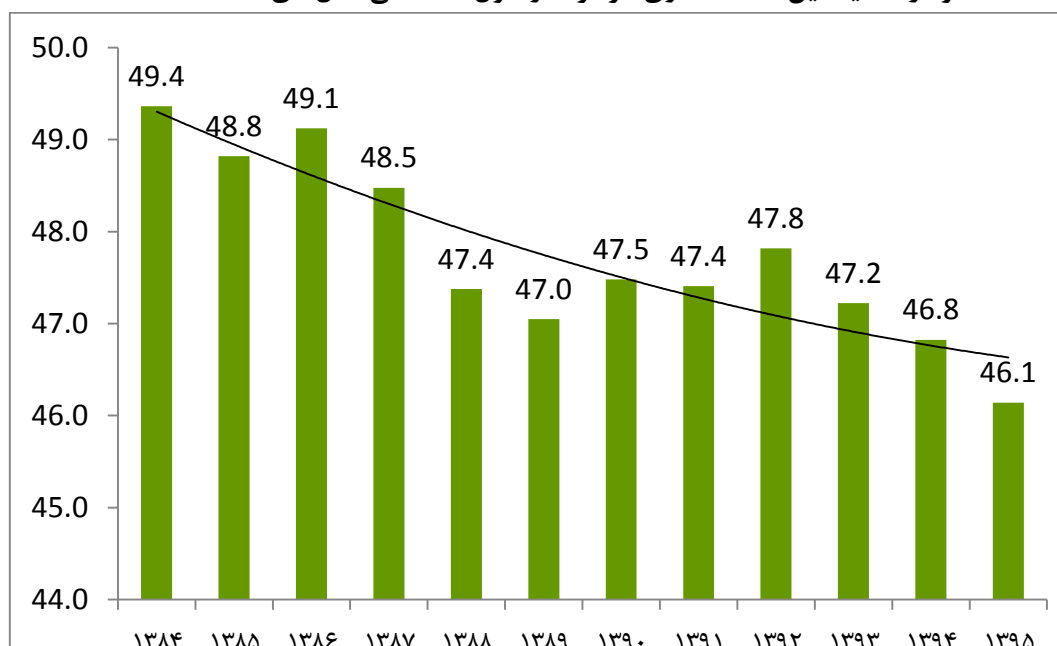
بررسی ۳/۱ ساعات از میزان ساعات کاری شاغلان در طول هفته کم شده است (نمودار ۹). همچنین متوسط ساعات کاری در میان مردان شهری بیشتر از مردان روستایی است در حالی که در مورد زنان، روستایی‌ها میانگین ساعات کاری بیشتری نسبت به شهری‌ها دارند (نمودارهای ۲۱ و ۲۲ پیوست).

نمودار ۸. تعداد ساعات کاری کل کشور در یک هفته در سال‌های ۱۳۸۴ - ۱۳۹۵



مأخذ: همان.

نمودار ۹. میانگین ساعات کاری هر فرد در طول هفته طی سال‌های ۱۳۸۴ - ۱۳۹۵

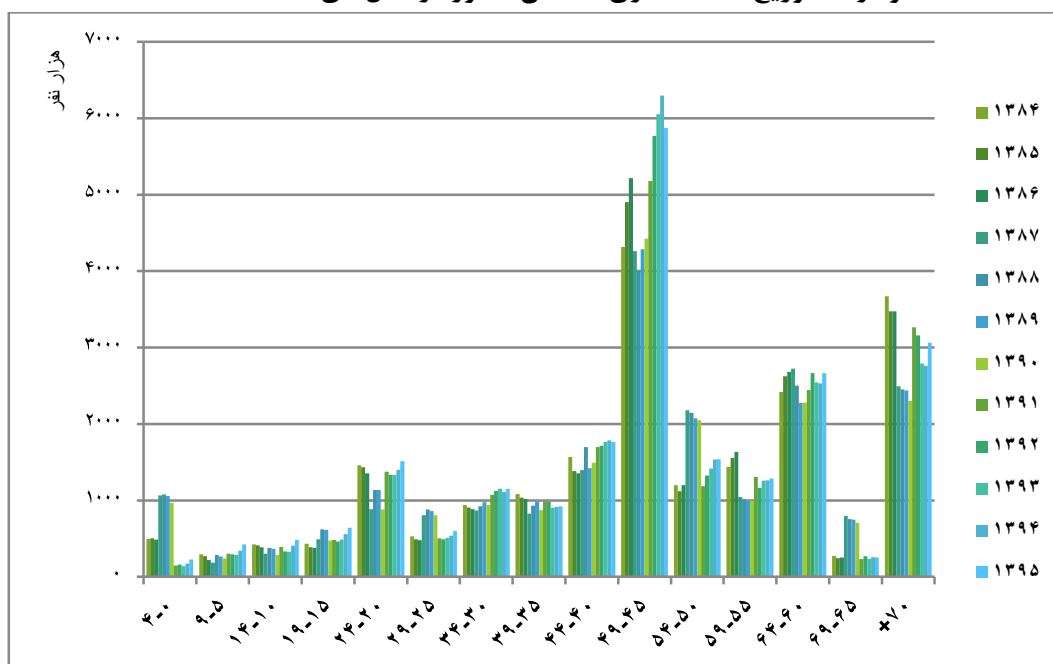


مأخذ: همان.

در نمودار ۱۰ توزیع ساعت کاری شاغلان در بازه‌های ۵ ساعته برای سال‌های ۱۳۸۴ - ۱۳۹۵ ترسیم شده است. محور عمودی نشان‌دهنده تعداد شاغلان در هر یک از بازه‌های ۵ ساعته است. نمودار ۱۰ نشان می‌دهد سهم شاغلانی که در هفته بین ۴۵ تا ۴۹ ساعت کار کرده‌اند بیش از سایر شاغلان است (بنا به قانون کار کشور، ۴۴ ساعت کار در هفته مبنای تعیین شغل تمام‌وقت است) و تعداد این افراد طی سال‌های ۱۳۸۴ - ۱۳۹۵ افزایشی بوده است. در حالی که در ساعات کاری بسیار بالا (بیش از ۷۰ ساعت در هفته) تعداد شاغلان کاهش یافته است.

در نمودار ۱۱ سهم تعداد شاغلان در هر یک از بازه‌های ۵ ساعته نشان داده شده است. نتایج نمودار ۱۱ حاوی این نکته است که کمتر از یک‌چهارم شاغلان کشور کمتر از ۴۵ ساعت در هفته کار می‌کنند. نکته دیگر در خصوص این نمودارها در رابطه با پراکندگی تقریباً یکنواخت ساعات کمتر از ۴۰ ساعت است که نشان می‌دهد ساعات کاری در شغل‌های پاره‌وقت تراکم زیادی در یک بازه ندارند و به صورت تقریباً یکنواخت بین بازه‌های کوچک‌تر توزیع شده‌اند. این نکته در محاسبات مربوط به اشتغال ناقص و بیکاری پنهان مهم بوده و در بخش مربوطه توضیحات بیشتر ارائه شده است.

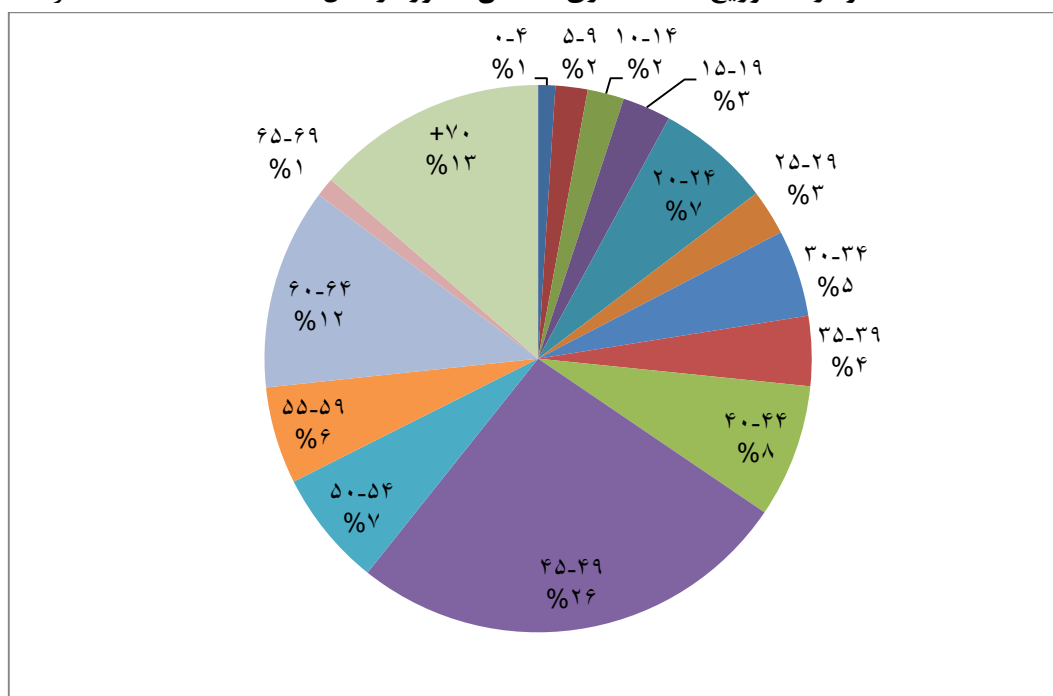
نمودار ۱۰. توزیع ساعات کاری شاغلان کشور در سال‌های ۱۳۸۴ - ۱۳۹۵



مأخذ: همان.



نمودار ۱۱. توزیع ساعات کاری شاغلان کشور در سال ۱۳۹۵ (درصد)



مأخذ: همان.

۲-۶. اشتغال ناقص^۱

مسائل و پیچیدگی‌های بازار کار تنها به بخش بیکار محدود نمی‌شود و در بخش اشتغال نیز مسائلی وجود دارند که می‌توانند موقعیت شغلی شاغلان را دچار مخاطره کند. یکی از این مسائل اشتغال ناقص^۲ است. طبق تعریف سازمان جهانی کار (ILO)، فردی اشتغال ناقص دارد که دارای سه ویژگی زیر باشد:

۱. تمایل به کار در ساعات بیشتری داشته باشد.

۲. برای انجام کار در ساعات بیشتر توانایی داشته باشد.

۳. زمان کاری او زیر یک مقدار حدی است.

نکته قابل توجه در رابطه با شرط سوم این است که این مقدار بسته به شرایط بازار کار کشورهای مختلف می‌تواند متفاوت باشد. براساس پیشنهادهای ICLS16^۳ این مقدار می‌تواند میانگین ساعات کاری شغل تمام‌وقت و پاره‌وقت یا عددی دیگر در این بازه باشد که شرایط اقتصادی بازار کار در آن دخیل هستند. در پیوست موضوعی گزارش تعاریف و ادبیات موجود در رابطه با اشتغال ناقص ارائه شده است. با بررسی شرایط بازار کار ایران و مقایسه آن با سایر کشورها به تفکیک بخش‌های مختلف اقتصادی، جنسیت و گروه‌های سنی مشاهده می‌شود به‌صورت نسبی نرخ اشتغال ناقص در ایران بالاتر است و

1. Underemployment

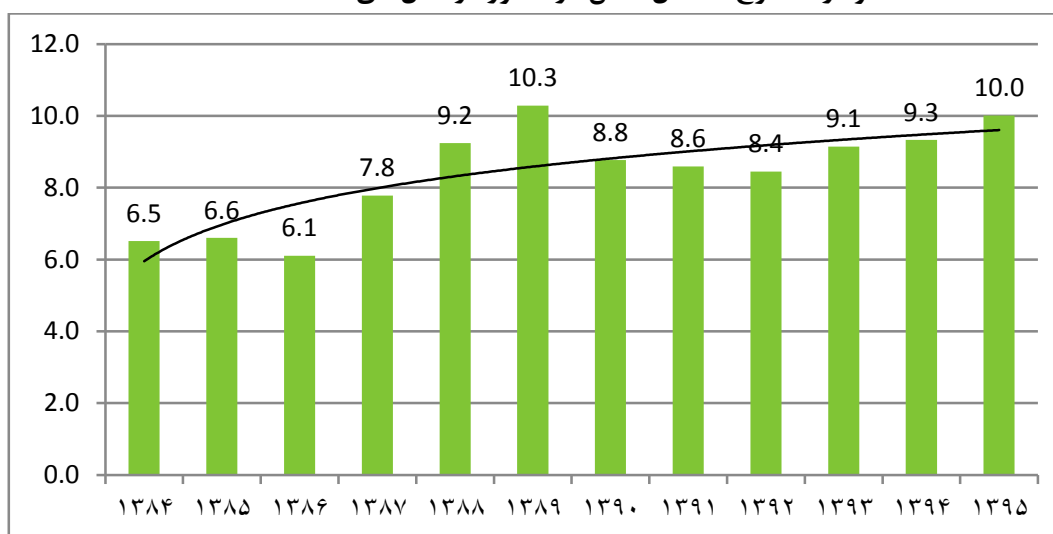
۲. برای اطلاعات بیشتر به پیوست موضوعی گزارش رجوع شود.

3. Final report of the 16th International Conference of Labour Statisticians

تحلیل دلایل آن ضروری به نظر می‌رسد. در نمودارهای ۴۰ تا ۴۲ پیوست وضعیت ایران از نظر نرخ اشتغال ناقص با کشورهای منتخب مقایسه شده است.

براساس تعریف، نرخ اشتغال ناقص برابر با نسبت افراد دارای اشتغال ناقص به جمعیت فعال کشور است. بررسی داده‌های سری زمانی موجود برای نرخ اشتغال ناقص کشور در سال‌های ۱۳۸۴ - ۱۳۹۵ نشان می‌دهد طی این سال‌ها نرخ مذکور بین ۶ الی ۱۰/۳ درصد بوده که بیشترین مقدار آن متناظر با بیشترین مقدار نرخ بیکاری در این بازه و مربوط به سال ۱۳۸۹ است (نمودار ۱۲). همچنین با تفکیک جنسیتی و شهری یا روستایی بودن نرخ اشتغال ناقص مشاهده می‌شود این نرخ برای مردان روستایی بیشتر از سه گروه دیگر بوده و مردان شهری در رده دوم قرار می‌گیرند. نکته قابل توجه این است که اختلاف نرخ اشتغال ناقص بین زنان شهری و روستایی بسیار کم است درحالی که به‌طور متوسط مردان روستایی به‌مراتب بیشتر از مردان شهری دچار اشتغال ناقص هستند.^۱ همچنین نرخ اشتغال ناقص برای گروه‌های سنی جوان بالاتر از سایر گروه‌های سنی است.

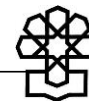
نمودار ۱۲. نرخ اشتغال ناقص در کشور در سال‌های ۱۳۸۴ - ۱۳۹۵



مأخذ: همان.

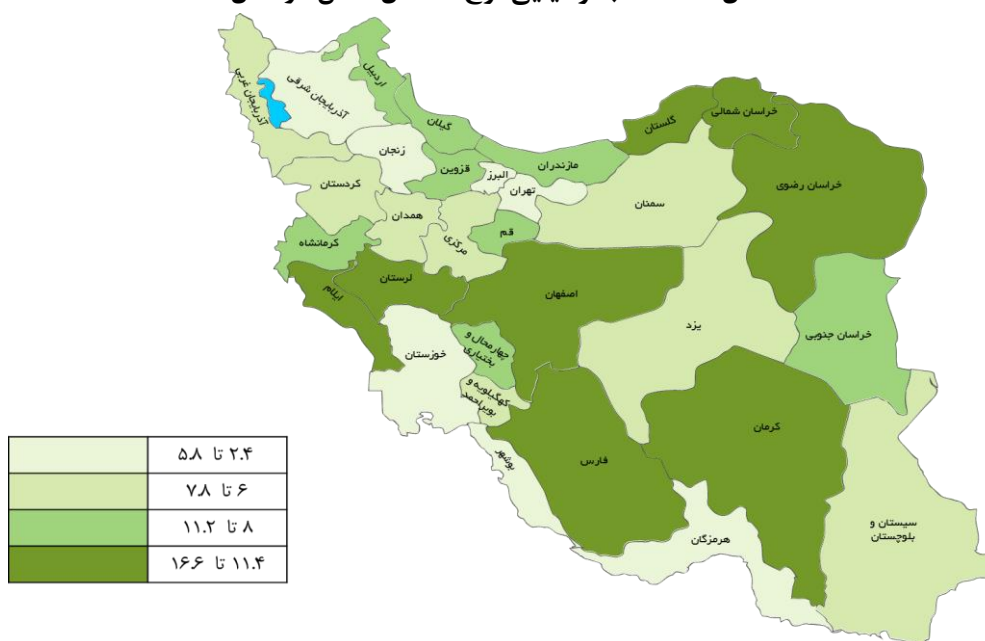
شکل ۳ توزیع استانی نرخ اشتغال ناقص را برای سال ۱۳۹۴ نشان می‌دهد. همچنین در جدول ۱۵ پیوست گزارش نرخ اشتغال ناقص برای استان‌های مختلف در سال ۱۳۹۵ محاسبه شده است. نتایج جدول نشان می‌دهد کمترین نرخ اشتغال ناقص برابر ۳ درصد مربوط به استان البرز و بیشترین آن ۱۷/۷ درصد برای استان خراسان شمالی است همان‌طور که مشاهده می‌شود در استان‌هایی که بخش خدمات و صنعت

۱. برای اطلاع از جزئیات بیشتر نمودار ۴۰ و جدول ۱۴ در پیوست گزارش نشان‌دهنده تفکیک سنی، جنسیتی و شهری یا روستایی بودن نرخ اشتغال ناقص در سال ۱۳۹۵ برای کل کشور است.



به صورت گسترده تری وجود دارد نرخ اشتغال ناقص نیز کمتر است و بالاتر بودن نرخ اشتغال ناقص در بین مردان روستایی نیز به علت همبستگی بیشتر آن با فعالیت در بخش کشاورزی قابل توضیح است.

شکل ۳. نقشه جغرافیایی نرخ اشتغال ناقص در سال ۱۳۹۴



مأخذ: همان.

۳. بیکاری

در این بخش از گزارش به بررسی وضعیت کنونی کشور از منظر بیکاری پرداخته می شود.^۱ تعداد بیکاران کشور از سال ۱۳۸۴ تا سال ۱۳۸۷ روندی نزولی دارد و حدود ۳۰۰ هزار نفر از کل تعداد بیکاران کشور کاسته شده است، اما از سال ۱۳۸۸ به بعد روند تعداد بیکاران تغییر می کند و به بیش از ۳/۲ میلیون نفر در سال ۱۳۸۹ می رسد. از این سال نیز مجدداً روند تعداد بیکاران نزولی شده و تا سال ۱۳۹۳ ادامه می یابد. نرخ بیکاری طی سال های ۱۳۸۴ - ۱۳۹۵ در بازه ۱۰/۴ درصد تا ۱۳/۵ درصد در نوسان بوده بیشترین مقدار آن در سال ۱۳۸۹ ثبت شده است (نمودارهای ۲۳ و ۲۴ پیوست).

باید توجه داشت نرخ بیکاری به تنهایی نمی تواند بیانگر تمامی تحولات بازار کار باشد و به خصوص در شرایط بازار کار ایران این نرخ نمی تواند به عنوان مبنای محکمی برای سیاستگذاری مورد توجه قرار گیرد. زیرا نرخ بیکاری تحولات جمعیت فعال را نشان می دهد و اثر تحولات جمعیت غیرفعال چندان بر آن نمایان نمی شود. درحالی که در بازار کار ایران، نسبت جمعیت غیرفعال به کل جمعیت، نسبت

۱. برای اطلاع از تعاریف مختلف نرخ بیکاری به پیوست موضوعی گزارش رجوع شود.

بزرگ‌تری در مقایسه با میانگین جهان و بسیاری از کشورهاست، لذا تصمیم جمعیت غیرفعال برای ورود به بازار کار یا خارج ماندن از آن اثر غالب بر تحولات بازار کار و نرخ‌های آن دارد. از این رو ممکن است در یک فصل نرخ بیکاری کاهش یابد، اما نمی‌توان این کاهش را به‌عنوان یک سیگنال از بهبود شرایط بازار کار در نظر گرفت. زیرا ممکن است بخشی از جمعیت فعال (شاغل و بیکار) در اثر عوامل مختلف (از جمله اثر مایوس‌کنندگی) تصمیم به خروج از بازار کار گرفته باشند. بدین معنا که کیفیت پایین شغل یا نیافتن شغل سبب شده باشد بخشی از جمعیت فعال با اقدام برای تحصیلات یا ازدواج، موقتاً غیرفعال شود و مجدداً در فصول آتی به بازار کار برگردند (مانند آنچه از سال ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۳ رخ داده است). از سوی دیگر ممکن است با ورود جمعیت غیرفعال انباشت شده به بازار کار، جمعیت فعال افزایش قابل ملاحظه‌ای یابد و حتی در شرایط رو به بهبود اقتصادی که اشتغال‌زایی رو به افزایش است تعداد بیکاران و نرخ بیکاری افزایش یابد (مانند آنچه از سال ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۵ رخ داده است).

همان‌طور که در بخش قبل مشاهده شد طی سال‌های ۱۳۸۴ - ۱۳۹۱ خالص اشتغال‌زایی اقتصاد ایران ناچیز بوده است، اما نرخ بیکاری بجز سال ۱۳۸۹ که به رقم ۱۳/۵ درصد رسید در محدوده ۱۰ تا ۱۲ درصد نوسان داشته است. لذا با وجود عدم اشتغال‌زایی در اقتصاد کشور، نرخ بیکاری با افزایش‌های قابل توجه مواجه نشد. زیرا در این دوره علاوه بر ثابت ماندن جمعیت شاغل، جمعیت فعال نیز تقریباً ثابت بوده است. در حالی که در این دوره بیش از ۶ میلیون نفر به جمعیت غیرفعال کشور افزوده شد. در مقابل در فاصله پاییز سال ۱۳۹۳ تا انتهای سال ۱۳۹۵ نرخ مشارکت روندی افزایشی طی کرده و جمعیت فعال افزایش یافته است. افزایش جمعیت فعال و نرخ مشارکت (نسبت جمعیت فعال به کل جمعیت در سن کار) از پاییز ۱۳۹۳ تاکنون بیانگر تغییر در تصمیم افراد برای ورود به بازار کار نسبت به سال‌های گذشته است که می‌تواند از خوش‌بینی ناشی از چشم‌انداز برداشتن تحریم‌ها و بهبود شرایط اقتصادی اثر پذیرفته باشد. ممکن است این تحولات در فصول آتی نیز ادامه داشته باشد که در این صورت با وجود افزایش تعداد شاغلان، تعداد بیکاران و نرخ بیکاری نیز افزایش خواهد یافت.

۳-۱. نرخ بیکاری به تفکیک استان‌ها

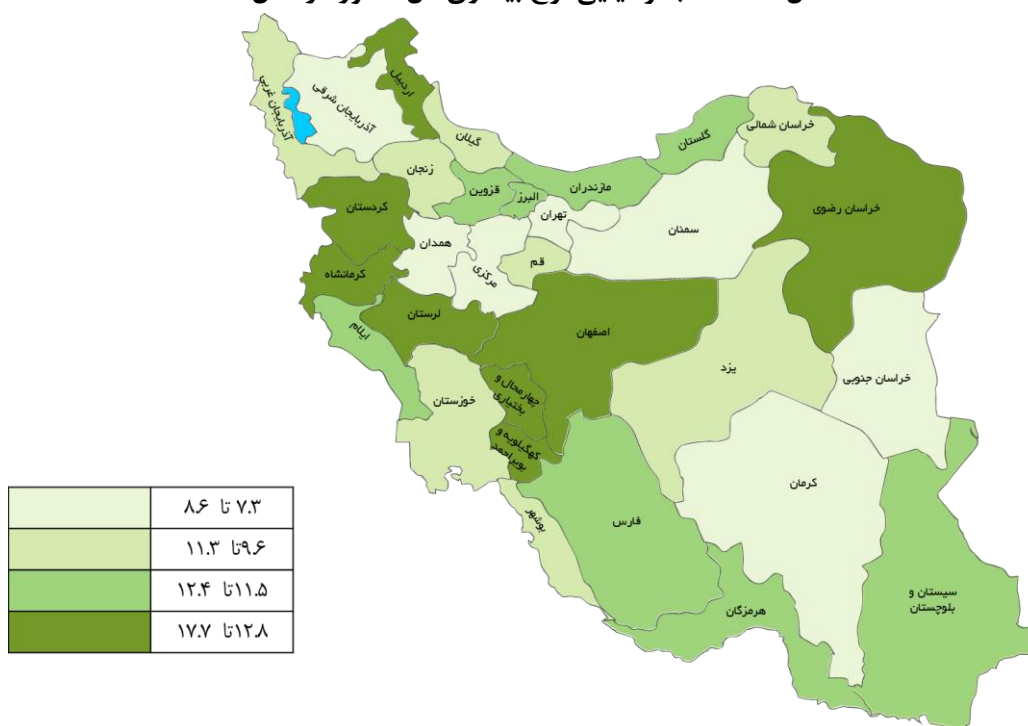
در بین استان‌های کشور بیشترین نرخ بیکاری کل استانی در سال ۱۳۹۵ برابر با ۲۲ درصد مربوط به استان کرمانشاه و کمترین این نرخ با مقدار ۷/۳ درصد مربوط به استان مرکزی می‌باشد. نقشه جغرافیایی نرخ بیکاری کل در سال ۱۳۹۴ برای استان‌ها در شکل ۴ ارائه شده است.

آمار نرخ بیکاری زنان به تفکیک استان‌ها نیز نشان می‌دهد بیشترین نرخ بیکاری زنان در سال ۱۳۹۵ برابر با ۲۸/۲ مربوط به استان کرمان و کمترین نرخ برابر با ۸/۲ به استان آذربایجان غربی اختصاص دارد. این در حالی است که متوسط کل کشور برابر با ۲۰/۷ درصد است. در رابطه با نرخ بیکاری جوانان ۱۵ تا ۲۹ ساله



در سال ۱۳۹۵، استان چهارمحال و بختیاری با ۳۹/۶ درصد و استان مرکزی با ۱۹/۶ درصد بیشترین و کمترین نرخ را در سال ۱۳۹۵ داشته‌اند و متوسط کل کشور نیز ۲۵/۹ درصد می‌باشد. نقشه‌های جغرافیایی نرخ‌های بیکاری زنان و جوانان و همچنین تفکیک‌های جزئی‌تر نرخ بیکاری استانی شامل نرخ بیکاری زنان جوان، جوانان تحصیلکرده و زنان تحصیلکرده جوان به تفکیک استان‌ها در نمودارهای ۲۲ تا ۲۶ پیوست گزارش ارائه شده است. همچنین جداول مربوط به این بخش با شماره‌های ۹ تا ۱۳ در پیوست موجود است. این نمودارها و جداول نشان می‌دهد اولاً تفاوت در نرخ بیکاری استان‌ها بسیار زیاد است و ثانیاً وضعیت بیکاری جوان، زنان و به‌خصوص جوان و زنان تحصیلکرده در برخی استان‌های کشور (عمدتاً استان‌های غربی) بسیار نامناسب است. در برخی از استان‌های کشور نرخ بیکاری جوانان تحصیلکرده از ۵۰ تا ۶۳ درصد است و درخصوص زنان جوان تحصیلکرده نرخ بیکاری همین استان‌ها به بازه ۶۳ درصد تا ۷۵ درصد می‌رسد. این ارقام بسیار نگران‌کننده هستند و از وضعیت بسیار نامناسب بازار کار در این استان‌ها حکایت دارد. این آمارها بیانگر این است که مشاغل موجود در این استان‌ها تناسبی با نیروی کار تحصیلکرده و زنان ندارند. این موضوع در بخش بررسی عدم تطابق‌ها به تفصیل بررسی خواهد شد.

شکل ۴. نقشه جغرافیایی نرخ بیکاری کل کشور در سال ۱۳۹۴



مأخذ: همان.

۲-۳. بیکاری پنهان

بنا به تعریف بیکاری پنهان^۱ تعداد افرادی است که به تلقی خود بیکار هستند، اما در تعریف رسمی بیکاری پوشش داده نمی‌شوند، زیرا یا جستجوی خود برای یافتن شغل را متوقف کرده‌اند یا به میزانی کمتر از آنچه تمایل دارند، کار می‌کنند.^۲ لازم به توضیح است که تعریف آماری رسمی و دقیقی برای محاسبه نرخ بیکاری وجود ندارد و لذا محاسبات انجام شده برای آشکار نمودن نرخ بیکاری پنهان متکی به فروزی براساس شرایط بازار کار کشورهای مختلف است. در این بخش هدف رسیدن به تعریفی از نرخ بیکاری است که از یک سو شامل افرادی باشد که شاغل محسوب می‌شوند، اما اشتغال آنها پایدار نیست و از سوی دیگر شامل بخشی از جمعیت غیرفعالی باشد که در آستانه ورود به بازار کار قرار دارند و احتمال بیکار شدن آنها پس از ورود به بازار کار بالاست. قابل ذکر است در مطالعه حاضر تلاش شده است از فروزی حداقلی برای برآورد بیکاری پنهان استفاده شود. بخش‌های تشکیل‌دهنده بیکاری پنهان به ترتیب زیر هستند:

۱. جمعیت دارای اشتغال ناقص (افرادی که تمایل دارند ساعات کاری بیشتری داشته باشند اما شغلی با این شرایط برای آنها وجود ندارد)

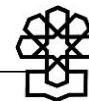
۲. غیرفعالان با بیشترین احتمال ورود به بیکاری

ابتدا به جمعیت دارای اشتغال ناپایدار (اشتغال ناقص) پرداخته می‌شود و سپس غیرفعالانی که در آستانه ورود به جمعیت فعال قرار دارند به این مجموعه اضافه می‌شود. افرادی که دارای اشتغال ناقص هستند اگرچه براساس آمار رسمی موجود بخشی از شاغلان به حساب می‌آیند، اما با توجه به آنکه در وضعیت موجود نمی‌توانند به اندازه دلخواه خود کار کنند ممکن است در بازه زمانی کوتاهی بیکار شوند. لذا سهم مجموع تعداد بیکاران و افراد دارای اشتغال ناقص (نرخ همسایگی بیکاری) از جمعیت فعال تصویر بهتری از وضعیت بازار کار کشور و استان‌ها، نسبت به مقادیر جداگانه نرخ بیکاری و نرخ اشتغال ناقص، ارائه می‌کند.

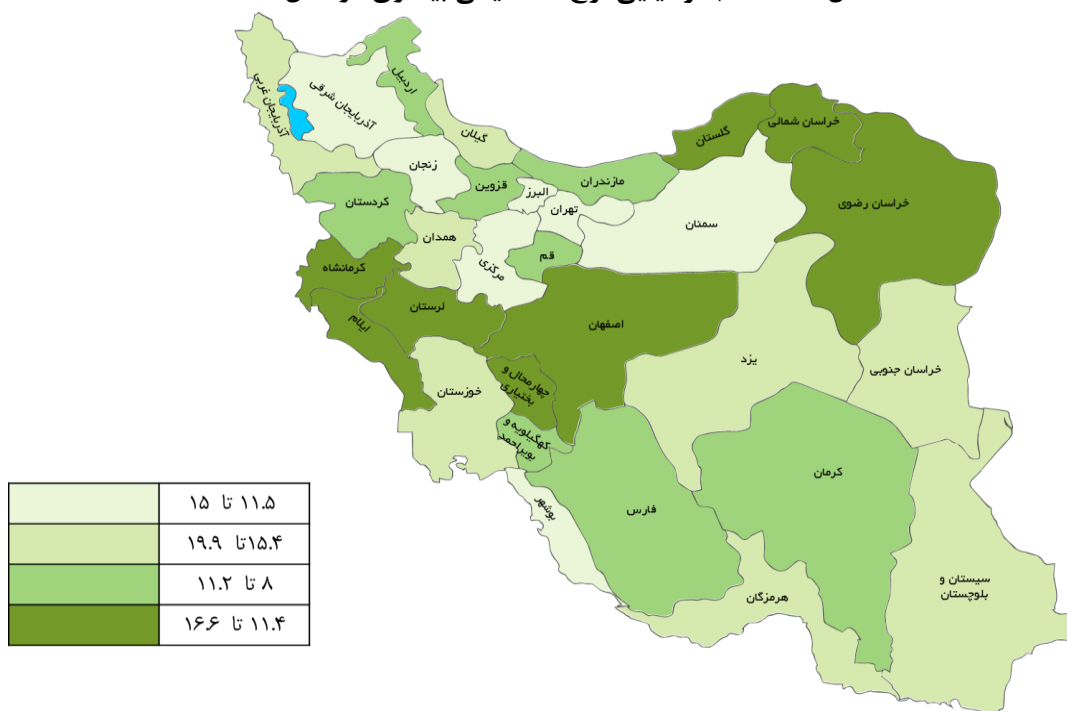
سهم مجموع تعداد بیکاران و افراد دارای اشتغال ناقص (نرخ همسایگی بیکاری) از جمعیت فعال برای کل کشور در سال ۱۳۹۵ برابر با ۲۲/۶ درصد بوده است. در شکل ۵ این نرخ به صورت نقشه جغرافیایی برای سال ۱۳۹۴ نشان داده شده است. این سهم برای زنان در سال ۱۳۹۵ برابر با ۲۳/۸ و برای جوانان برابر ۳۶/۴ است. نقشه جغرافیایی سهم مجموع تعداد بیکاران و افراد دارای اشتغال ناقص (نرخ همسایگی بیکاری) از جمعیت فعال به تفکیک استان‌ها برای زنان و جوانان در نمودارهای ۴۴ و ۴۵ پیوست و مقادیر آنها برای هر استان در جداول ۱۶ تا ۱۸ پیوست گزارش ارائه شده است.

1. Hidden Unemployment

۲. برای اطلاعات بیشتر به پیوست موضوعی گزارش رجوع شود.



شکل ۵. نقشه جغرافیایی نرخ همسایگی بیکاری در سال ۱۳۹۴



مأخذ: نتایج تحقیق.

با توجه به تعریف بیکاری پنهان، علاوه بر بیکاران و جمعیت دارای اشتغال ناقص، بخش دیگری از افراد مرتبط با آن افرادی هستند که در زمان آمارگیری در جستجوی شغل نبوده‌اند و لذا جزء جمعیت غیر فعال هستند. درواقع این افراد به واسطه نیافتن شغل برای مدتی طولانی، امید خود را برای یافتن شغل از دست داده‌اند (اثر مایوس‌شوندگی) و جستجوی خود برای یافتن شغل را متوقف کرده‌اند، اما این افراد با احتمال بالایی ممکن است مجدداً به جمعیت فعال ورود کنند. براساس آمار استخراج شده از داده‌های نیروی کار سال ۱۳۹۵ بخش‌های تشکیل‌دهنده نرخ بیکاری پنهان به ترتیب زیر محاسبه می‌شوند:

۱. اشتغال ناقص

— دو میلیون و ۲۶۰ هزار نفر (۲۱۷ هزار نفر زنان و دو میلیون و ۴۳ هزار نفر مردان)

۲. جمعیت بیکار

— سه میلیون و ۲۰۳ هزار نفر (یک میلیون نفر زنان و دو میلیون و ۲۰۰ هزار نفر مردان)

۳. غیرفعالان با بیشترین احتمال ورود به بازار کار^۱

۴۲۰ هزار نفر شامل ۳۱۸ هزار نفر مردان دارای تحصیلات عالی ۲۵ تا ۳۴ سال بدون درآمد که احتمال بیکار ماندن پس از ورود به بازار کار برای این گروه حدود ۴۵ درصد و ۴۳۳ هزار نفر زنان مجرد دارای

۱. احتمال ورود به بازار کار و احتمال بیکار شدن غیرفعالانی که به بازار کار وارد می‌شوند در مطالعه دیگری با استفاده از داده‌های جریان به‌دست آمده است که در این گزارش صرفاً از نتایج آن استفاده شده است.

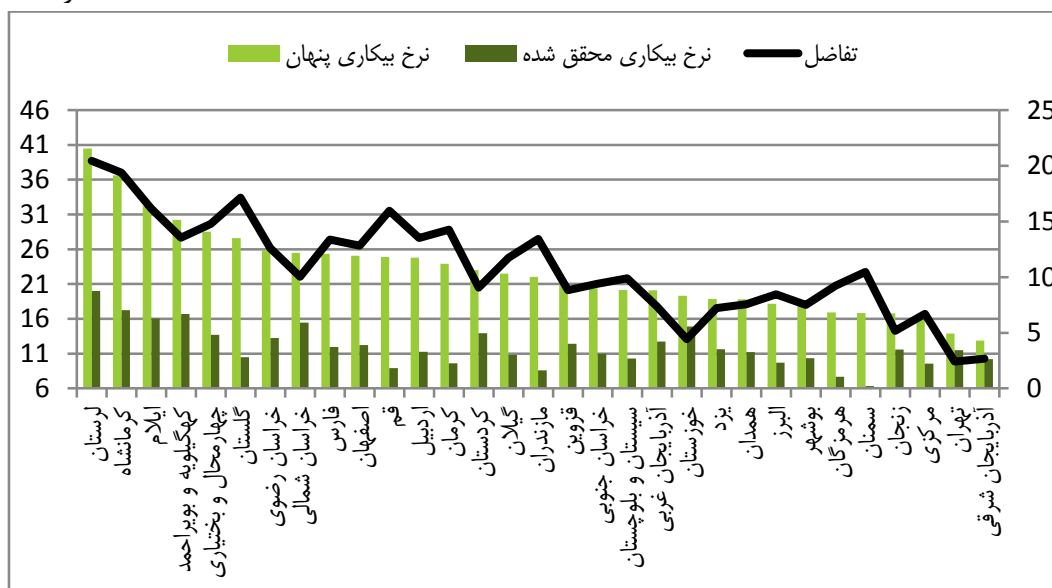
تحصیلات عالی ۲۵ تا ۳۴ سال بدون درآمد که احتمال بیکار ماندن پس از ورود به بازار کار برای این گروه حدود ۶۴ درصد است.

۴. مجموع موارد ۱ تا ۵/۹۳ میلیون نفر

با استفاده از ارقام فوق نرخ بیکاری پنهان در سال ۱۳۹۵ برای کل کشور برابر ۲۲/۵ درصد محاسبه می‌شود که حدوداً ۱۰ درصد بیش از نرخ بیکاری کل در سال ۱۳۹۵ است. نمودار ۱۳ مقادیر این دو نرخ را برای استان‌های مختلف در سال ۱۳۹۵ نشان می‌دهد.

نمودار ۱۳. نرخ بیکاری محقق شده و بیکاری پنهان در سال ۱۳۹۵ به تفکیک استان‌ها

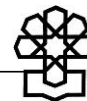
(درصد)



مأخذ: نتایج تحقیق.

درواقع نرخ بیکاری پنهان معیاری است که می‌تواند تصویر جامع‌تری از وضعیت بیکاری در بازار کار ارائه دهد. برای مثال در استان لرستان اگرچه نرخ بیکاری براساس تعاریف آماری در سال ۱۳۹۵، ۲۰ درصد بوده است، اما نرخ بیکاری پنهان در این استان بیش از دو برابر نرخ فعلی یعنی ۴۰/۴ درصد برآورد شده است.

نرخ بیکاری پنهان می‌تواند معیار مناسبی برای ارائه دورنمای میان‌مدت وضعیت بیکاری کل کشور و استان‌ها باشد و بخش‌های مؤثر و مشاهده نشده را برای سیاست‌گذاران آشکار کند. درواقع اگر اقدامات مؤثر در جهت افزایش تقاضای متناسب نیروی کار به‌ویژه در استان‌هایی مانند لرستان، کرمانشاه، ایلام، کهگیلویه و بویراحمد و چهارمحال و بختیاری انجام نشود، احتمال ایجاد نرخ‌های بیکاری بیش از ۳۰ درصد چندان دور به‌نظر نمی‌رسد.



۴. عدم تطابق^۱ در بازار کار

در بخش ابتدایی گزارش اشاره شد که طی سال‌های اخیر نرخ مشارکت کل کشور و جمعیت جوان ۱۵ تا ۲۹ ساله روندی نزولی را طی کرده و این پدیده علیرغم روند افزایشی جمعیت جوان به وقوع پیوسته است. یکی از دلایل عدم مشارکت جمعیت جوان در بازار کار، تغییر ترجیحات آنها به سمت افزایش سطح تحصیلات دانشگاهی و به تعویق انداختن مشارکت به دوره‌های آتی است. در نتیجه این سؤال مطرح می‌شود که آیا در دوره‌ای که جمعیت جوان کشور به افزایش سطح تحصیلات خود مبادرت نموده است، بخش تقاضای نیروی کار (مشاغل مورد نیاز در بنگاه‌های اقتصادی فعال در بخش‌های کشاورزی، صنعت و خدمات) نیز به‌طور متناسب از نظر مهارت‌های مورد نیاز تغییر یافته است؟ در ادبیات اقتصادی مرتبط با بازار کار این پدیده با عنوان عدم تطابق شغلی مطرح می‌شود. عدم تطابق شغلی در بازار کار به معنی ناهماهنگی میان تحصیلات و مهارت‌های نیروی کار و شغل‌های موجود در اقتصاد است و می‌تواند یکی از دلایل اصلی افزایش نرخ بیکاری و کاهش بهره‌وری به‌شمار می‌رود.^۲

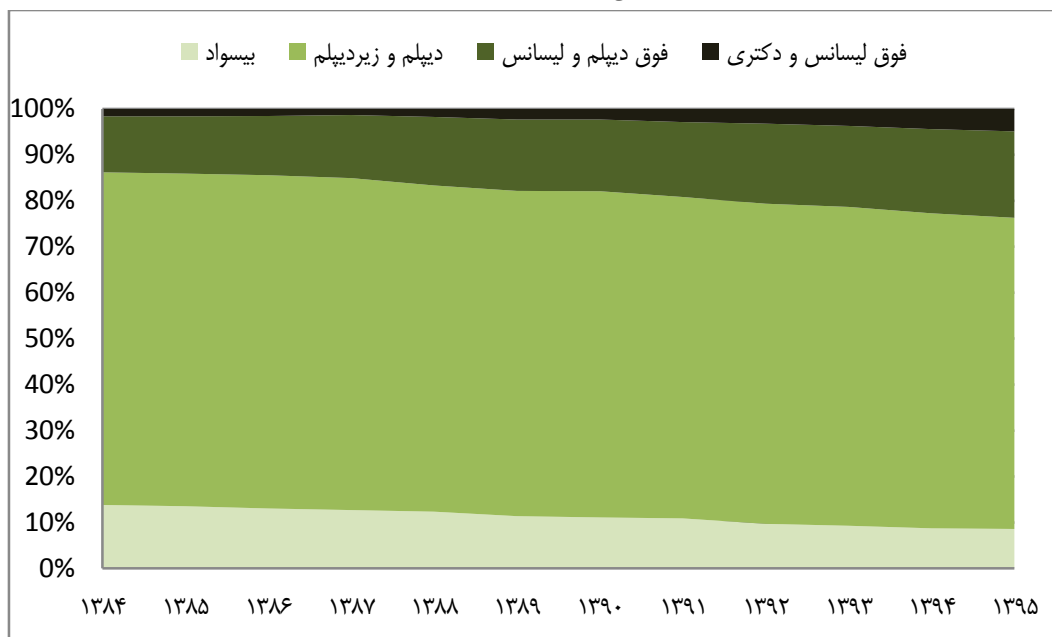
بررسی ترکیب تحصیلی بیکاران نیز حاوی این نکته است که در سال ۱۳۸۴ حدود ۲۰ درصد جمعیت بیکار را افراد دارای تحصیلات دانشگاهی تشکیل می‌دادند و این سهم در سال ۱۳۹۵ به بیش از ۴۰ درصد رسیده است. براساس آمارهای طرح نیروی کار کل کشور، از میان ۳ میلیون و ۲۰۳ هزار بیکار در سال ۱۳۹۵، بیش از ۱ میلیون و ۱۰۰ هزار نفر تحصیلات دانشگاهی داشته‌اند که معادل تقریباً ۴۲ درصد از کل بیکاران است. یعنی سهم افراد دارای تحصیلات دانشگاهی در بین بیکاران دو برابر شده است و با ادامه روند کنونی به‌زودی نیمی از بیکاران را افراد دارای تحصیلات عالی تشکیل می‌دهند. مقایسه سهم افراد دارای تحصیلات عالی در بین بیکاران و شاغلان نشان می‌دهد که سهم تحصیلکردگان آموزش عالی در بین بیکاران به‌صورت معناداری از این سهم در بین شاغلان بیشتر است. در سال ۱۳۹۵ تنها ۲۲ درصد از شاغلان دارای تحصیلات دانشگاهی هستند. همین امر به‌روشنی نشان‌دهنده عدم تعادل بین عرضه و تقاضای نیروی کار تحصیلکرده است.

در نمودارهای ۱۴ تا ۱۷ سطح تحصیلات مردان و زنان شاغل و بیکار در چهار گروه بی‌سواد، دیپلم و زیر دیپلم، فوق دیپلم و لیسانس و فوق لیسانس و دکتری طبقه‌بندی شده است. در نمودارهای ۱۴ و ۱۵ سهم هریک از گروه‌های تحصیلی در میان شاغلان و بیکاران مرد کل کشور طی سال‌های ۱۳۸۴ - ۱۳۹۵ ترسیم شده است. سهم افراد دارای تحصیلات دانشگاهی از کل شاغلان مرد طی سال‌های ۱۳۸۴ - ۱۳۹۵ از ۱۲ درصد به ۲۰ درصد رسیده است در مقابل طی دو دوره مشابه سهم افراد دارای تحصیلات دانشگاهی بیکار از ۱۳ درصد به ۲۸ درصد رسیده است. در نتیجه همان‌طور که مشاهده می‌شود تعداد افراد با تحصیلات بالای دیپلم در بین بیکاران با شتاب بیشتری نسبت به شاغلان افزایش یافته است.

1. Mismatch

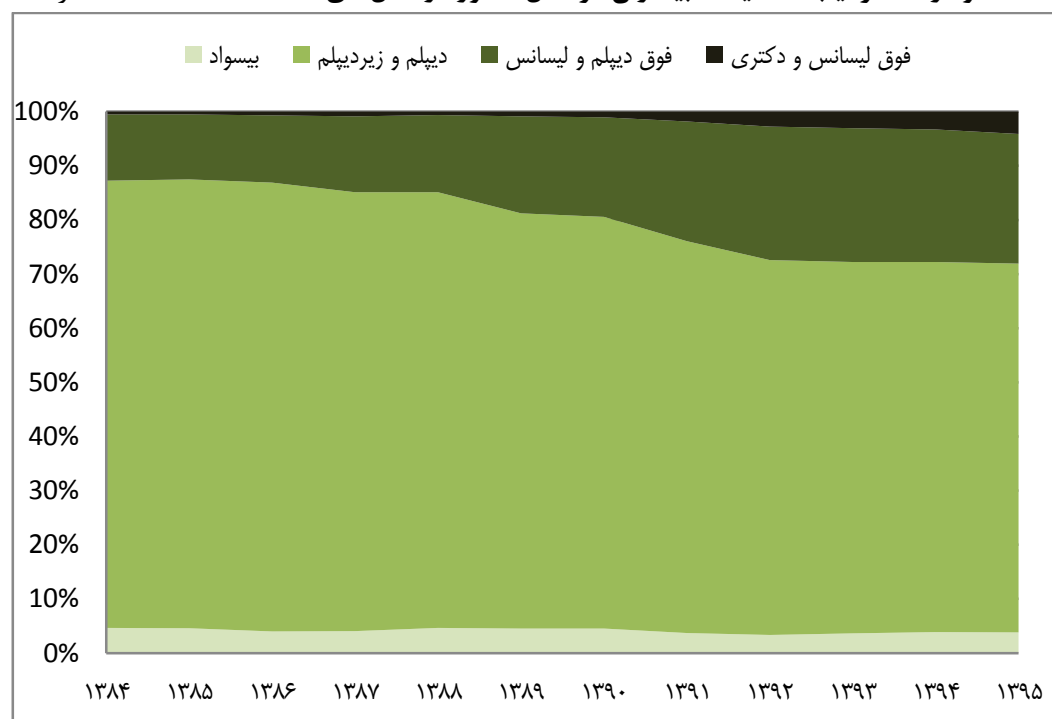
۲. برای اطلاعات بیشتر به پیوست موضوعی گزارش رجوع شود.

نمودار ۱۴. ترکیب تحصیلات شاغلین مرد کل کشور در سال‌های ۱۳۸۴ - ۱۳۹۵ (درصد)



مأخذ: همان.

نمودار ۱۵. ترکیب تحصیلات بیکاران مرد کل کشور در سال‌های ۱۳۸۴ - ۱۳۹۵ (درصد)

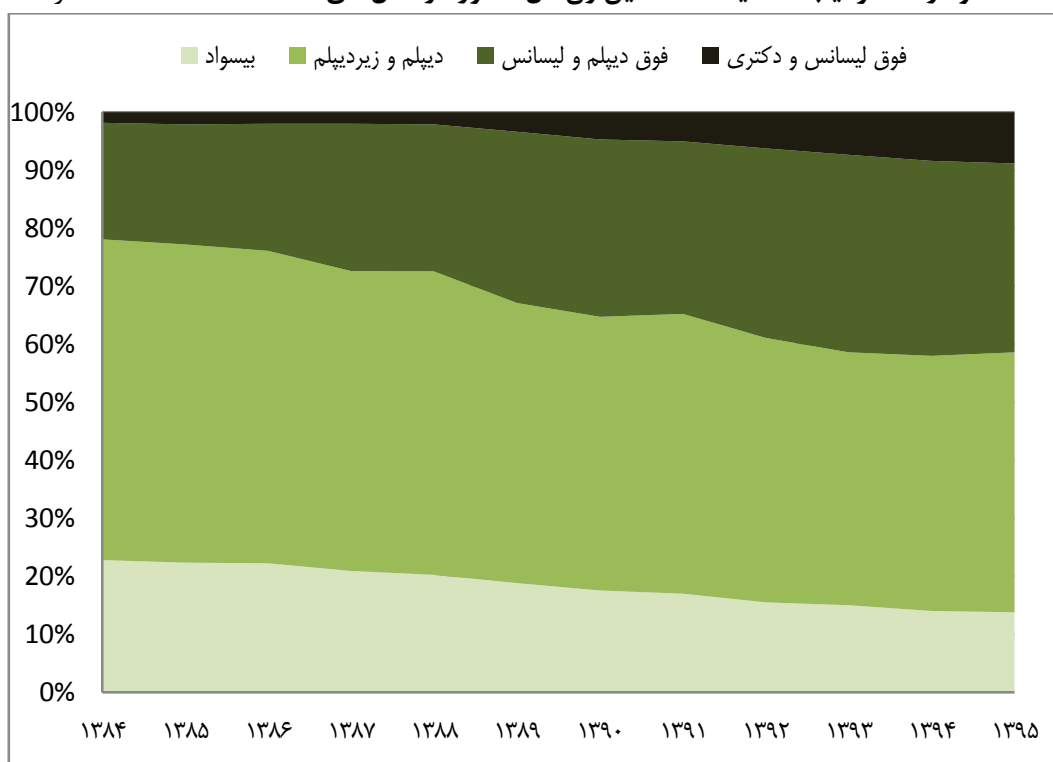


مأخذ: همان.



پدیده عدم تطابق تحصیلی در بین نیروی کار زن با شدت بیشتری نسبت به مردان در بازار کار ایران بروز یافته است. در نمودارهای ۱۶ و ۱۷ سهم هریک از گروه‌های تحصیلی از شاغلان و بیکاران زن گزارش شده است. در سال ۱۳۸۴، ۲۲ درصد از زنان شاغل دارای مدارک تحصیلی دانشگاهی بوده‌اند که این نسبت در سال ۱۳۹۵ به ۴۱ درصد رسیده است. در مقابل سهم افراد دارای تحصیلات دانشگاهی در بین بیکاران از ۳۶ درصد در سال ۱۳۸۴ به ۷۲ درصد در سال ۱۳۹۵ افزایش یافته است. در نتیجه طی یک دهه گذشته گسترش پوشش آموزش عالی بدون در نظر گرفتن ساختار تولید و تقاضای نیروی کار در کل کشور، تبدیل به سیاستی مؤثرتر برای افزایش سطح تحصیلات بیکاران - نسبت به افزایش سطح تحصیلات شاغلان - شده است.^۱

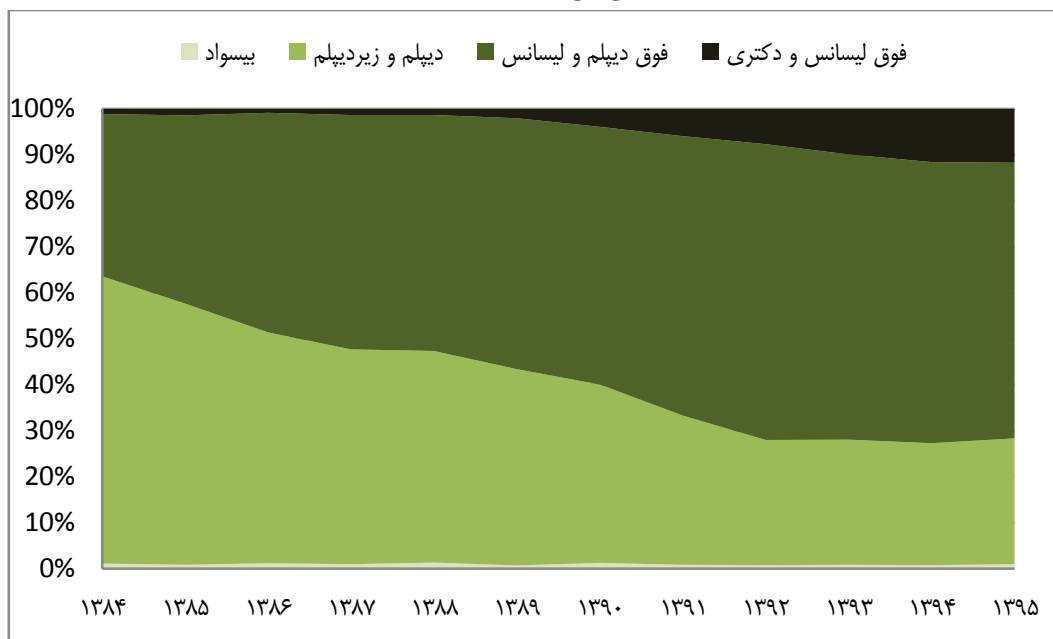
نمودار ۱۶. ترکیب تحصیلات شاغلین زن کل کشور در سال‌های ۱۳۸۴ - ۱۳۹۵ (درصد)



مأخذ: همان.

۱. آمار تعداد شاغلین و بیکاران به تفکیک مدرک تحصیلی و جنسیت طی سال‌های ۱۳۸۴ - ۱۳۹۵ در نمودارهای ۳۰ تا ۳۳ پیوست گزارش ارائه شده است.

نمودار ۱۷. ترکیب تحصیلات بیکاران زن کل کشور در سال‌های ۱۳۸۴ - ۱۳۹۵ (درصد)



مأخذ: همان.

۴-۱. برآورد عدم تطابق تحصیلی به تفکیک استان‌ها

برای اندازه‌گیری عدم تطابق‌های تحصیلی، به مقایسه آمار تحصیلات جمعیت بیکار و تحصیلات مورد نیاز برای شغل‌های موجود نیاز است که برای سنجش مورد دوم از میانگین تحصیلات افراد شاغل به‌عنوان تحصیلات مورد نیاز سمت تقاضای نیروی کار، استفاده می‌شود.^۱ درواقع میانگین سطح تحصیلات شاغلان طی دوره‌های مختلف می‌تواند به‌عنوان شاخصی از سطح تحصیلی مورد نیاز مشاغل در نظر گرفته شود. با توجه به روش توضیح داده شده، می‌توان میزان عدم تطابق تحصیلی را برای استان‌های مختلف محاسبه کرد. در این روش میانگین تحصیلات افراد شاغل و بیکار به تفکیک هر استان محاسبه می‌شود و سپس تفاضل آنها به‌عنوان شاخص کمی برای میزان عدم تطابق تحصیلی برآورد می‌شود. در این روش فرض می‌شود که میانگین تحصیلات افراد شاغل در هر استان نماینده از ساختار تحصیلی مشاغل در آن استان است. در نمودار ۱۸ شاخص محاسبه شده برای عدم تطابق به تفکیک جنسیت و استان‌ها ارائه شده است. بجز استان تهران و البرز در سایر استان‌ها عدم تطابق تحصیلی برای زنان بسیار بیشتر از مردان است. یکی از دلایل این پدیده می‌تواند وجود زیادی مشاغل مرتبط با بخش خدمات در استان‌های تهران و البرز باشد که امکان بیشتری برای اشتغال زنان را فراهم می‌کند.

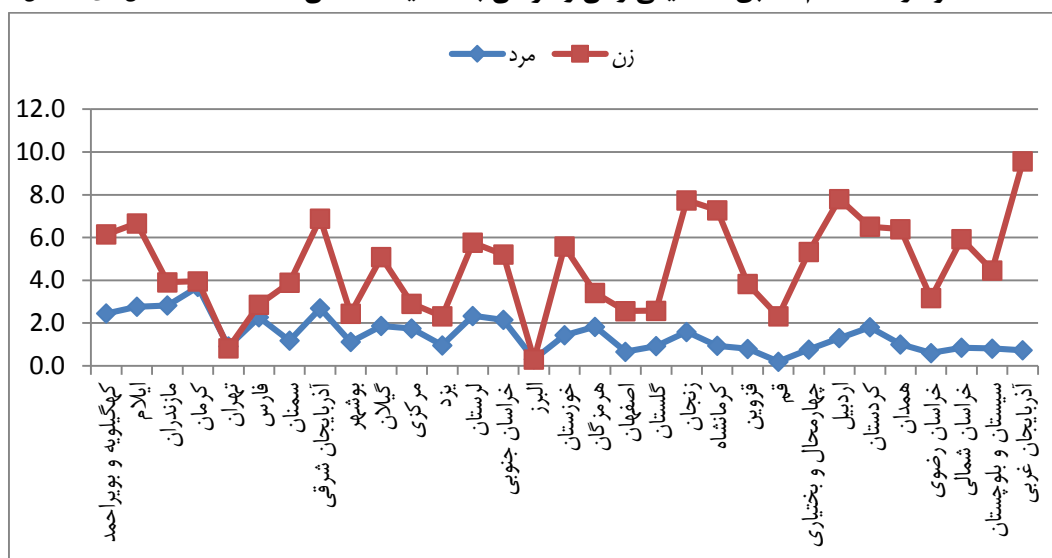
الگوی دیگری که در برآوردهای عدم تطابق شغلی قابل مشاهده است میزان بیشتر آن در استان‌هایی

۱. برای اطلاعات بیشتر به پیوست موضوعی گزارش رجوع شود.



با سهم بیشتر اشتغال بخش کشاورزی مانند آذربایجان غربی و شرقی است. بیشترین تفاوت میانگین تحصیلات مردان بیکار و مردان شاغل در استان ایلام به میزان ۲/۸ سال و کمترین آن در استان قم به مقدار ۰/۲ سال است و بیشترین مقدار این تفاوت در میان زنان برابر ۹ سال مربوط به استان آذربایجان غربی و کمترین مقدار برابر ۰/۳ سال مربوط به استان‌های تهران و البرز می‌باشد.

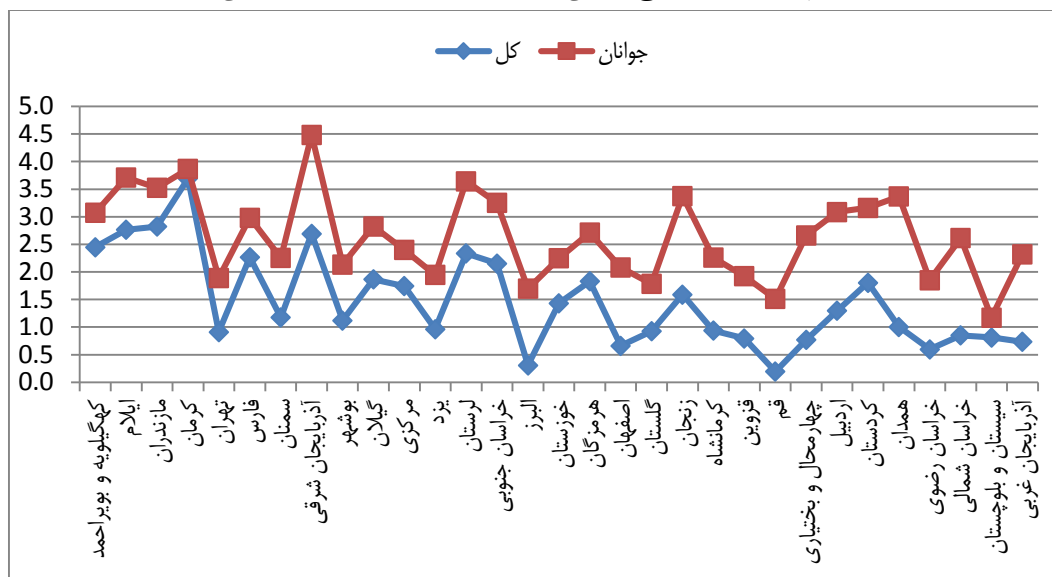
نمودار ۱۸. عدم تطابق تحصیلی زنان و مردان به تفکیک استان‌ها (سال‌های تحصیل)



مأخذ: همان.

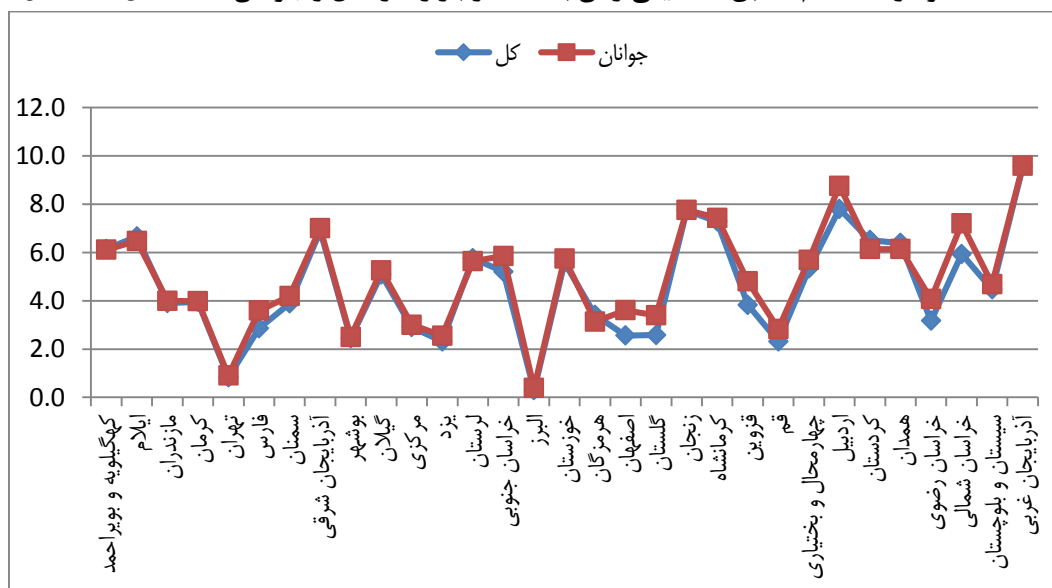
همچنین با محاسبه عدم تطابق تحصیلی استانی تفکیک شده برای جوانان (نمودارهای ۱۹ و ۲۰) نمایان می‌شود که عدم تطابق تحصیلی مردان تقریباً در همه استان‌ها برای جوانان بیشتر از کل است. این پدیده نشان می‌دهد به مرور زمان و با عدم تغییر متناسب بخش تقاضای نیروی کار در استان‌ها متناسب با افزایش سطح تحصیلات نیروی کار جوان، مشاغل موجود تناسب کمتری با ویژگی‌های آنها دارد. البته در مورد زنان با توجه به آنکه بخش بیشتری از شاغلان آنها را جوانان تشکیل می‌دهند تفاوت کمتری بین خصوصیات تحصیلی جوانان و کل وجود دارد. بررسی عدم تطابق تحصیلی در استان‌ها به تفکیک بخش‌های مختلف اقتصادی نشان می‌دهد هم در مردان و هم زنان برای تمام استان‌ها، این متغیر در بخش خدمات کمتر از سایر بخش‌ها (کشاورزی و صنعت) است.

نمودار ۱۹. عدم تطابق تحصیلی مردان با ساختار بازار کار - کل و جوانان (سال‌های تحصیل)



مأخذ: همان.

نمودار ۲۰. عدم تطابق تحصیلی زنان با ساختار بازار کار - کل و جوانان (سال‌های تحصیل)



مأخذ: همان.

طی دهه گذشته افزایش پوشش تحصیلات دانشگاهی روندی صعودی داشته است و سهم بالاتری از جمعیت جوان کشور اقدام به افزایش سطح تحصیلی خود نموده‌اند. ازسوی دیگر بخش تقاضای نیروی کار نتوانسته است مشاغلی متناسب با این سطح از تحصیلات ایجاد کند. یکی از نتایج این عدم تعادل افزایش سطح تحصیلات جمعیت بیکار (بالاخص در میان زنان جوان) بوده است. نتیجه دیگر این عدم



تعداد افزایش عدم تطابق نیروی در سن کار و مشاغل موجود بوده که در استان‌هایی که بخش خدمات و صنعت از سهم بالایی برخوردار نیستند، نمود بیشتری یافته است. همچنین فاصله متوسط سال‌های تحصیل جوانان و زنان از سطح تحصیلات مورد نیاز مشاغل موجود در برخی از استان‌های کشور نزدیک به ۸ سال رسیده است که نشان می‌دهد در صورت عدم تغییر ساختار تولید و تقاضای نیروی کار در این مناطق طی سال‌های آتی، امکان یافتن شغل برای افراد بیکار این گروه‌ها بسیار دشوار خواهد شد.

جمع‌بندی

- براساس وضعیت بازار کار، مهمترین چالش‌های بازار کار به شرح زیر خواهد بود:^۱
- نرخ مشارکت مردان و زنان در سال ۱۳۸۴ به ترتیب برابر با ۶۵ و ۲۰ درصد و در سال ۱۳۹۵ به ترتیب در حدود ۶۴ و ۱۴/۹ درصد است. نرخ مشارکت زنان در ایران یکی از پایین‌ترین نرخ‌های مشارکت در مقایسه با سایر کشورهاست و در سال ۲۰۱۴ تنها در ۶ کشور فلسطین (نوار غزه و کرانه باختری)، اردن، عراق، سوریه، الجزایر و افغانستان نرخ مشارکت زنان کمتر از ایران بوده است. این موضوع باعث شده است که نرخ مشارکت کل در بازار کار ایران یکی از پایین‌ترین نرخ‌های مشارکت در جهان باشد.
 - نکته حائز اهمیت آن است که با وجود نرخ‌های پایین مشارکت زنان، نرخ‌های بیکاری آنها به مراتب بیش از مردان است، لذا یکی از دلایل عدم مشارکت زنان در بازار کار، به عدم تناسب شغل‌های موجود در استان‌های مختلف برای اشتغال زنان مربوط می‌شود.
 - در سال‌های ۱۳۸۴ - ۱۳۹۳ اقتصاد ایران از نظر اشتغال‌زایی عملکرد مطلوبی نداشته است و این عملکرد در شرایطی رقم خورده است که دقیقاً طی همین دوره سهم جمعیت جوان از کل جمعیت به بیش از ۴۰ درصد رسیده است (طی سال‌های ۱۳۸۴ - ۱۳۹۳ بیش از ۴۰ درصد جمعیت کشور را گروه‌های سنی ۱۵ تا ۳۴ سال تشکیل داده‌اند که نسبت به سهم این گروه سنی از جمعیت در دوره‌های گذشته بی‌سابقه بوده است). این عدم افزایش تعداد شاغلان و همزمانی آن با موج جمعیت جوان کشور و تحصیلکرده کشور به خودی خود بیانگر نیاز اقتصاد ایران برای اشتغال‌زایی قابل توجه طی سال‌های آتی است؛ به گونه‌ای که نه تنها برای جوانان شغل ایجاد نماید، بلکه عقب‌ماندگی سال‌های گذشته نیز جبران شود.
 - شواهد نشان می‌دهد میانگین سنی جمعیت شاغل افزایش یافته و تمرکز سنی جمعیت شاغل به سمت گروه‌های سنی بالاتر سوق داده است. این موضوع می‌تواند در سال‌های آتی و با نزدیک شدن

۱. بدیهی است که متناسب با نوع نگرش و دیدگاه، چالش‌ها و اولویت‌های بازار کار تغییر خواهد کرد. برای مثال اگر از منظر شاخص‌های رفاهی، فقر و... به بازار کار نگرسته شود مطمئناً چالش‌ها و اولویت‌های متفاوتی برای بازار کار تعریف می‌شود. در اینجا صرفاً با اتکا به واقعیت‌های بازار کار و عدم توازن‌های موجود در این بازار جمع‌بندی صورت گرفته و اولویت‌های پیشنهادی ارائه شده است.

گروه‌های سنی ۳۰ تا ۳۹ سال فعلی به سنین بازنشستگی مسئله‌آفرین باشد. به خصوص اینکه هم‌اکنون نیز صندوق‌های بازنشستگی در وضعیت نامطلوبی قرار دارند و نمودار ترکیب سنی شاغلان نشان از افزایش ابعاد مسائل بازنشستگی در سال‌های آتی دارد و این موضوع می‌تواند به‌عنوان یکی از بحران‌های جدی در آینده کشور مطرح باشد.

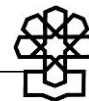
— بررسی داده‌های سری زمانی موجود برای نرخ اشتغال ناقص کشور در سال‌های ۱۳۸۴ - ۱۳۹۵ مشاهده می‌شود طی این سال‌ها نرخ مذکور بین ۶٪ الی ۱۰/۳ درصد بوده است. نکته قابل توجه این است که اختلاف نرخ اشتغال ناقص بین زنان شهری و روستایی بسیار کم است درحالی که به‌طور متوسط مردان روستایی به‌مراتب بیشتر از مردان شهری دچار اشتغال ناقص هستند. همچنین نرخ اشتغال ناقص برای گروه‌های سنی جوان بالاتر از سایر گروه‌های سنی است.

— بررسی آمارهای نرخ بیکاری در استان‌ها به تفکیک گروه‌های سنی جوان، زنان و تحصیلکردگان نشان می‌دهد اولاً تفاوت در نرخ بیکاری استان‌ها بسیار زیاد است و ثانیاً وضعیت بیکاری جوان، زنان و به‌خصوص جوان و زنان تحصیلکرده در برخی استان‌های کشور (عمدتاً استان‌های غربی) بسیار نامناسب است. در برخی از این استان‌ها نرخ بیکاری جوانان تحصیلکرده در بازه ۵۰ تا ۶۳ درصد است و درخصوص زنان جوان تحصیلکرده نرخ بیکاری همین استان‌ها به بازه ۶۳ تا ۷۸ درصد می‌رسد. این ارقام بسیار نگران‌کننده هستند و از وضعیت بسیار نامناسب بازار کار در این استان‌ها حکایت دارد. این آمارها بیانگر این است که مشاغل موجود در این استان‌ها تناسبی با نیروی کار تحصیلکرده و زنان ندارند.

— درخصوص بیکاری پنهان، هدف رسیدن به تعریفی از نرخ بیکاری است که علاوه بر پوشش جمعیت بیکار، از یک‌سو شامل افرادی باشد که شاغل محسوب می‌شوند اما اشتغال آنها پایدار نیست و ازسوی دیگر شامل بخشی از جمعیت غیرفعالی باشد که در آستانه ورود به بازار کار قرار دارند و احتمال بیکار شدن آنها پس از ورود به بازار کار بالاست. برآوردهای انجام شده نشان می‌دهد که نرخ بیکاری پنهان در سال ۱۳۹۵ برای کل کشور برابر ۲۲/۵ درصد محاسبه می‌شود که حدوداً ۱۰ درصد بیش از نرخ بیکاری رسمی است.

— براساس آمارهای طرح نیروی کار کل کشور از میان ۳ میلیون و ۲۰۰ هزار بیکار در سال ۱۳۹۵ بیش از ۱ میلیون و ۳۰۰ هزار نفر تحصیلات دانشگاهی داشته‌اند که معادل تقریباً ۴۲ درصد از کل بیکاران است. درحالی که در سال ۱۳۹۵ تنها ۲۴ درصد از شاغلان تحصیلات دانشگاهی داشتند. همین امر به‌خوبی نشان‌دهنده عدم تعادل بین عرضه و تقاضای نیروی کار تحصیلکرده است.

— طی دهه گذشته افزایش پوشش تحصیلات دانشگاهی روندی صعودی داشته و در مقابل بخش تقاضای نیروی کار نتوانسته است مشاغلی متناسب با این سطح از تحصیلات ایجاد کند. یکی از نتایج این عدم تعادل افزایش سطح تحصیلات جمعیت بیکار (بالاخص در میان زنان جوان) بوده است. نتیجه دیگر این عدم تعادل افزایش عدم تطابق نیروی در سن کار و مشاغل موجود بوده که در استان‌هایی که



بخش خدمات و صنعت از سهم بالایی برخوردار نیستند، نمود بیشتری یافته است. همچنین فاصله متوسط سال‌های تحصیل جوانان و زنان از سطح تحصیلات مورد نیاز مشاغل موجود در برخی از استان‌های کشور نزدیک به ۱۰ سال رسیده است که نشان می‌دهد در صورت عدم تغییر ساختار تولید و تقاضای نیروی کار در این مناطق طی سال‌های آتی، امکان یافتن شغل برای افراد بیکار این گروه‌ها تقریباً ناممکن خواهد شد.

— پدیده عدم تطابق تحصیلی در بین نیروی کار زن با شدت بیشتری نسبت به مردان در بازار کار ایران بروز یافته است. در سال ۱۳۸۴، ۲۲ درصد از زنان شاغل دارای مدارک تحصیلی دانشگاهی بوده‌اند که این نسبت در سال ۱۳۹۵ به ۴۱ درصد رسیده است. در مقابل سهم افراد دارای تحصیلات دانشگاهی در بین بیکاران از ۳۶ درصد در سال ۱۳۸۴ به ۷۲ درصد در سال ۱۳۹۵ افزایش یافته است.

— در مجموع طی سال‌های آتی اقتصاد ایران نیازمند ایجاد مشاغلی متناسب با نیروی کار جوان، تحصیلکرده و به‌خصوص در استان‌های غربی و شرقی کشور است. این هدف یکی از مهمترین موضوعات کشور در سال‌های آتی است. موضوعی که ابعاد آن از یک مسئله صرفاً اقتصادی خارج شده و به یک مسئله اجتماعی و با آثار سیاسی تبدیل شده است. عدم دستیابی به این هدف می‌تواند اقتصاد و جامعه ایران را با بحران‌هایی جدی مواجه کند و چگونگی دستیابی به این هدف نیازمند اتخاذ مجموعه سیاست‌هایی دقیق و سازگار است که در گزارش‌های آتی به آن پرداخته می‌شود.

پیوست‌ها

پیوست موضوعی

۱. کار و شاغل

تمام افراد ده‌ساله و بیشتر (یا ۱۵ ساله و بیشتر) که در طول هفته مرجع، طبق تعریف کار، حداقل یک ساعت کار کرده و یا بنا به دلایلی به‌طور موقت کار را ترک کرده باشند، شاغل محسوب می‌شوند. آن دسته از فعالیت‌های اقتصادی (فکری و بدنی) که به‌منظور کسب درآمد (نقدی و یا غیرنقدی) صورت پذیرد و هدف آن تولید کالا یا ارائه خدمت باشد، کار محسوب می‌شود و به کسی که کار دارد شاغل گفته می‌شود (سازمان جهانی کار).

بنا به تعریفی دیگر، شاغل به کسی گفته می‌شود که در چهار هفته اخیر حداقل یک ساعت در هفته با هدف کسب درآمد کار کرده باشد و یا حداقل ۱۵ ساعت در هفته بدون درآمد (شامل کار در مزارع یا کسب و کارهای خانوادگی) فعالیت داشته باشد (www.thebalance.com).

۲. جمعیت فعال و نرخ مشارکت

جمعیت فعال در اقتصاد شامل افرادی می‌شود که به‌صورت فعال در جستجوی شغل هستند و توانایی لازم را برای داشتن یک شغل و انجام فعالیت دارند. از جمله افرادی که در این جمعیت به‌حساب نمی‌آیند، می‌توان به افرادی اشاره کرد که به سن کار نرسیده‌اند و یا بازنشسته شده‌اند. مطابق تعاریف مختلف و بسته به قوانین کشورها شروع سن کار از ۱۰ سال تا ۱۶ سال متغیر است. برطبق تعریف جمعیت فعال، نرخ مشارکت تعریف می‌شود که به‌صورت نسبت جمعیت فعال به جمعیت کل جامعه محاسبه می‌شود. نرخ فعالیت (نرخ مشارکت اقتصادی): عبارت است از نسبت جمعیت فعال (شاغل و بیکار) ده‌ساله و بیشتر (یا ۱۵ ساله و بیشتر) به جمعیت در سن کار، ده ساله و بیشتر (یا ۱۵ ساله و بیشتر) ضرب در ۱۰۰ (سازمان جهانی کار).

$$\text{نرخ مشارکت} = \frac{\text{جمعیت فعال}}{\text{جمعیت در سن کار}} \times 100$$

عوامل مؤثر بر میزان نرخ مشارکت بسیار گسترده است که ترکیبی از شرایط افراد و شرایط جامعه را شامل می‌شود. سطح درآمد، تولید ناخالص داخلی، موقعیت فرد در خانوار و... مثال‌هایی از این دست هستند. بررسی‌های بین کشورهای مختلف و همچنین بین دوره‌ای نشان می‌دهد رابطه منفی بین نرخ مشارکت و نرخ بیکاری وجود دارد و نرخ‌های بیکاری بالا در کشورهایی رخ می‌دهد که نرخ مشارکت پایین متناظر دارند. همچنین به‌طور میانگین افزایش نرخ مشارکت در کشورهایی که افزایش بیشتری در نرخ بیکاری داشته‌اند، کمتر از سایرین است. جالب توجه است که اثر معناداری بین افزایش علاقه و رضایت شغلی و تغییر در نرخ مشارکت جامعه وجود ندارد (المسکو و پیچرمن، ۱۹۹۳). علاوه بر این افراد



دلایل مختلفی برای فعال نبودن دارند، دلایلی مانند ادامه تحصیل، از کارافتادگی، ناامیدی از جستجوی شغل و ... بنابراین عوامل بسیاری در قانونگذاری و شرایط اقتصاد بر تغییر نرخ مشارکت تاثیر می‌گذارند که در ادامه به تفصیل شرح داده می‌شود. درواقع افراد غیرفعال به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند. دسته اول مانند بازنشستگان نمی‌خواهند شغلی داشته باشند و دسته دوم افرادی هستند که می‌خواهند شغلی داشته باشند و به دلایلی دست از جستجو برداشته‌اند، دلایلی مثل شرایط نامناسب سنی برای آغاز شغل جدید یا ناامیدی از یافتن شغل. که البته همواره دسته دوم سهم کمی از جمعیت غیر فعال را دارند. برای مثال این سهم در آمریکا کمتر از ۱۰ درصد است (هاتچیکس، ۲۰۰۵).

۳. بیکاری

۳-۱. بیکار

بیکار به تمام افراد ده‌ساله و بیشتر (یا ۱۵ ساله و بیشتر) اطلاق می‌شود که:

(الف) در هفته مرجع فاقد کار باشند (دارای اشتغال مزدگیری یا خوداشتغالی نباشند)

(ب) در هفته مرجع یا هفته بعد از آن آماده برای کار باشند (برای اشتغال مزدگیری یا خوداشتغالی آماده باشند)

(ج) در هفته مرجع و سه هفته قبل از آن جویای کار باشند (اقدامات مشخصی را به منظور جستجوی اشتغال مزدگیری و یا خوداشتغالی به عمل آورده باشند).

افرادی که به دلیل آغاز به کار در آینده و یا انتظار بازگشت به شغل قبلی جویای کار نبوده، ولی فاقد کار و آماده برای کار بوده‌اند نیز بیکار محسوب می‌شوند (سازمان جهانی کار).

۳-۲. نرخ رسمی بیکاری

با توجه به تعریف نرخ مشارکت، نرخ بیکاری نیز تعاریف متنوعی دارد. تعریف رسمی بیکاری عبارت است از نسبت شاغلین به جمعیت فعال جامعه و نرخ بیکاری عبارت است از نسبت جمعیت بیکار به جمعیت فعال (شاغل و بیکار) ضرب در ۱۰۰ (سازمان جهانی کار).

$$\text{نرخ بیکاری} = \frac{\text{جمعیت بیکار}}{\text{جمعیت فعال}} \times 100$$

حال این نکته مطرح می‌شود که آیا این نرخ آمار درستی از تعداد بیکاران جامعه را نشان می‌دهد یا خیر، جواب این سؤال منفی است زیرا انواع مختلف بیکاری نیز وجود دارند که در آمار رسمی وارد نمی‌شوند و در بررسی‌ها به عنوان بیکار شناخته نمی‌شوند به عبارت دیگر افرادی که چندین ماه در جستجوی شغل بوده و پس از شکست دست از جستجو برداشته و از جمعیت فعال خارج شده‌اند،

افرادی که به ناچار تن به شغل نیمه‌وقت داده‌اند و یا در حال انجام شغلی هستند که از توانایی‌های خود در آن استفاده نمی‌کنند، مثال‌هایی هستند که طبق تعریف رسمی بیکاری جزء بیکاران به‌شمار نمی‌آیند. بنابراین نیاز به بررسی‌های دقیق‌تر برای اطلاع از تعداد بیکاران جهت تصمیم‌گیری‌های کلان ضروری به‌نظر می‌رسد. با توجه به ضرورت این نکته مفاهیم بیکاری پنهان و اشتغال ناقص مطرح می‌شوند.

۳-۳. بیکاری پنهان

عنوان بیکاری پنهان در منابع انگلیسی‌زبان به‌صورت دو مفهوم Disguised (or Hidden) Unemployment و Concealed Unemployment تعریف می‌شود که ترجمه هر دو به زبان فارسی با لغت بیکاری پنهان بیان می‌شود. با توجه به تفاوت مفهومی این دو، در ادامه هریک به تفصیل شرح داده شده است.

۳-۳-۱. Disguised (or Hidden) Unemployment

با تمرکز بر استفاده کمتر از ظرفیت‌های سرمایه انسانی یا فیزیکی و .. شامل افرادی می‌شود که به هر دلیلی کمتر از ظرفیت موجود کار می‌کنند. استفاده ناقص از ظرفیت موجود تولید سبب می‌شود تا تفاوت بین تولید ناخالص داخلی بالقوه و واقعی افزایش یابد که باعث افزایش نرخ بیکاری در آینده اقتصاد می‌شود (آیتا و آشیپالا، ۲۰۱۰). بنابراین بیکاری پنهان رابطه مثبت با نرخ بیکاری ادوار بعدی دارد و افراد مشمول این تعریف در آینده پتانسیل تبدیل به بیکار را دارند. انواع این نوع بیکاری عبارتند از:

الف) اشتغال ناقص: شامل هر دو نوع اشتغال ناقص زمانی و اشتغال ناقص مهارتی می‌شود که نوع دوم نوعی عدم تطابق شغلی نیز می‌باشد. هر دو حالت نشان‌دهنده استفاده ناقص از ظرفیت‌های موجود در اقتصاد است.

ب) بیکاری موقت به‌دلیل بیماری یا ازکارافتادگی: در این حالت، افراد مشمول، شاغل محسوب می‌شوند ولی به‌دلایل بیماری یا ازکارافتادگی موقتاً قادر به فعالیت شغلی نیستند و در مرخصی به سر می‌برند درحالی که جزء جمعیت شاغل محاسبه شده و در آمار بیکاری نمی‌آیند.

ج) افرادی که مدت زیادی در جستجوی شغل نیستند: این مورد که زیرمجموعه مفاهیم مختلفی قرار می‌گیرد مشابه تعاریفات دیگر شامل افرادی است که به آنها حاشیه متصل بیکاری گفته می‌شود (نامید از یافتن شغل و ..).

۳-۳-۲. Concealed Unemployment

شامل تمامی افرادی می‌شود که بیکار هستند، ولی در آمار رسمی بیکاری به‌حساب نمی‌آیند. افرادی مانند مشمولین حاشیه متصل بیکاری و یا افرادی که برخلاف میل زودتر از موعد بازنشسته می‌شوند لذا این عنوان شامل اشتغال ناقص نمی‌شود. شایان ذکر است تفاوت این مفهوم با مورد بالاتر در این است که تمرکز روی ظرفیت‌های اقتصاد نیست و تنها افراد بیکار مطلق (نه اشتغال ناقص) را با شرط ذکر شده شامل می‌شود.



۴-۳. نحوه محاسبه نرخ بیکاری پنهان برای ایران

در گزارش حاضر نرخ بیکاری پنهان محاسبه شده با توجه به شرایط کنونی اقتصاد و آمارهای در دسترس به نمودار مجموع موارد زیر ارائه شده است:

الف) بیکاران رسمی

ب) افراد دچار اشتغال ناقص

ج) برخی از افراد غیرفعال دارای بیشترین احتمال مشارکت در بازار کار شامل مردان و زنان (مجرد) دارای تحصیلات عالی ۲۵ تا ۳۴ سال بدون درآمد با احتساب احتمال بیکار ماندن بخشی از آنها پس از ورود به بازار کار

علاوه بر تعاریفی که از بیکاری پنهان بیان شد منابع معتبری انواع نرخهای بیکاری را تقسیمبندی کرده و تعریف می کنند که هرچه به لایه های بالاتر این تعاریف می رسد افراد بیشتری را شامل می شوند. در ادامه انواع این تعاریف برای بیکاری بیان شده و این پدیده را آشکار شرح می دهند.

۵-۳. انواع بیکاری

همان طور که بیان شد با توجه به کامل نبودن آمار رسمی بیکاری و اعتقاد برخی صاحب نظران بر حقیقی نبودن تعریف ساده بیکاری، منابع معتبر BLS و LFS تعاریف دقیق تری از بیکاری را بیان می کنند. تعریف BLS شامل ۶ سطح از بیکاری است که عبارتند از (منبع regional economic analysis march 2014).

U1: درصدی از جمعیت فعال که به مدت بیکاری ۱۵ هفته یا بیشتر تاکنون بیکار می باشند.
U2: افرادی که شغل موقت داشته و آن را از دست داده اند (به نمودار درصدی از جمعیت فعال بیان می شود)

U3: جمع کل بیکاران که در تعریف نرخ رسمی بیکاری بیان شده است.

U4: مجموع کل بیکاران و افرادی که از جستجوی شغل ناامید شده اند (به نمودار درصدی از جمع افراد فعال به اضافه افراد ناامید از جستجوی شغل، بیان می شود).

U5: مجموع U4 و افرادی که به دلایلی بجز ناامیدی جزء حاشیه متصل بیکاری هستند (به نمودار درصدی از جمع افراد فعال به اضافه حاشیه متصل ارائه می شود).

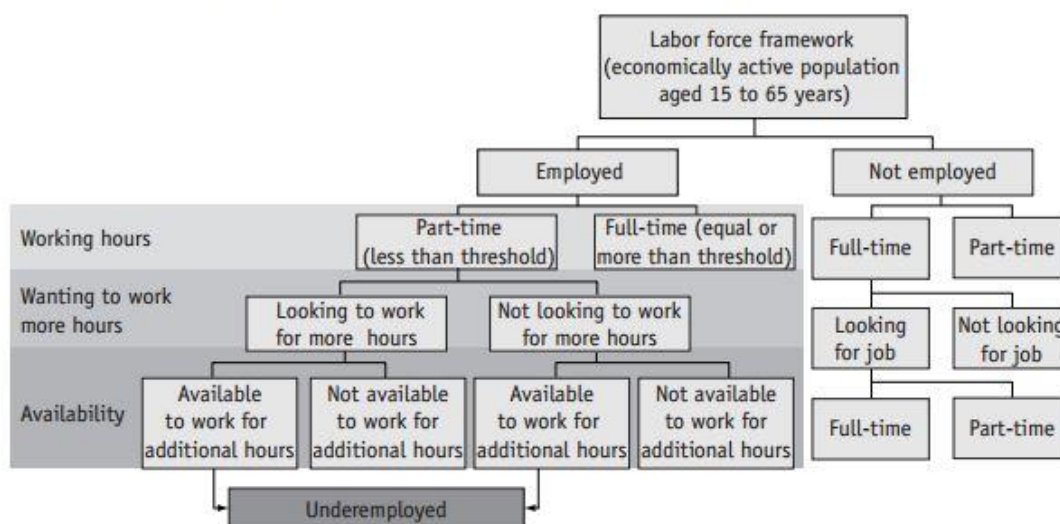
U6: مجموع U5 و افرادی که اشتغال ناقص زمانی دارند (به نمودار درصدی از جمع افراد فعال به اضافه حاشیه متصل ارائه می شود).

در تعریف فوق، U1 و U2 به عنوان زیرمجموعه هایی از نرخ بیکاری به شمار می آیند و U3 معادل نرخ بیکاری ای است که به صورت رسمی و مطابق تعریف رسمی بیان می شود. U4 و U5 با عنوان نرخ بیکاری وسیع در تعریف ارائه می شوند و U6 که جمع تمامی موارد فوق است با عنوان اشتغال ناقص (Underemployment) بیان می شود. گفتنی است که بیکاران رسمی خود زیرمجموعه ای از U6 می باشد و جدا از آن نیست.

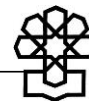
۴. اشتغال ناقص

افراد دارای اشتغال ناقص شامل تمام شاغلانی است که در هفته مرجع، حاضر در سر کار یا غایب موقت از محل کار بوده، به دلایل اقتصادی نظیر رکود کاری، پیدا نکردن کار با ساعت کار بیش‌تر، قرار داشتن در فصل غیرکاری و... کمتر از ۴۴ ساعت کار کرده، خواهان و آماده برای انجام کار اضافی در هفته مرجع بوده‌اند (مرکز آمار ایران، ۴۰ ساعت در تعریف بانک جهانی). اشتغال ناقص به شغلی گفته می‌شود که براساس یک‌سری استانداردها برای کارگر ناکاراست در نتیجه کارگر از تمام توانش برای استفاده از شغل بهره نمی‌برد (بلینو و فلدمان، ۱۹۹۶). اشتغال ناقص به کاهش اجباری ساعات کار گفته می‌شود به‌طوری که کارگر نتواند هرچقدر که می‌خواهد کار کند و دستمزد دریافت کند با این تعریف عوامل ایجادکننده اشتغال ناقص با عوامل ایجادکننده بیکاری مشترک است (هام (۱۹۸۲)). در ادبیات بیکاری هر زمان که از اصطلاح نرخ اشتغال ناقص یا Underemployment Rate استفاده می‌شود، منظور همان U6 است که مجموع تمام حالت‌های بیکاری را شامل می‌شود. همچنین علاوه بر نرخ، مفهومی با عنوان حجم اشتغال ناقص وجود دارد که به مجموع میزان ساعات کاری‌ای گفته می‌شود که افراد مشمول اشتغال ناقص، توانایی و تمایل به افزایش ساعات کاری کنونی خود دارند. درواقع این متغیر نشان می‌دهد که معدل چند نفر ساعت در هفته ظرفیت شغلی وجود دارد که اقتصاد قادر به فراهم کردن آن نیست.

THE ILO LABOR FORCE FRAMEWORK FOR MEASURING UNDEREMPLOYMENT



Source: Adapted from Hussmanns et al. (1990).



۴-۱. انواع اشتغال ناقص

اشتغال ناقص به طور کلی سه نوع مختلف دارد که این تقسیم‌بندی عبارت است از:

۴-۱-۱. Over qualification

در این حالت فرد تمایل به کار تمام‌وقت دارد ولی مجبور به انجام کار پاره‌وقت است. به این حالت اشتغال ناقص زمانی نیز گفته می‌شود که در گزارش حاضر منظور از اشتغال ناقص همین نوع است.

۴-۱-۲. Overeducation

مازاد تحصیلات در شغل زمانی ایجاد می‌شود که به عنوان مثال فردی با تحصیلات بالا شغلی را دارد که تحصیلات پایین نیاز دارد (اردوگان و باثر، ۲۰۰۹). در شرایطی که عرضه نیروی کار با تحصیلات بالا افزایش یابد، باعث می‌شود که این افراد مجبور به قبول شغل‌هایی شوند که به مهارت پایین نیاز دارد. این پدیده باعث می‌شود که کارگران غیرماهر با تحصیلات پایین مجبور به رقابت با افراد تحصیلکرده شوند و در نتیجه آنها نیز به شغل‌های با مهارت کمتر و یا بیکاری سوق داده شوند (از بازار کار crowd out شوند). حدود ۲۰-۵۰ درصد از افرادی که در کشورهای OECD کار می‌کنند دچار نمودار اضافه تحصیلات هستند (برقان و دوگریپ، ۲۰۰۰) و همچنین حدود ۲۰-۲۵ درصد از کارگران آمریکایی تحصیلات بیش از حد شغل خود دارند (فلدمان و تورنلی، ۱۹۹۵). این نوع از اشتغال ناقص با توجه به اینکه نوعی عدم تطابق محسوب می‌شود در گزارش حاضر در بخش عدم تطابق شغلی بررسی شده است.

۴-۱-۳. Labor hoarding

به عبارتی ذخیره‌سازی نیروی کار، به این معنی که بنگاه بیش از نیازش کارگر استخدام کرده در نتیجه تمام کارگران همیشه مشغول کار نیستند. (فلیس، ۲۰۰۳) که می‌تواند دو دلیل داشته باشد. این دلایل در قسمت بعدی بیان شده است. با توجه به اینکه آمار مربوط به این پدیده قابل اندازه‌گیری نیست، برای بررسی میزان وقوع آن، شاخص‌هایی که نشان‌دهنده استفاده از نیروی کار در اقتصاد باشد استفاده می‌شوند. از این رو در گزارش حاضر نسبت بررسی ساعات کاری افراد شاغل ارائه شده است. این شاخص‌ها عبارتند از:

الف) نسبت تولید به تعداد کارگران (بهره‌وری هر کارگر)،

ب) نسبت تولید به ساعت کاری (بهره‌وری هر ساعت کار)،

ج) میانگین ساعت کاری،

د) ساعت کاری کل،

ه) نسبت تولید به مصرف (در تعادل مطلوبیت حاشیه‌ای حاصل از افزایش یک واحد تلاش برای خانوار برابر مطلوبیت حاشیه‌ای افزایش مصرف است در نتیجه این نسبت تلاش تعادلی خانوار را نشان می‌دهد).

گفتنی است روش دیگری که برای تعیین استخدام بیش از حد نیز توسط فلیس (۲۰۰۳) ارائه شده است که ابتدا در نظر دارد که روند بلندمدت استفاده از نیروی کار را به دست آورده و سپس مواقعی را که استفاده از نیروی کار زیر این روند بود به عنوان استخدام بیش از حد شناسایی شود.

۴-۲. دلایل اشتغال ناقص

دلایل متنوعی باعث افزایش جمعیت مشمول تعریف اشتغال ناقص می‌شوند، به عنوان مثال رشد بهره‌وری و کاهش تقاضای نیروی کار، محدودیت‌های فاصله‌ای برای نیروی کار، ترجیحات شخصی افراد شاغل که مانع از اختیار کردن شغل تمام‌وقت با شرایط نامطلوب می‌شود و بازارهای کاری محلی ضعیف مواردی هستند که نرخ اشتغال ناقص را افزایش می‌دهند. همچنین متغیرهایی مانند جنسیت و نژاد نیز بر اشتغال ناقص افراد تأثیر معناداری دارند (Bonnal Lira, and Addy, 2009). علاوه بر این دلایل مربوط به ذخیره‌سازی نیروی کار (Labor hoarding) نیز به طور خاص به دو دسته زیر تقسیم می‌شوند:

الف) دلایل ساختاری: اتحادیه‌های کارگری و یا انحصار دولت مانع اخراج کارگرانی بی‌استفاده و یا استخدام بیش از حد شوند.

ب) دلایل چرخه‌ای: صنعت توریسم، کشاورزی و یا هر بنگاهی در چرخه‌های رونق و رکود ترجیح می‌دهد کارگران خود را در دوران رکود حفظ کند زیرا استخدام هزینه دارد.

۴-۳ روش‌های محاسباتی

روش‌های بسیاری برای اندازه‌گیری انواع مختلف اشتغال ناقص وجود دارند که در ادامه نمونه‌هایی از این روش‌ها عبارتند از:

الف) کاهش دستمزد پس از اخراج و استخدام در شغل جدید (زیونکوویچ، ۱۹۸۸، لینا و فلدمان، ۱۹۹۲)،
ب) کاهش مطلوبیت کار پس از اخراج و استخدام در شغل جدید مثلاً اخراج از شغل تمام‌وقت و استخدام مجدد در شغل پاره‌وقت (تیپس و گوردون، ۱۹۸۵)،

ج) بالاتر بودن سطح تحصیلات از آنچه مورد نیاز شغل است (بریس، ۱۹۸۳؛ بورجن و همکاران، ۱۹۸۸؛ فلدمان و تورنلی، ۱۹۹۵؛ گرین برگر و اشتاین‌برگ، ۱۹۸۶؛ سارجنت، ۱۹۸۶)،

د) اظهار خود کارگران به استخدام در شغلی که با توانایی‌های آنها منطبق نیست.
نکته قابل توجه در محاسبه این است که باید شرایط اقتصاد و آمار در دسترس برای این کار لحاظ شود. روش استفاده شده در این گزارش برای محاسبه هریک از انواع اشتغال ناقص در قسمت قبل بیان شده است.

۴-۴. تأثیرات اشتغال ناقص

اشتغال ناقص می‌تواند باعث کاهش رضایت شغلی و در نتیجه بهره‌وری شود. با توجه به تقسیم‌بندی دیگری که در مورد اشتغال ناقص انجام می‌شود: الف) اشتغال ناقص بیرونی: عدم تطابق مدرک تحصیلی و شغل، ب) اشتغال ناقص ذهنی: فرد توانایی‌های خود را بالاتر از سطح شغل خود بداند (خان و مورو،



۱۹۹۱) نشان دادند این پدیده به‌طور قوی‌تری در مورد اشتغال ناقص بیرونی اتفاق می‌افتد. همچنین آلن (۱۹۹۰) و ولز (۲۰۰۴) نشان می‌دهند کسانی که برای شغل خود Over Qualified هستند با احتمال بیشتری شغل خود را ترک می‌کنند.

۵. عدم تطابق شغلی

۵-۱. تعریف

براساس تعریف گسترده و به رسمیت شناخته شده، عدم تطابق مهارت‌های شغلی، اختلاف بین مدارک و مهارت‌هایی که افراد دارای آن هستند و مهارت‌هایی که مورد نیاز بازار کار است. به‌طور کلی دو نوع عدم تطابق شغلی وجود دارد:

۱. عمودی (یعنی سطوح آموزش مورد نیاز برای مشاغل موجود): در این حالت عده‌ای از افراد در بالاتر از مهارت مورد نیاز و عده‌ای در سطح پایین مهارت مورد نیاز قرار دارند.
۲. افقی (یعنی انواع آموزش مورد نیاز): در این حالت نیز عده‌ای بیشتر آموزش دیده و یا کمتر آموزش دیده وجود دارد.

۵-۲. عوامل تأثیرگذار بر عدم تطابق شغلی

عدم تطابق مهارت‌ها توسط عوامل مختلف، ازجمله پیشرفت‌های فناوری تولید، (برای مثال توسعه دیجیتال)، توسعه اقتصادی (برای مثال تجدید ساختار صنعتی) و یا تغییر و تحولات اجتماعی (برای مثال پدیده جمعیتی) ایجاد می‌شود. توصیف این سه دسته عبارتند از:

۵-۲-۱. عوامل تکنولوژیکی

شامل استفاده گسترده از فناوری اطلاعات و ارتباطات (فناوری اطلاعات و ارتباطات)، که باعث افزایش تقاضا برای کارگران ماهر در فناوری اطلاعات و ارتباطات است که نیروی کار موجود نمی‌تواند آن را تأمین کند. علاوه بر این، تغییرات تکنولوژیکی تقاضا برای کارهای دستی را کاهش داده است.

۵-۲-۲. عوامل ساختاری و اقتصادی

عواملی مانند برون‌سپاری تولید کالاهای نیازمند به مهارت کم و تجدید ساختاربخشی، مثال‌هایی از عوامل ساختاری و اقتصادی ایجاد عدم تطابق شغلی هستند.

۵-۲-۳. عوامل فردی و اجتماعی

عوامل فردی و اجتماعی مؤثر بر روند ساختار سنی نیروی کار، که یک مانع دیگر در تطابق بین عرضه مهارت نیروی کار و تقاضا برای آن است. برای مثال براساس داده‌های نظرسنجی اتحادیه اروپا، کشورهایی که بیشترین سطح عدم تطابق شغلی را دارند، دارای ویژگی‌های مشترک زیر می‌باشند: اول اینکه این کشورها سطح بسیار پایین سرمایه‌گذاری عمومی در آموزش را دارند و بنابراین نمی‌توانند مطابق با نیازها

و تقاضای بازار باشند. دوم اینکه، غالب این کشورها، تجارب بسیار ضعیفی در برنامه‌ریزی بازار دارند و بازار نیروی کار بسیار نامنعطفی دارند. همچنین با توجه به بررسی اقتصاد، عدم تطابق کیفی می‌تواند با توجه به موانع تحرک نیروی کار در میان کشورها، مناطق، بخش‌ها و مشاغل و همچنین تبادل اطلاعات نامتقارن بین کارفرمایان و کارمندان به وجود آید.

۳-۵. تأثیرات عدم تطابق شغلی

اهمیت بررسی عدم تطابق شغلی تأثیرات مهم آن بر اقتصاد است. وقوع این پدیده و تداوم آن در بلندمدت به دلیل افزایش بیکاری ضرر و زیان‌های اقتصادی و اجتماعی به ارمغان می‌آورد و می‌تواند موجب از دست دادن سرمایه انسانی یک کشور و مانع چشم‌انداز رشد بلندمدت آن شود (مطالعه انجام شده توسط مشاوره منابع انسانی Randstad). در همین راستا مطالعه کشورهای OECD نشان می‌دهد که عدم تطابق‌های شغلی و در نتیجه بیکاری، هزینه‌های اقتصادی و رفاه بالاتر به دنبال دارد. علاوه بر آن مطالعه انجام شده توسط سازمان بین‌المللی کار (ILO) در مورد عدم تطابق مهارت Skill در اروپا نشان می‌دهد که عدم تطابق کیفی Qualifications عمده‌تاً نیروی کار جوان مرد را مجبور به پذیرش قراردادهای غیراستاندارد کاری می‌کند. به‌طور کلی افراد جوان و مهاجران در کشورهای جهان سوم از داشتن مهارت صلاحیت و صلاحیت بالا در رنج هستند درحالی که کارگران مسن‌تر در معرض خطر منسوخ شدن مهارت می‌باشند که یک تهدید اجتماعی و اقتصادی جدی به حساب می‌آید.

همچنین براساس نتایج تحقیقات انجام شده بر داده‌های بازار کار کشور ژاپن، عدم تطابق شغلی حدود ۲۰ الی ۴۰ درصد افزایش نرخ بیکاری را توضیح می‌دهد. این درحالی است که با وجود بررسی همزمان متغیرهایی از قبیل سن و نوع اشتغال از نظر زمانی، نشان داده می‌شود که این دو متغیر تأثیر معناداری بر افزایش نرخ بیکاری ندارند. این نتیجه اهمیت بررسی عدم تطابق شغلی در بازار کار ایران و اجرای سیاست‌های اصلاحی را در این راستا نشان می‌دهد. برای مثال سیاست‌هایی مانند برنامه‌های آموزشی برای افزایش مهارت شاغلین متناسب با شغل آنها (Training) اصلاحات ساختاری در بازار کار برای افزایش انعطاف‌پذیری برای کارکنان و کارفرمایان، ایجاد بستری برای ایجاد تطابق شغلی از طریق ارتباط کارگر و کارفرما و ایجاد خدمات انطباق شغلی برای استفاده بخش خصوصی از این خدمات باعث کاهش عدم تطابق در بازار کار و به تبع آن نتایج مثبت دیگر را به همراه خواهد داشت. شایان ذکر است انعطاف‌پذیری بازار کار در بلندمدت برخلاف ذهنیت موجود باعث امنیت شغلی بیشتر می‌شود، در شرایطی که ورود و خروج به یک شغل سهل‌تر انجام شود در بلندمدت نیروی کار شغل مناسب خود را به راحتی پیدا کرده و تطابق شغلی و امنیت شغلی وی متناسب با آن افزایش می‌یابد (Ippei Shibata, 2013).

علاوه بر تأثیر ذکر شده، وجود عدم تطابق کیفی و مهارتی بر کاهش بهره‌وری نیز کاملاً آشکار است. نتایج تحقیقات روی کشورهای OECD رابطه منفی بین عدم تطابق و بهره‌وری را نشان می‌دهد که مهمترین دلیل آن تخصیص نابهینه منابع و سرمایه انسانی و فیزیکی می‌باشد



(Müge Adalet McGowan and Dan Andrews, 2012). همچنین تحقیقات مشابه نشان می‌دهد، افزایش این محدودیت‌های مهارتی می‌تواند بهره‌وری شرکت را کاهش دهد، زیرا کارکنان دارای صلاحیت و قابلیت بالای مهارتی، انگیزه کمتری برای کارکردن دارند و بیشتر غیبت می‌کنند.

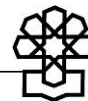
۶. متغیرهای کلان تأثیرگذار بر بیکاری

مطالعات نشان می‌دهند، کشورهایی که نوسانات بیشتر در نرخ بیکاری در چرخه‌های تجاری دارند، نسبت به کشورهای با ثبات بیشتر، نرخ بیکاری بیشتری را در بلندمدت خواهند داشت. علاوه بر آن رضایت شغلی و علاقه افراد به شغل خود باعث کمتر شدن این نوسانات می‌شود و هرچه رضایت کمتری داشته باشند نوسانات نرخ بیکاری در اقتصاد بیشتر می‌شود که مطابق آنچه گفته شد، در بلندمدت نرخ بیکاری بیشتری را موجب خواهد شد (المسکو و پیچرم، ۱۹۹۳).

علاوه بر مواردی که به‌طور عملیاتی با بازار کار ارتباط دارند (مانند تحصیلات، رضایت شغلی، عدم تطابق و...) متغیرهای اقتصادی کلان نیز تأثیر بسزایی در تحولات بازار کار و تغییرات نرخ بیکاری دارند، متغیرهایی از قبیل میزان تولید ناخالص داخلی و رشد اقتصادی، سرمایه‌گذاری خصوصی داخلی و خارجی، میزان تجارت خارجی و... از جمله این موارد هستند. آرونگزب و آسف (۲۰۱۳) با بررسی داده‌های مربوط به سه کشور چین، هند و پاکستان در رابطه با نرخ بیکاری، متغیرهای تورم، تولید ناخالص داخلی، نرخ ارز و نرخ رشد جمعیت، نشان می‌دهند که تولید ناخالص داخلی در پاکستان رابطه مثبت با نرخ بیکاری دارد. دلایل رخ دادن این ارتباط مثبت بالا بودن سطح فقر و شاخص فلاکت در این کشور و نابرابری درآمدی، رشد جمعیت به‌همراه ناپایداری سیاسی، رشد کم اقتصادی و همچنین استفاده خیلی ضعیف از سرمایه خارجی بیان شده است. با توجه به اینکه علت دوطرفه بین دو متغیر نرخ بیکاری و تولید ناخالص ملی در این کشور وجود ندارد، به دلایل ذکر شده، سیاست‌های کاهنده نابرابری و هدفگذاری برای جذب سرمایه خارجی برای کشورهای با شرایط مشابه می‌تواند نرخ بیکاری را کاهش دهد. (Aurangzeb & Asif 2013) باتوجه به شرایط کنونی ایران و ضعف در جذب سرمایه‌گذار خارجی این مهم ضروری به‌نظر می‌رسد. همچنین تأثیر نرخ رشد اقتصادی و سطح باز بودن اقتصاد و تجارت خارجی و سرمایه‌گذاری خصوصی داخلی نیز بر نرخ بیکاری چشمگیرند که مشابه موارد قبل در شرایط کنونی کشور موانع زیادی درخصوص تجارت خارجی وجود داشته و نرخ بیکاری بیشتر را موجب می‌شوند (Oniore و همکاران، ۲۰۱۵).

علاوه بر این آیتا و آشیپالا (۲۰۱۰) نشان می‌دهند با افزایش تفاوت تولید ناخالص ملی بالقوه و واقعی نرخ بیکاری افزایش می‌یابد، لذا استفاده ناقص از ظرفیت‌های اقتصاد افزایش نرخ بیکار را در آینده به‌همراه دارد. دلیل مهم این علت افزایش هزینه نیروی کار است که رابطه منفی سرمایه‌گذاری با نرخ بیکاری را کلید

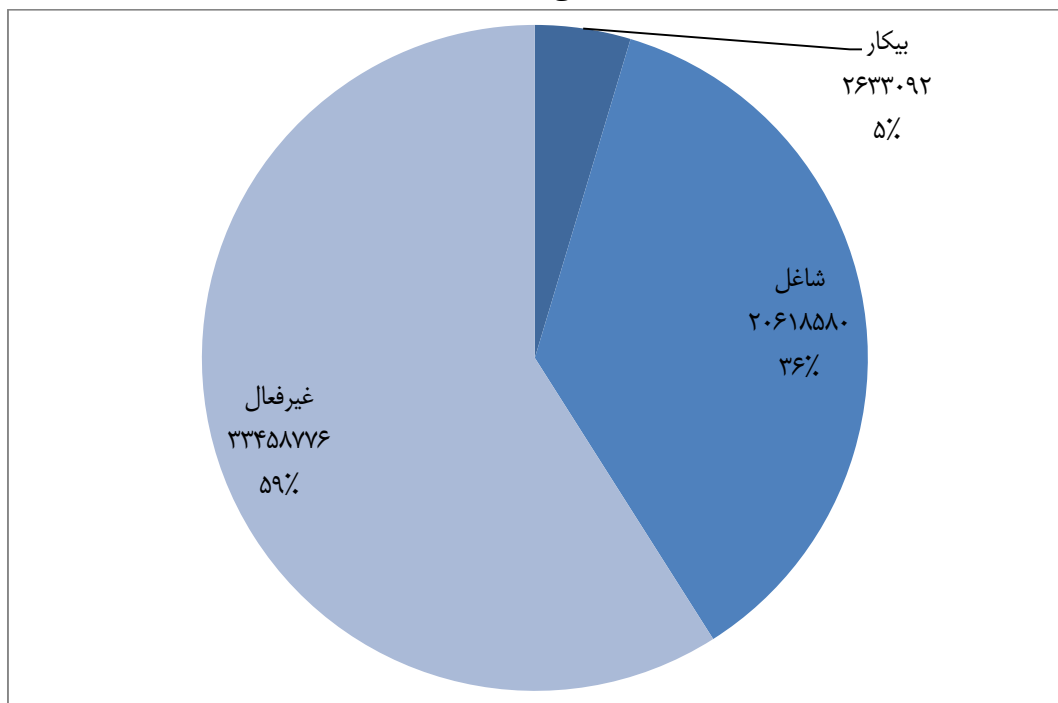
می‌زند. هرچه سرمایه‌گذاری در اقتصاد بیشتر شود نرخ بیکاری کاهش یافته و برعکس. با بررسی‌های مشابه در کشور غنا نیز نشان داده می‌شود، سرمایه‌گذاری در بخش‌هایی مانند کشاورزی که پتانسیل بیشتر برای افزایش تولید و اشتغال دارند در کاهش نرخ بیکاری تأثیر بسزایی دارند (Baah-Boateng, 2013). ولدخانی (۲۰۰۳) با بررسی متغیرهای نرخ بیکاری، شاخص قیمت، سرمایه‌گذاری کل، نرخ ارز و اختلاف تولید واقعی و بالقوه در ایران طی سال‌های ۱۳۴۷ - ۱۳۷۹ نشان می‌دهد رابطه معناداری بین این متغیرها با نرخ بیکاری وجود دارد. بنابراین با توجه به نکات ذکر شده کمبود سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی در صنایع با پتانسیل بالا و موانع تجارت بین‌الملل در مورد کشور ایران اثر بزرگی بر افزایش نرخ بیکاری داشته است.



پیوست نمودارها

(نفر و درصد)

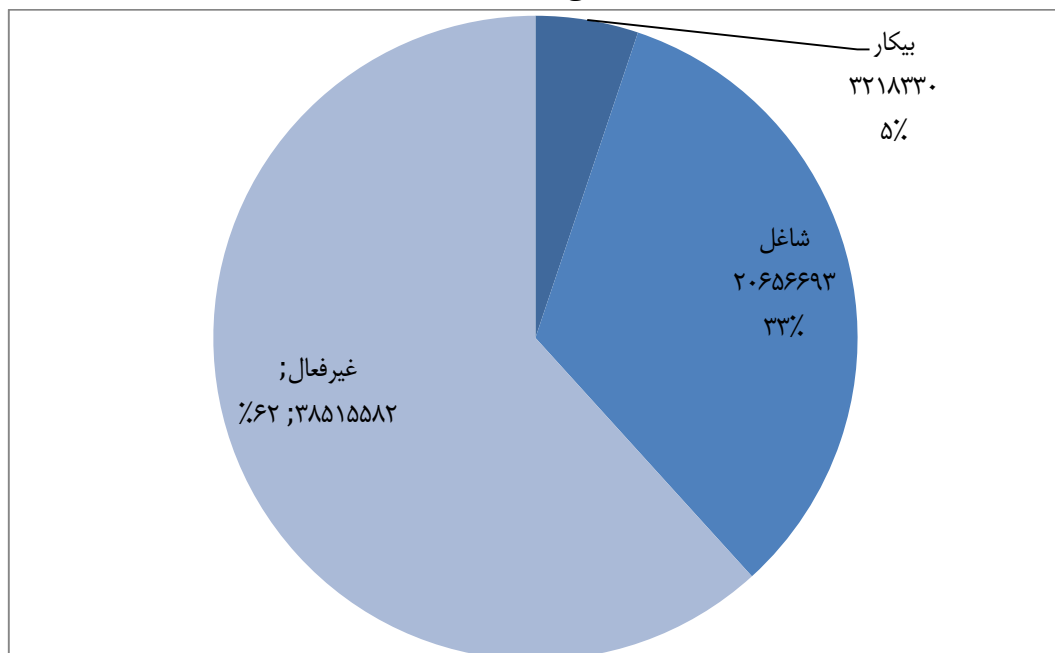
نمودار ۱. ترکیب جمعیتی بازار کار در سال ۱۳۸۴



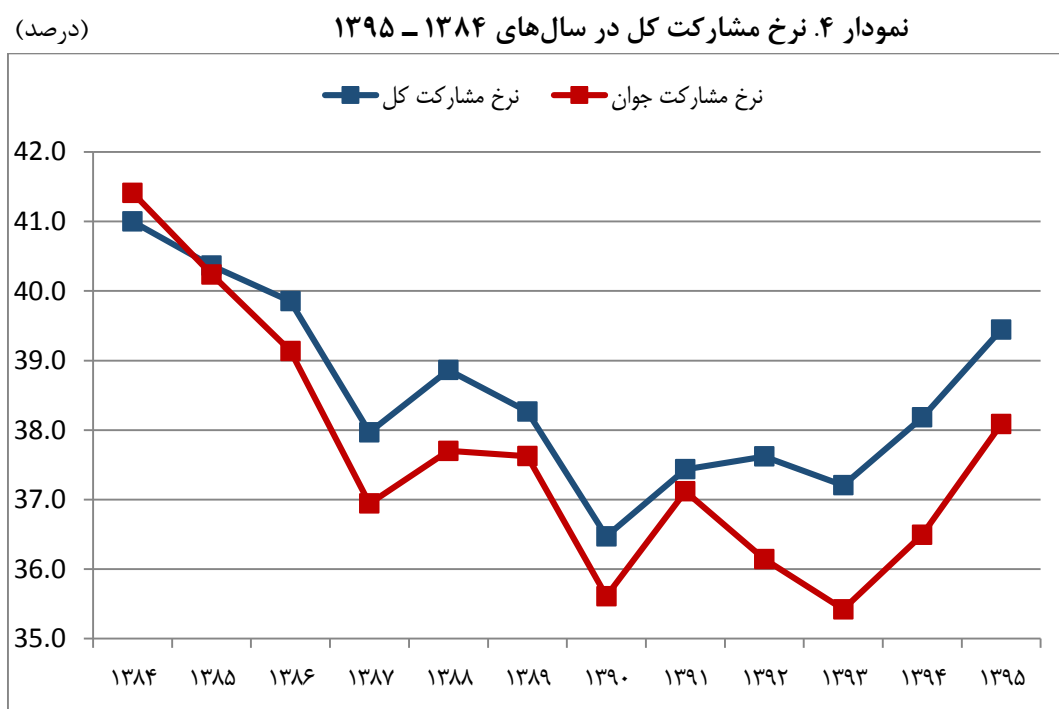
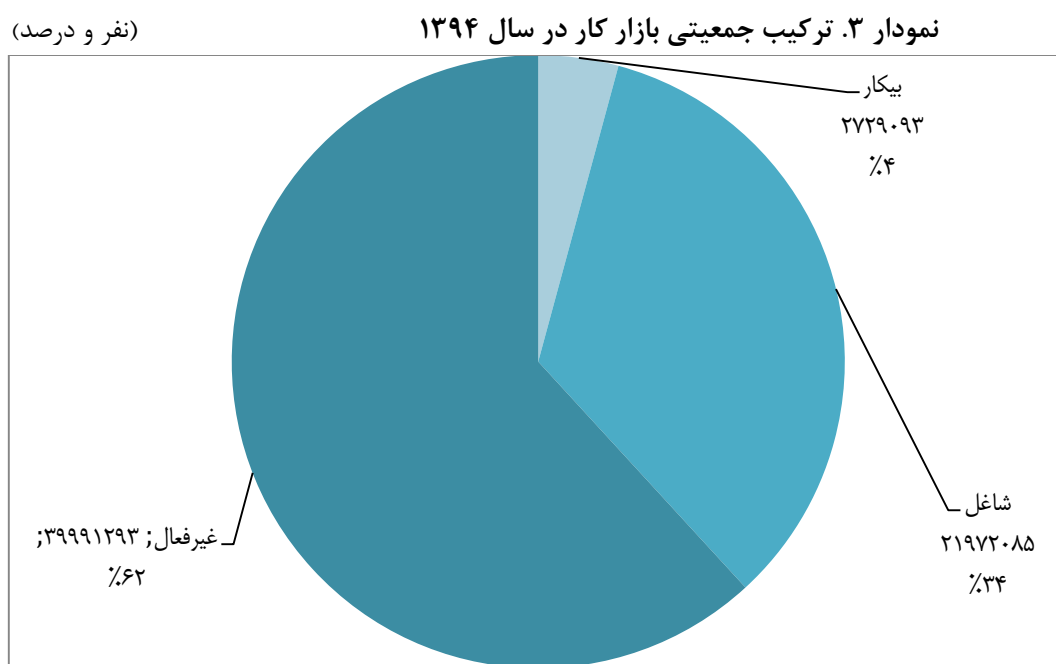
مأخذ: داده‌های طرح آمارگیری از نیروی کار، مرکز آمار ایران.

(نفر و درصد)

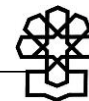
نمودار ۲. ترکیب جمعیتی بازار کار در سال ۱۳۸۹



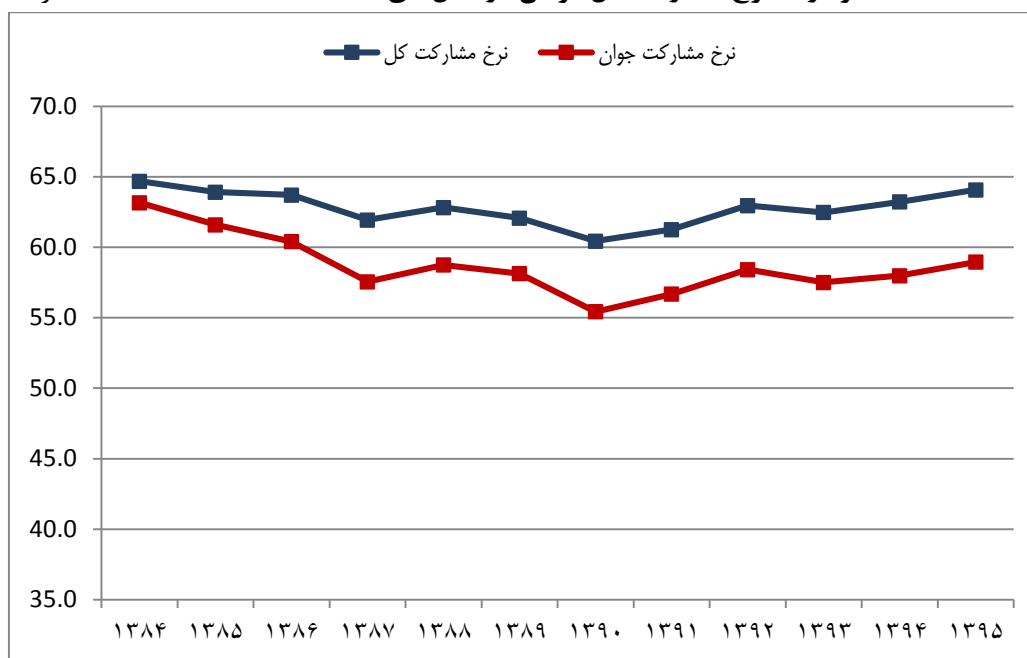
مأخذ: همان.



مأخذ: همان.

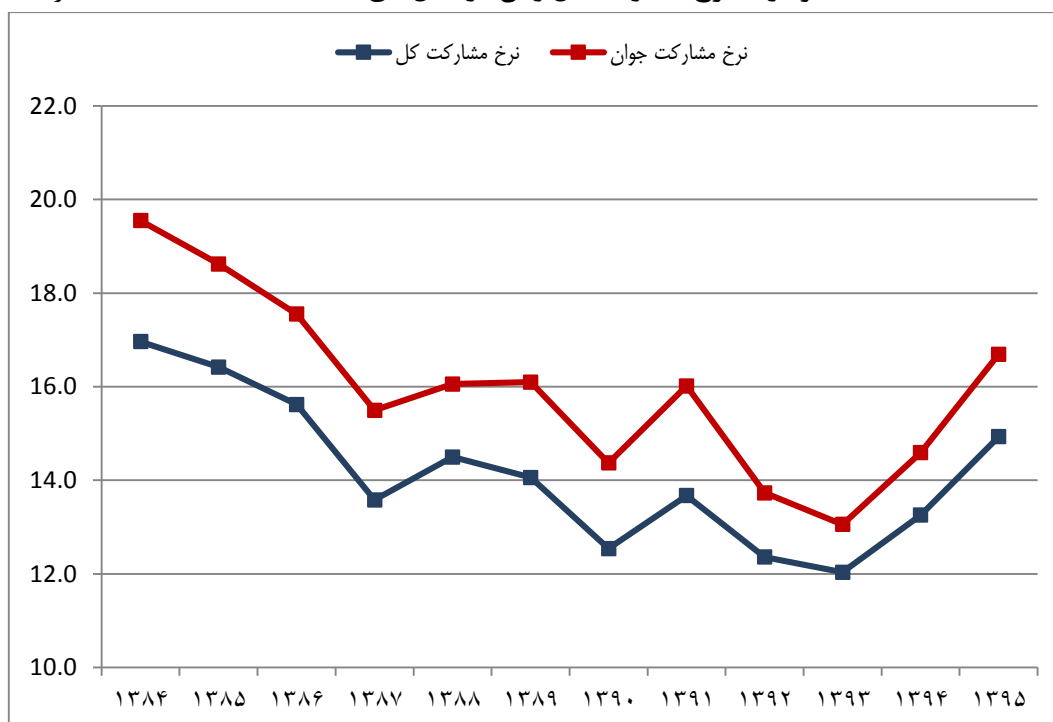


نمودار ۵. نرخ مشارکت کل مردان در سال‌های ۱۳۸۴ - ۱۳۹۵ (درصد)



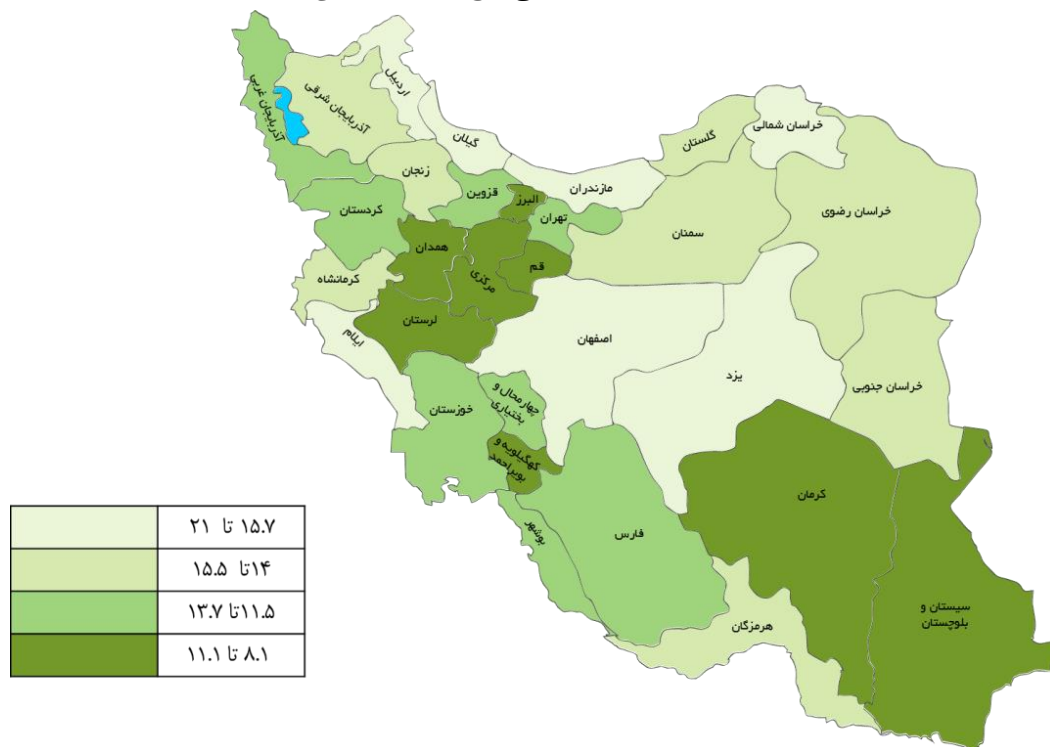
مأخذ: همان.

نمودار ۶. نرخ مشارکت کل زنان در سال‌های ۱۳۸۴ - ۱۳۹۵ (درصد)



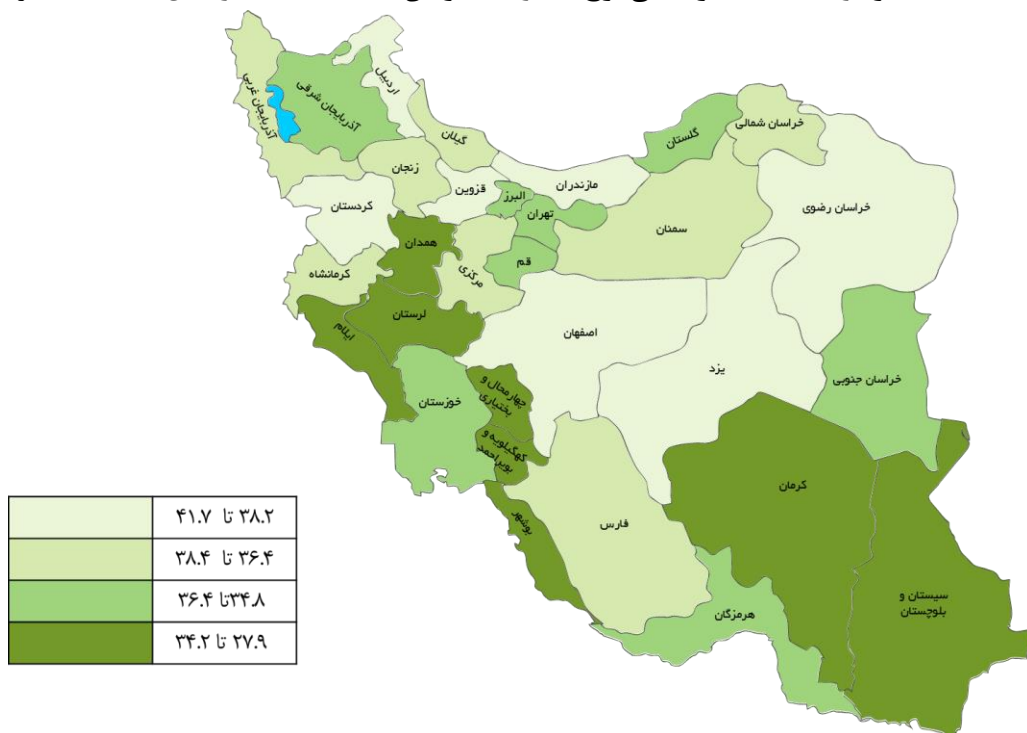
مأخذ: همان.

نمودار ۷. نقشه جغرافیایی نرخ مشارکت زنان در سال ۱۳۹۴ (درصد)

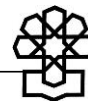


مأخذ: همان.

نمودار ۸. نقشه جغرافیایی نرخ مشارکت جوانان ۱۵ - ۲۹ ساله در سال ۱۳۹۴ (درصد)

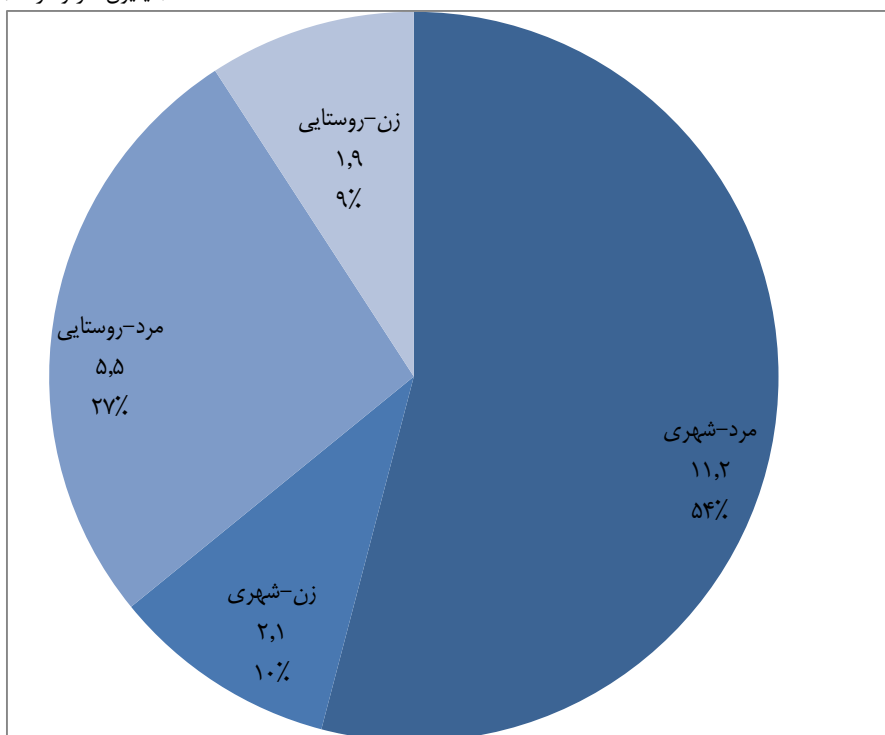


مأخذ: همان.



نمودار ۹. ترکیب جمعیتی شاغلان به تفکیک جنسیت و منطقه سکونت در سال ۱۳۸۴

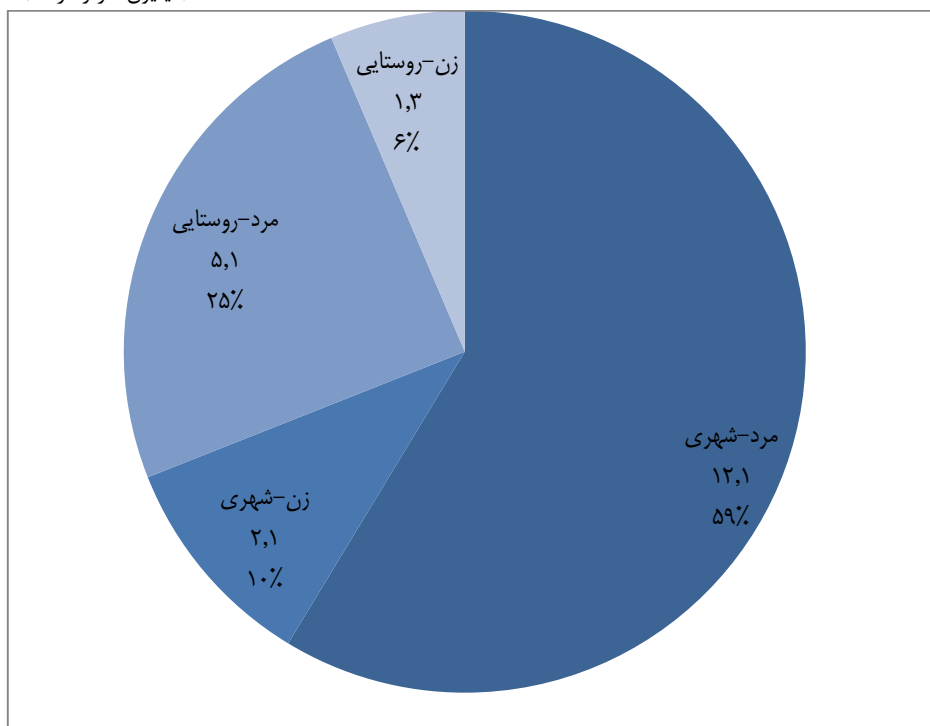
(میلیون نفر و درصد)



مأخذ: همان.

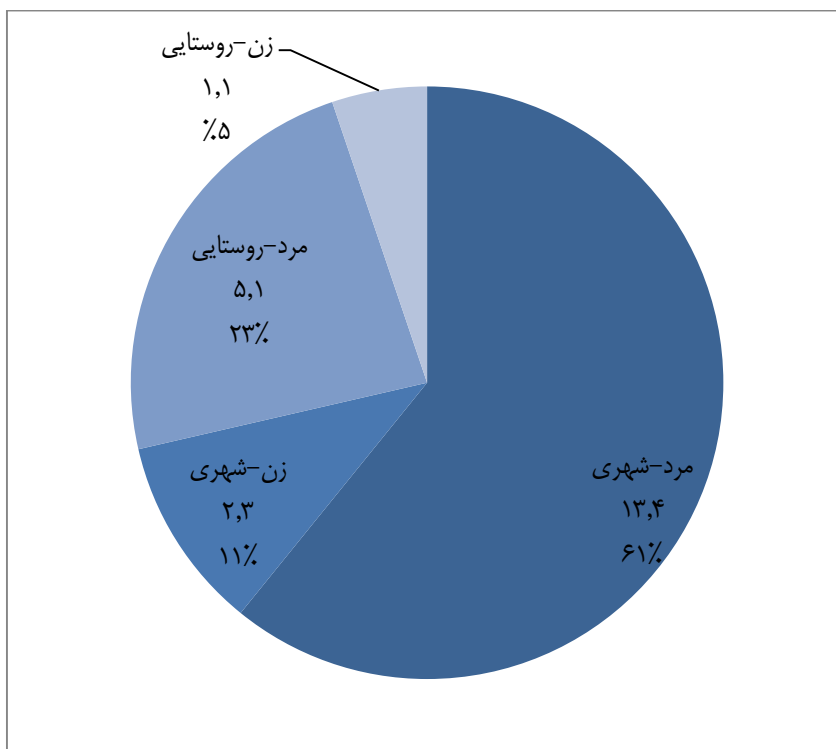
نمودار ۱۰. ترکیب جمعیتی شاغلان به تفکیک جنسیت و منطقه سکونت در سال ۱۳۸۹

(میلیون نفر و درصد)



نمودار ۱۱. ترکیب جمعیتی شاغلان به تفکیک جنسیت و منطقه سکونت در سال ۱۳۹۴

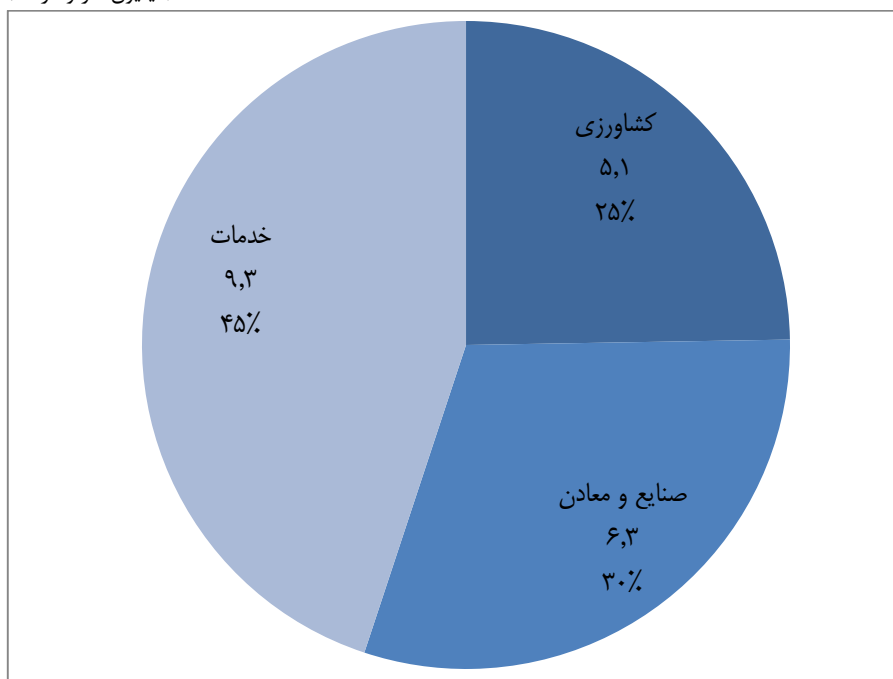
(میلیون نفر و درصد)



مأخذ: همان.

نمودار ۱۲. سهم بخش‌های مختلف اقتصادی از اشتغال در سال ۱۳۸۴

(میلیون نفر و درصد)

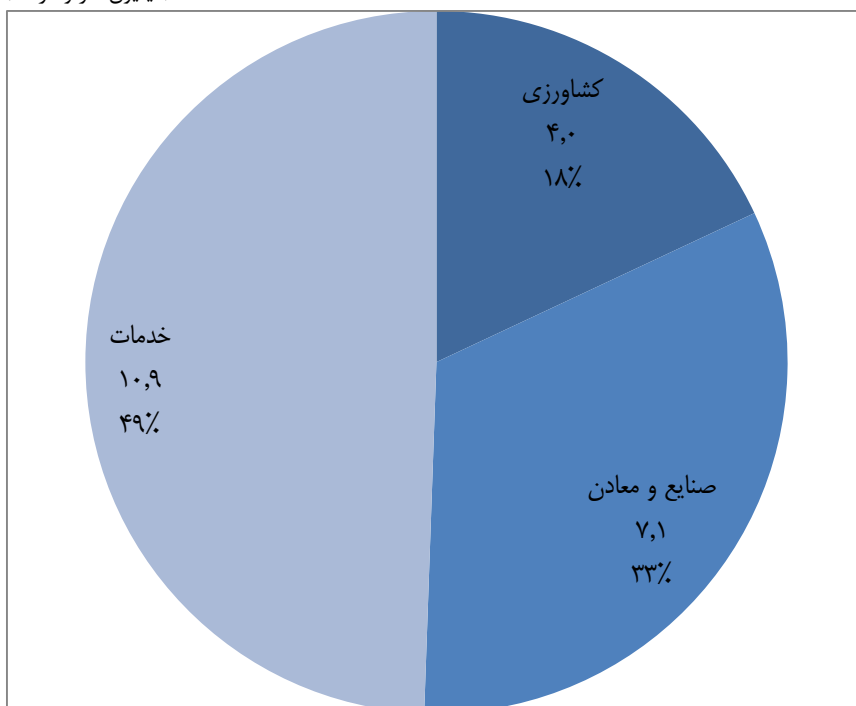


مأخذ: همان.



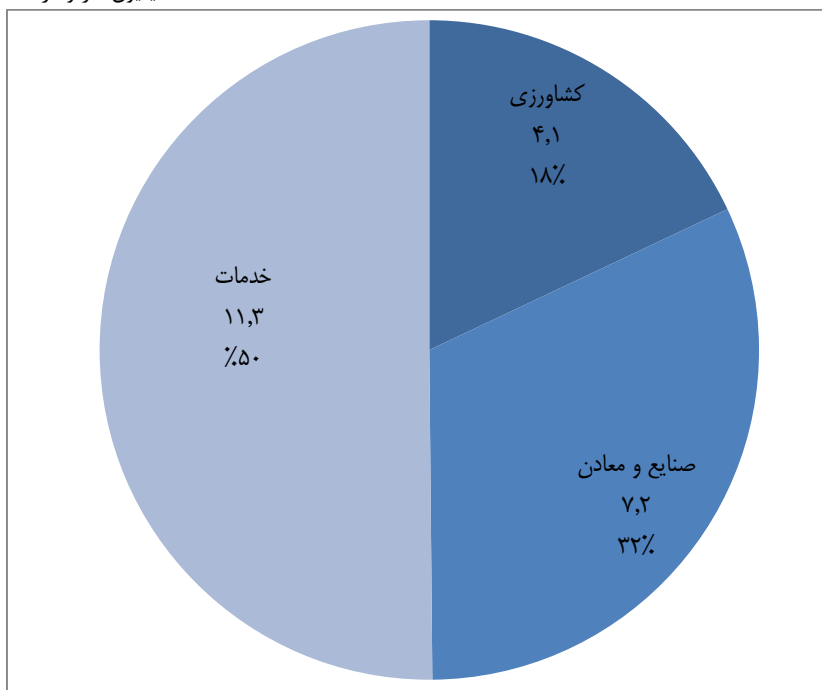
نمودار ۱۳. سهم بخش‌های مختلف اقتصادی از اشتغال در سال ۱۳۹۴

(میلیون نفر و درصد)



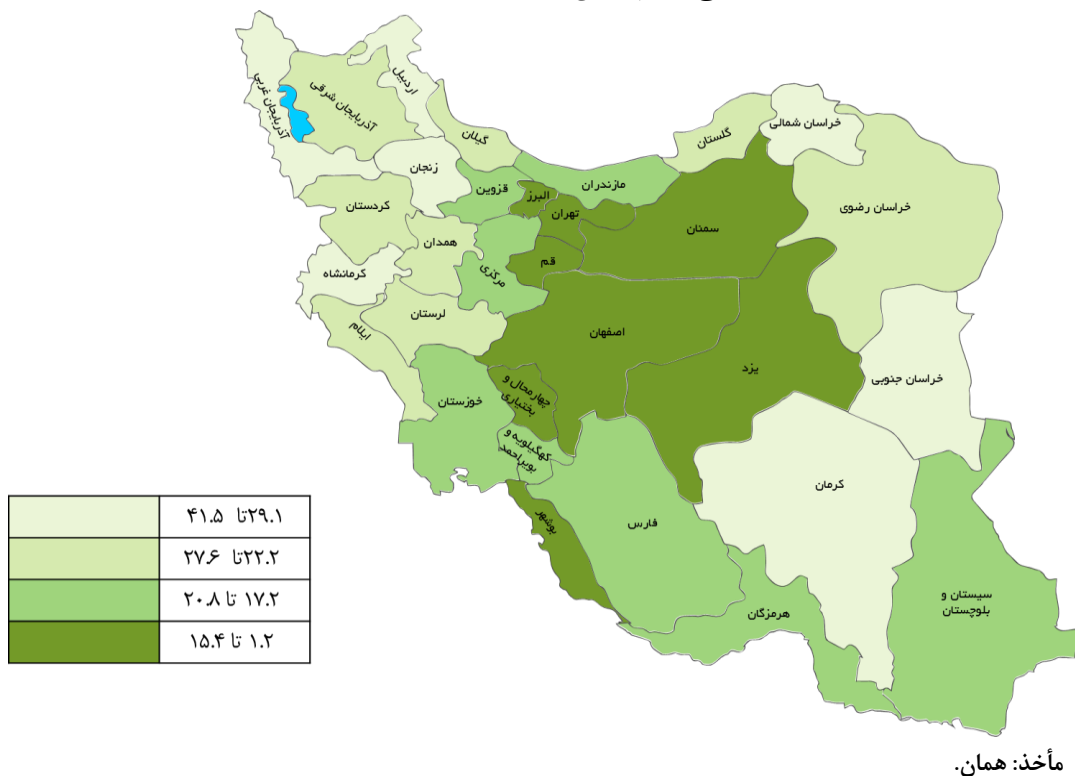
نمودار ۱۴. سهم بخش‌های مختلف اقتصادی از اشتغال در سال ۱۳۹۵

(میلیون نفر و درصد)

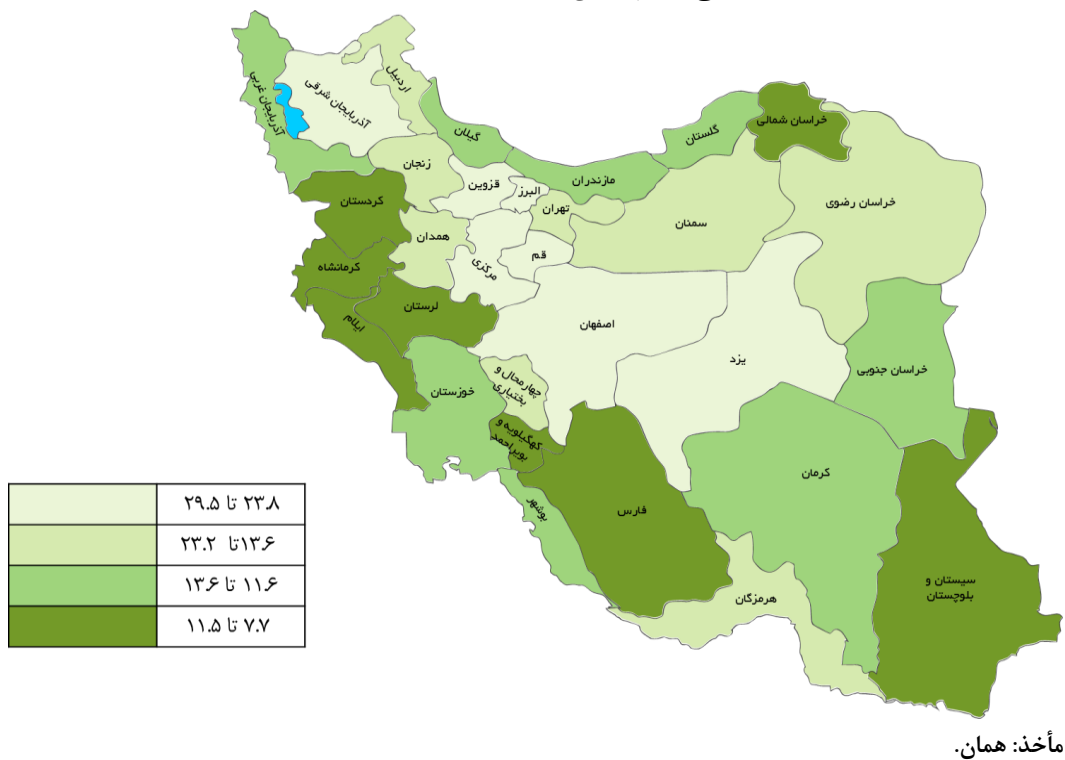


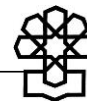
مأخذ: همان.

نمودار ۱۵. نقشه جغرافیایی سهم بخش کشاورزی از کل اشتغال در سال ۱۳۹۴ (درصد)

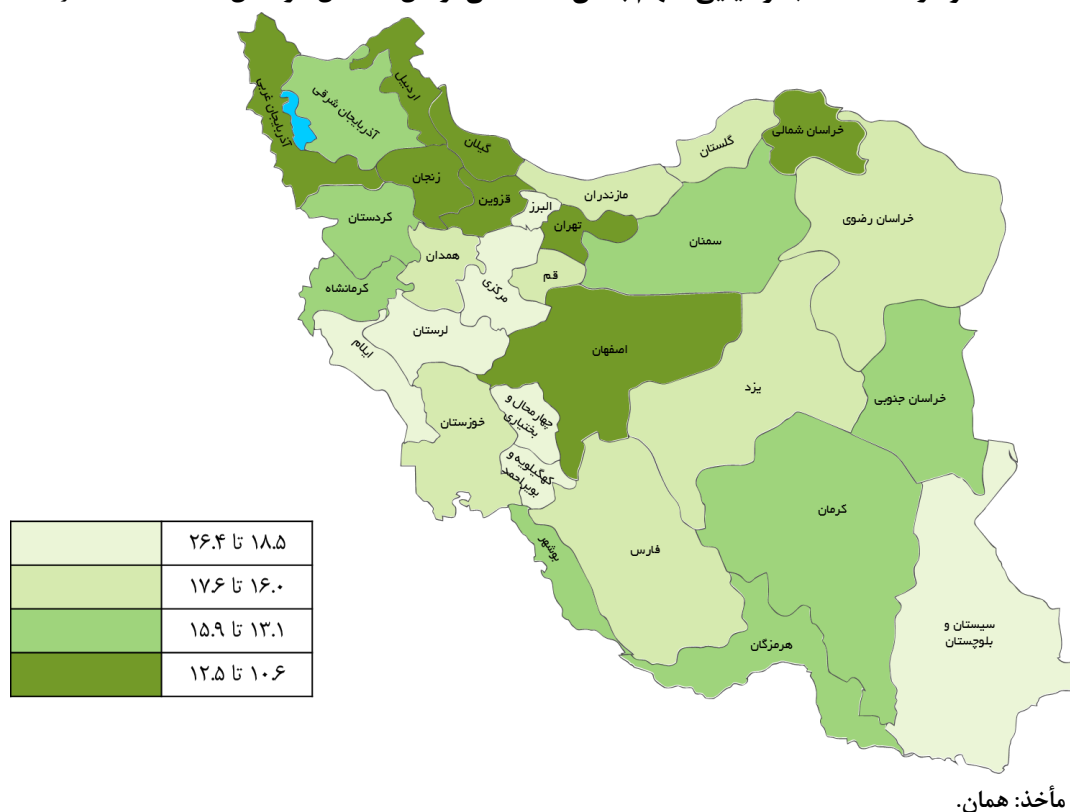


نمودار ۱۶. نقشه جغرافیایی سهم بخش صنعت از کل اشتغال در سال ۱۳۹۴ (درصد)

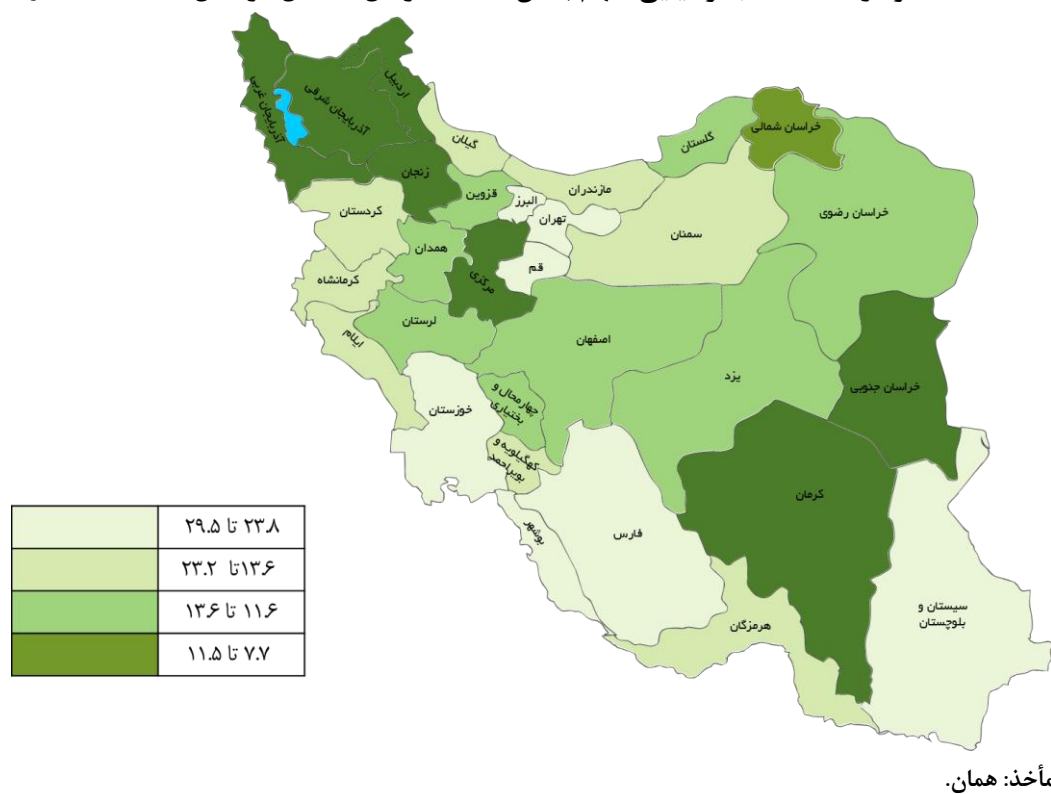




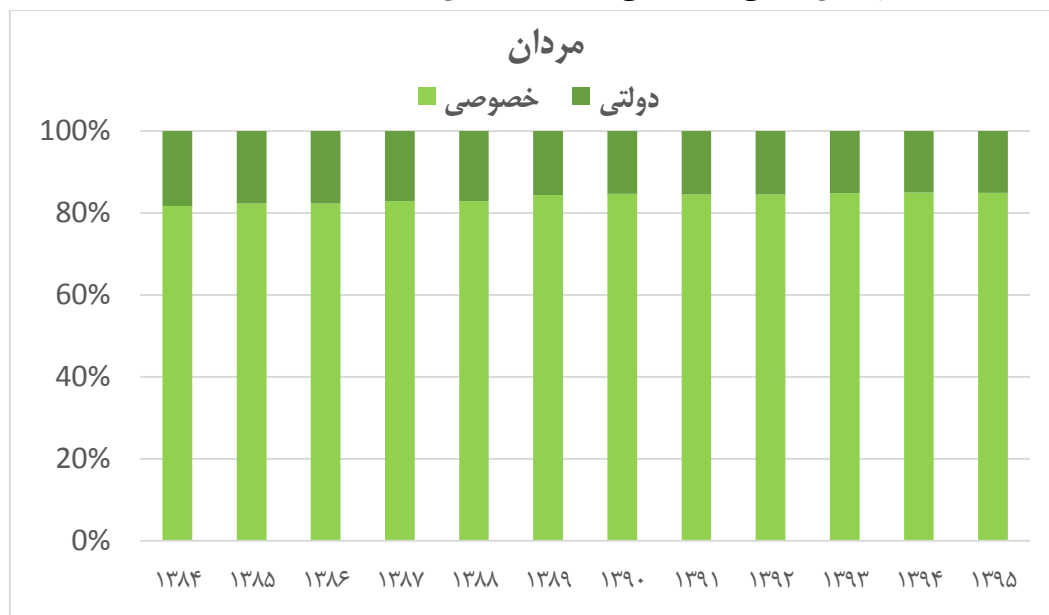
نمودار ۱۷. نقشه جغرافیایی سهم بخش ساختمان از کل اشتغال در سال ۱۳۹۴ (درصد)



نمودار ۱۸. نقشه جغرافیایی سهم بخش خدمات از کل اشتغال در سال ۱۳۹۴ (درصد)

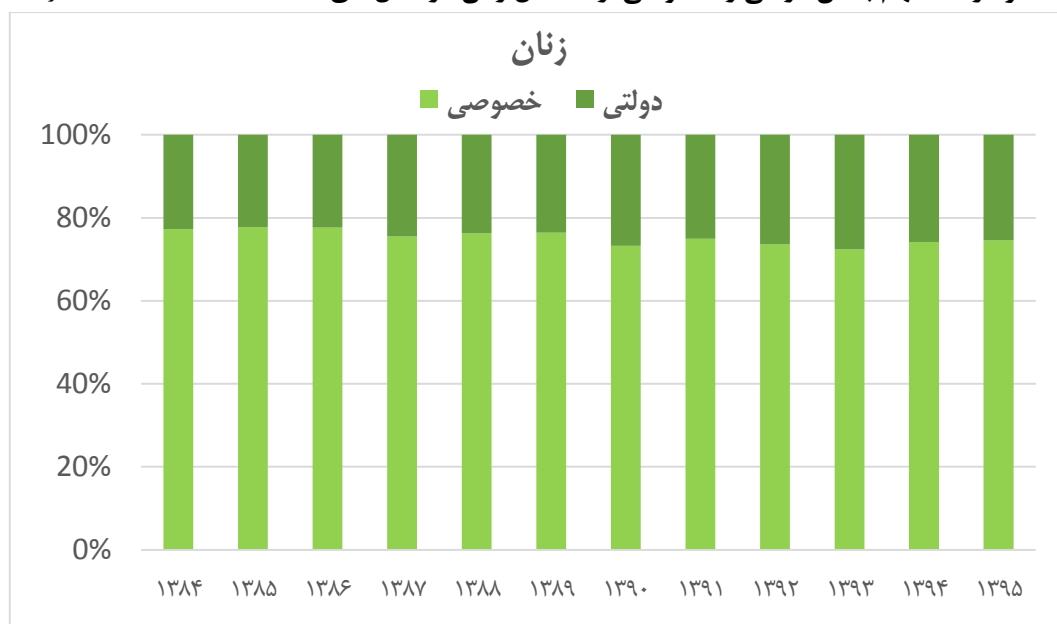


نمودار ۱۹. سهم بخش دولتی و خصوصی از اشتغال مردان در سال‌های ۱۳۸۴ - ۱۳۹۵ (درصد)

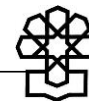


مأخذ: همان.

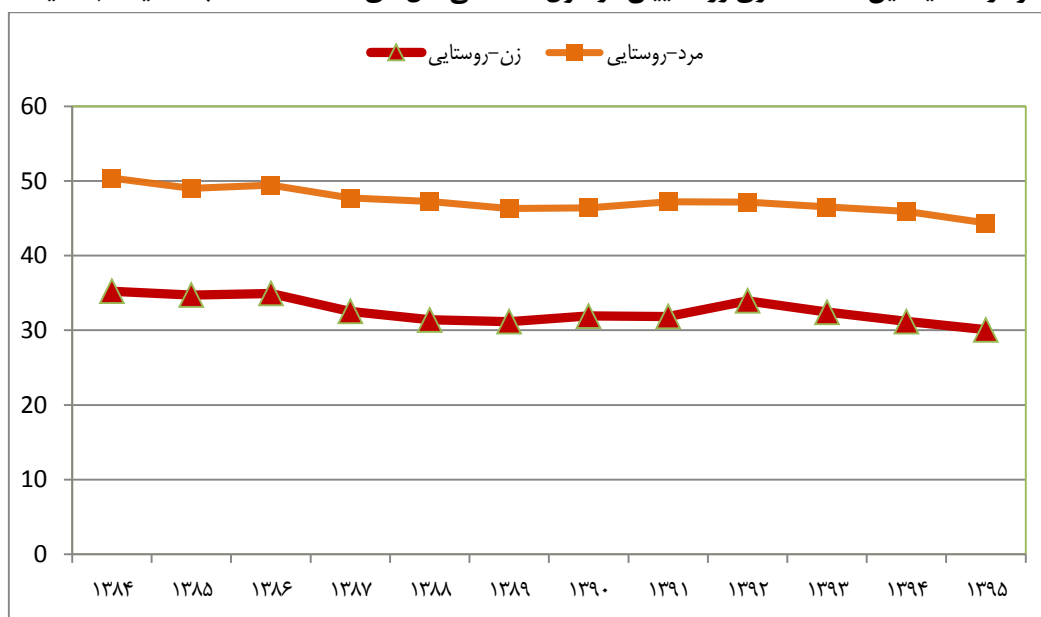
نمودار ۲۰. سهم بخش دولتی و خصوصی از اشتغال زنان در سال‌های ۱۳۸۴ - ۱۳۹۵ (درصد)



مأخذ: همان.

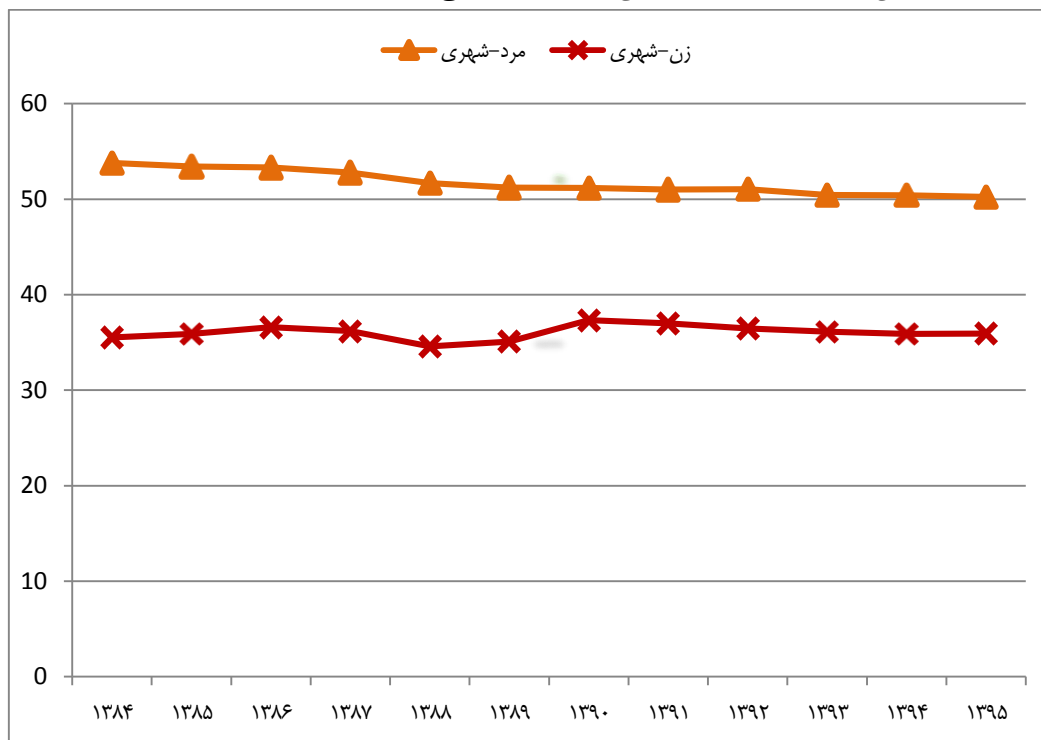


نمودار ۲۱. میانگین ساعات کاری روستاییان در طول هفته طی سل‌های ۱۳۸۴ - ۱۳۹۴ به تفکیک جنسیت



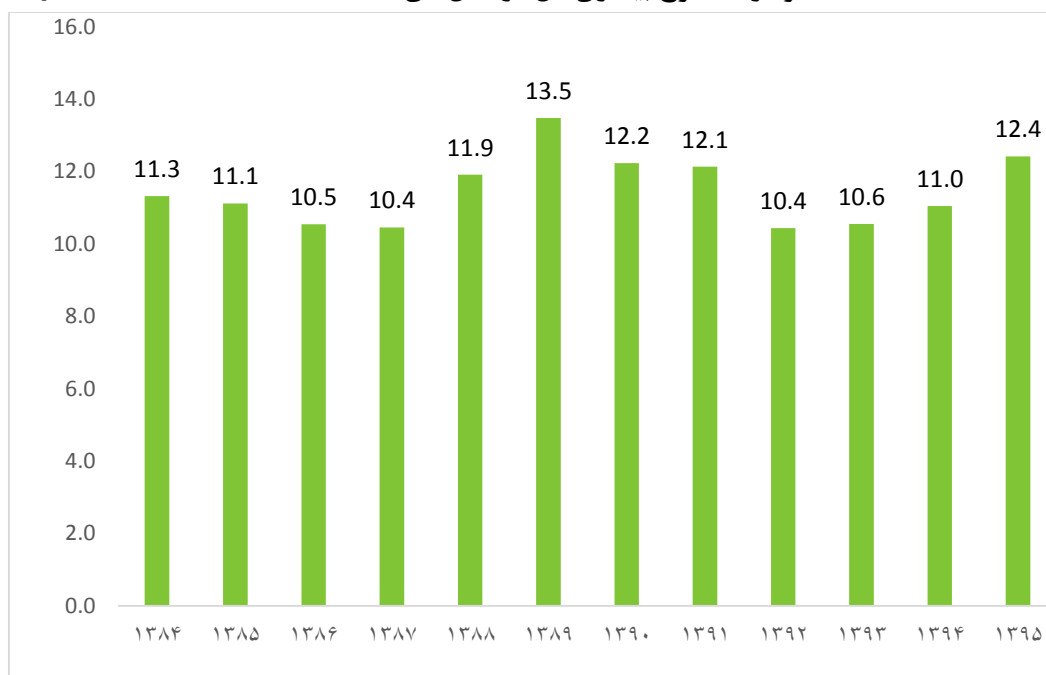
مأخذ: همان.

نمودار ۲۲. میانگین ساعات کاری شهرنشینان در طول هفته طی سل‌های ۱۳۸۴ - ۱۳۹۵ به تفکیک جنسیت



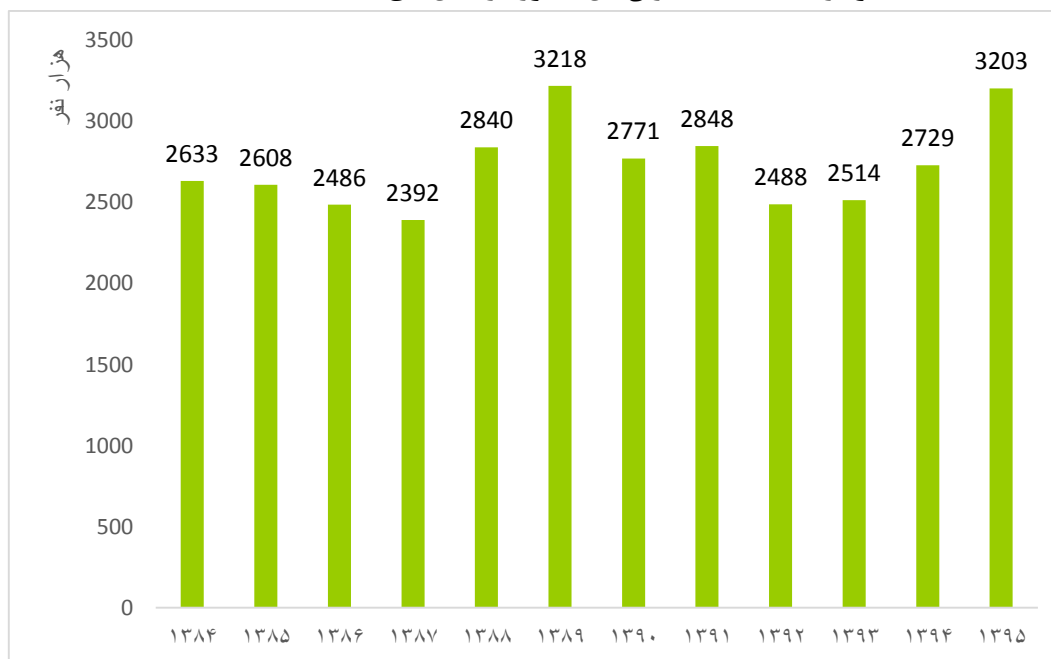
مأخذ: همان.

نمودار ۲۳. نرخ بیکاری کل در سال‌های ۱۳۸۴ - ۱۳۹۵ (درصد)

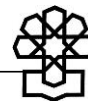


مأخذ: همان.

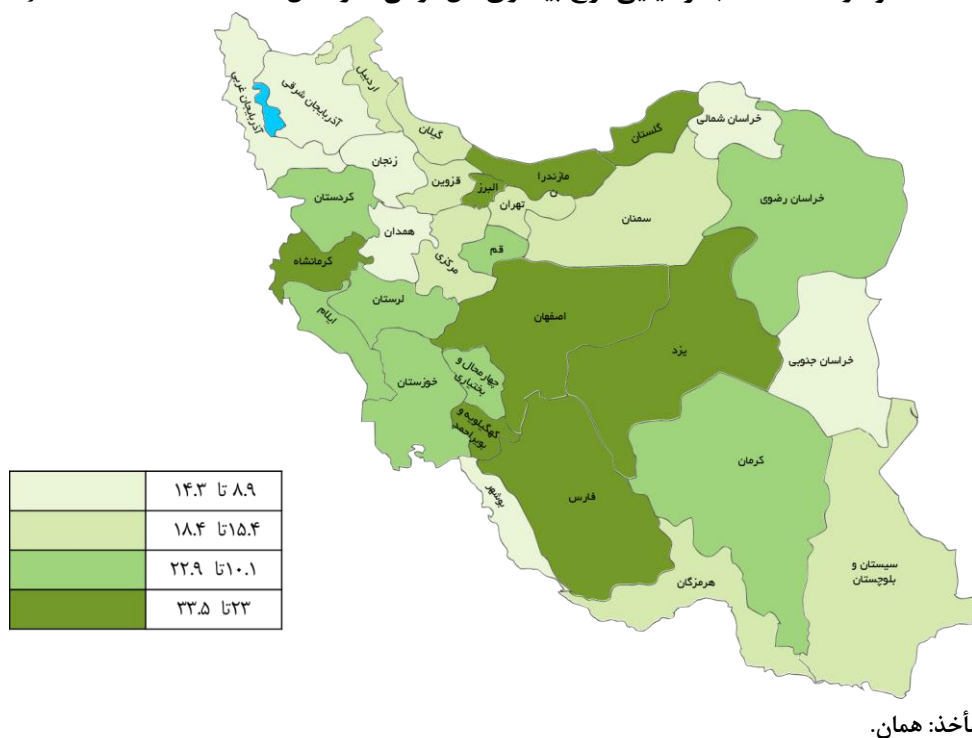
نمودار ۲۴. تعداد بیکاران کل کشور در سال‌های ۱۳۸۴ - ۱۳۹۵ (هزار نفر)



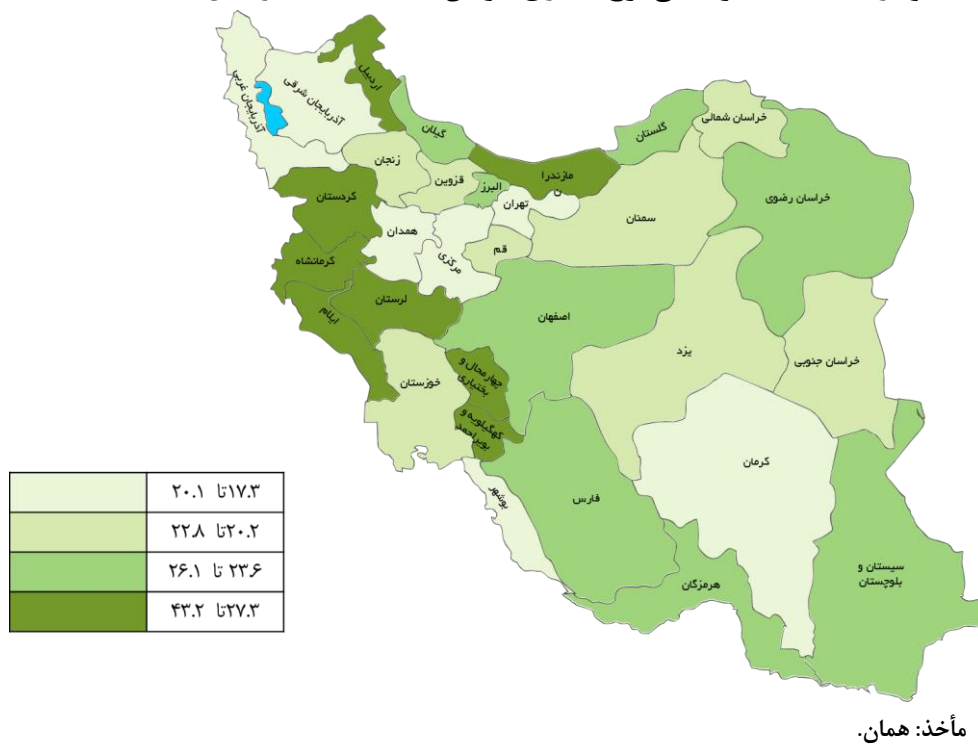
مأخذ: همان.



نمودار ۲۵. نقشه جغرافیایی نرخ بیکاری کل (زنان) در سال ۱۳۹۴ (درصد)

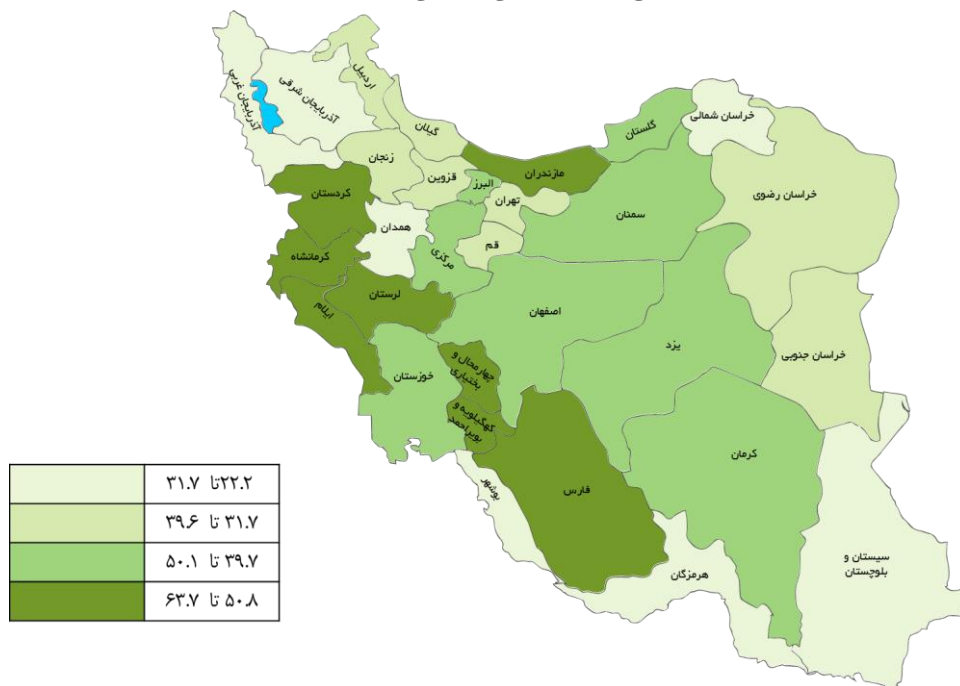


نمودار ۲۶. نقشه جغرافیایی نرخ بیکاری جوانان ۱۵ - ۲۹ ساله در سال ۱۳۹۴ (درصد)



نمودار ۲۷. نقشه نرخ بیکاری زنان جوانان ۱۵ تا ۲۹ ساله در سال ۱۳۹۴

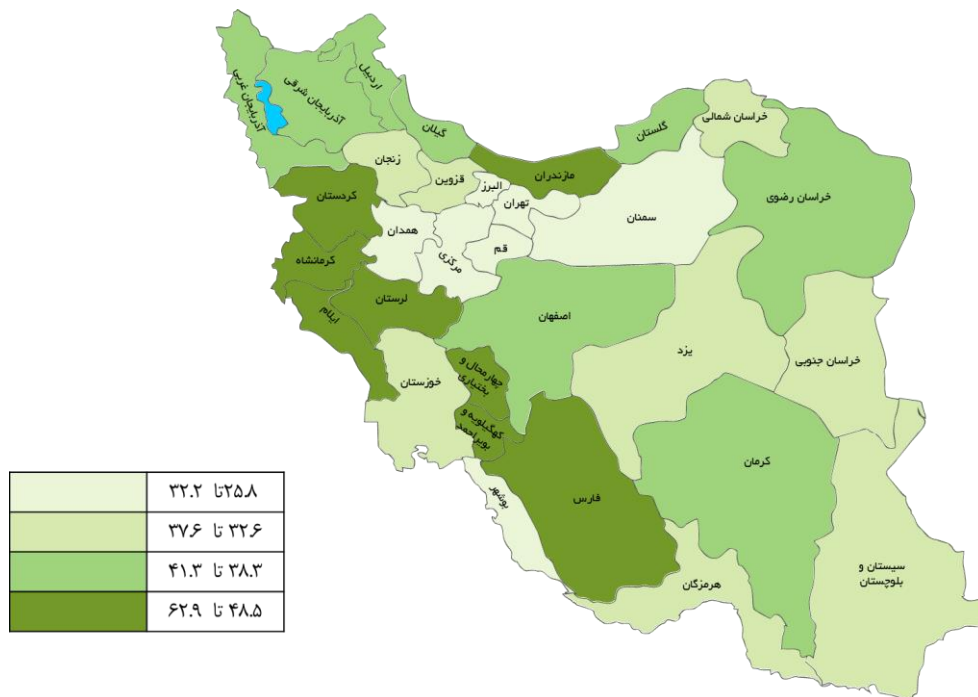
(درصد)



مأخذ: همان.

نمودار ۲۸. نقشه جغرافیایی نرخ بیکاری جوانان ۱۵ تا ۲۹ ساله تحصیلکرده در سال ۱۳۹۴

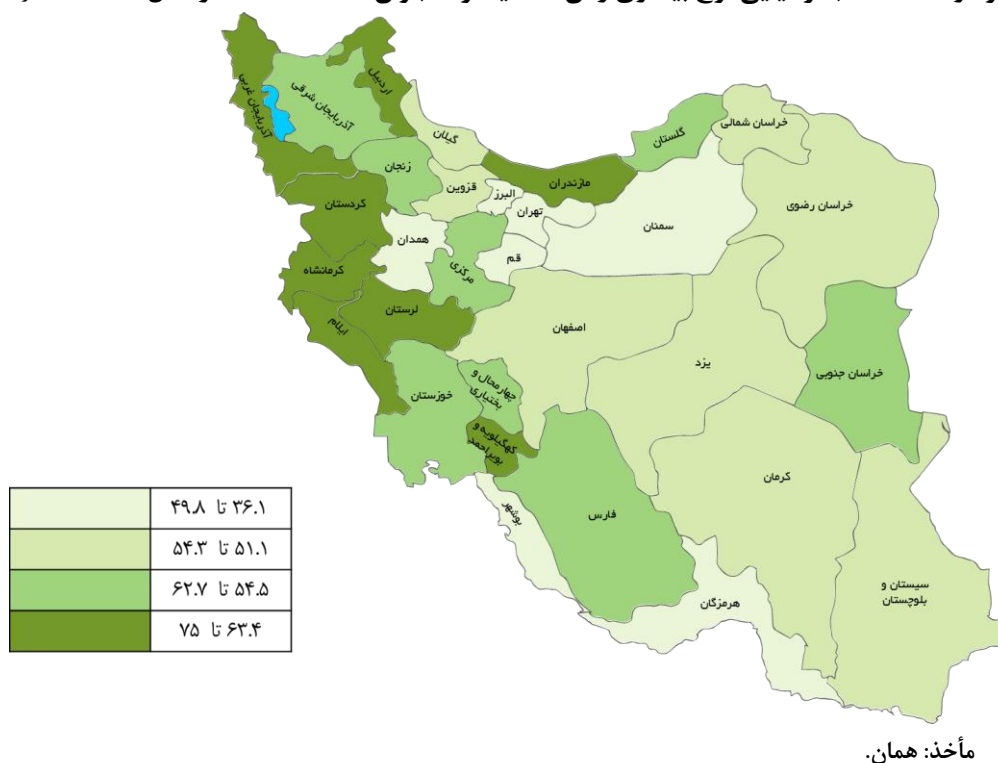
(درصد)



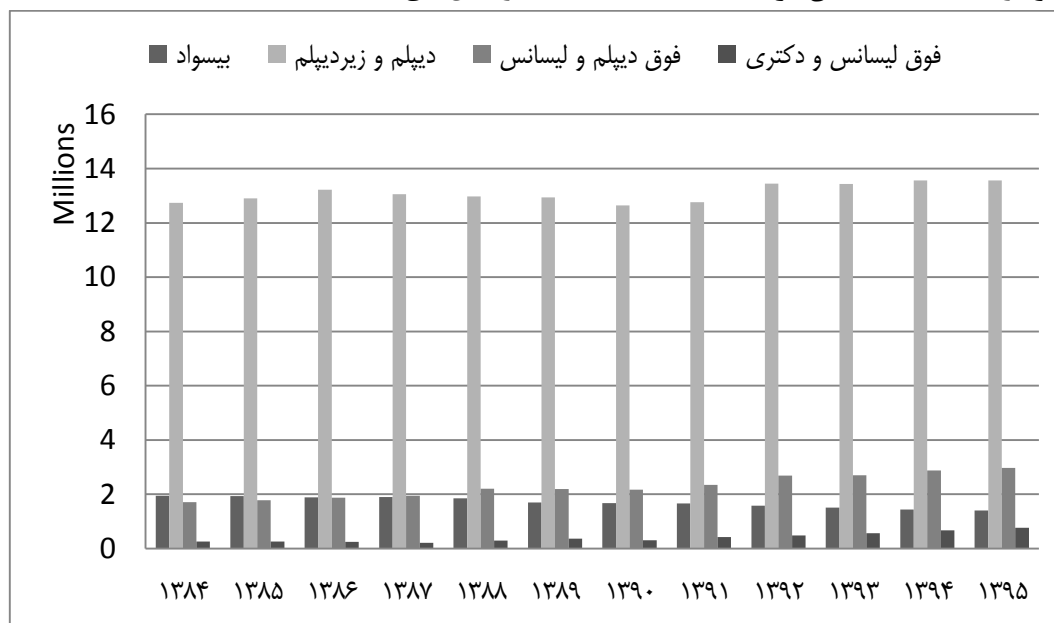
مأخذ: همان.



نمودار ۲۹. نقشه جغرافیایی نرخ بیکاری زنان تحصیلکرده جوان ۱۵ - ۲۹ ساله در سال ۱۳۹۴ (درصد)

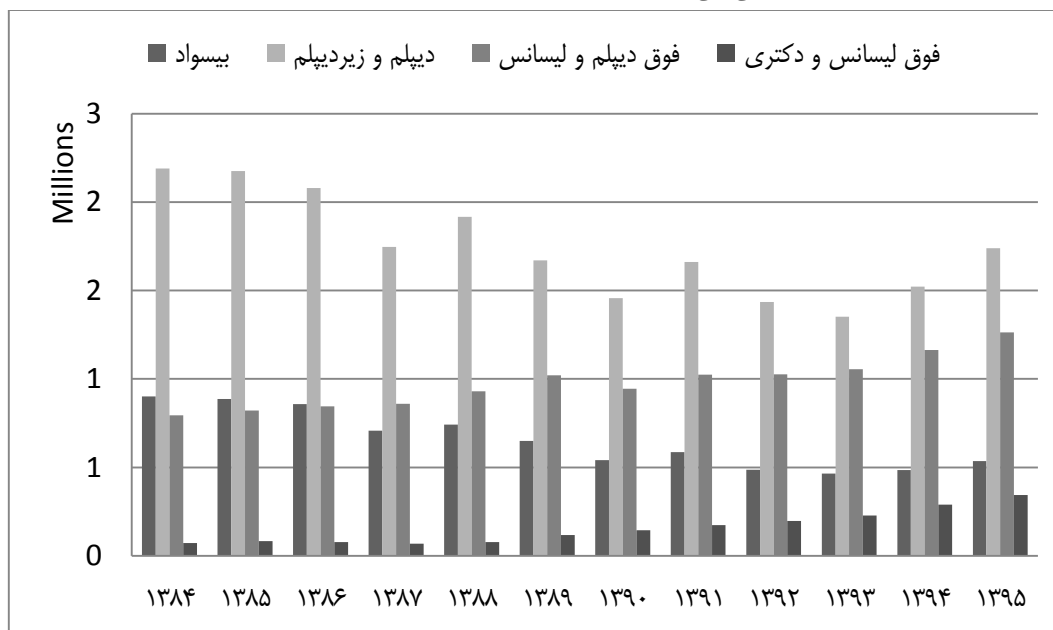


نمودار ۳۰. تعداد شاغلان مرد به تفکیک تحصیلات در سال‌های ۱۳۸۴ - ۱۳۹۵ (میلیون نفر)



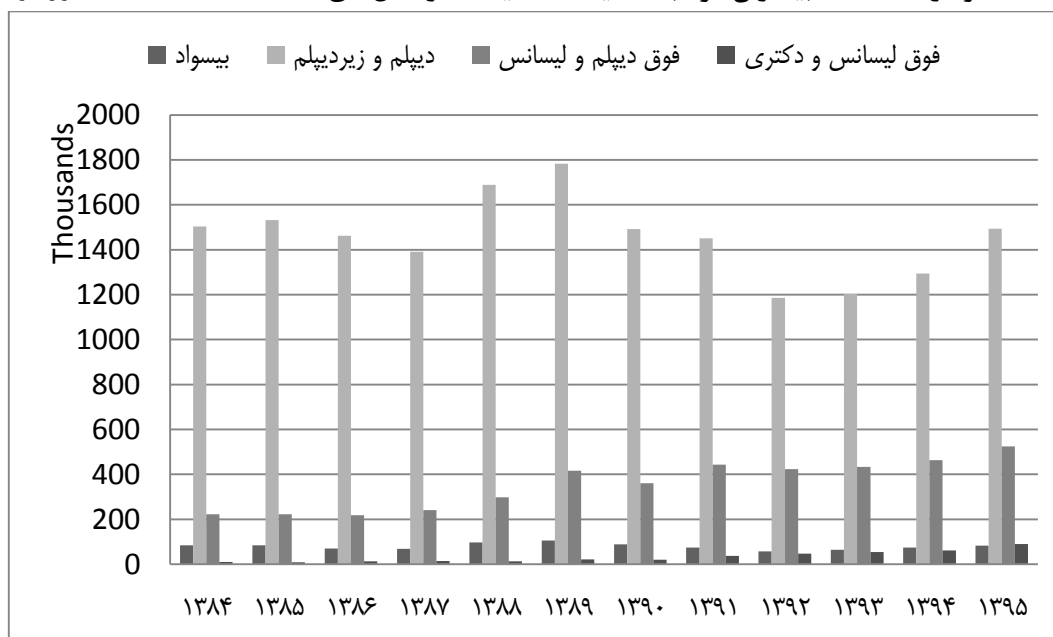
مأخذ: همان.

نمودار ۳۱. تعداد شاغلان زن به تفکیک تحصیلات در سال‌های ۱۳۸۴ - ۱۳۹۵ (میلیون نفر)



مأخذ: همان.

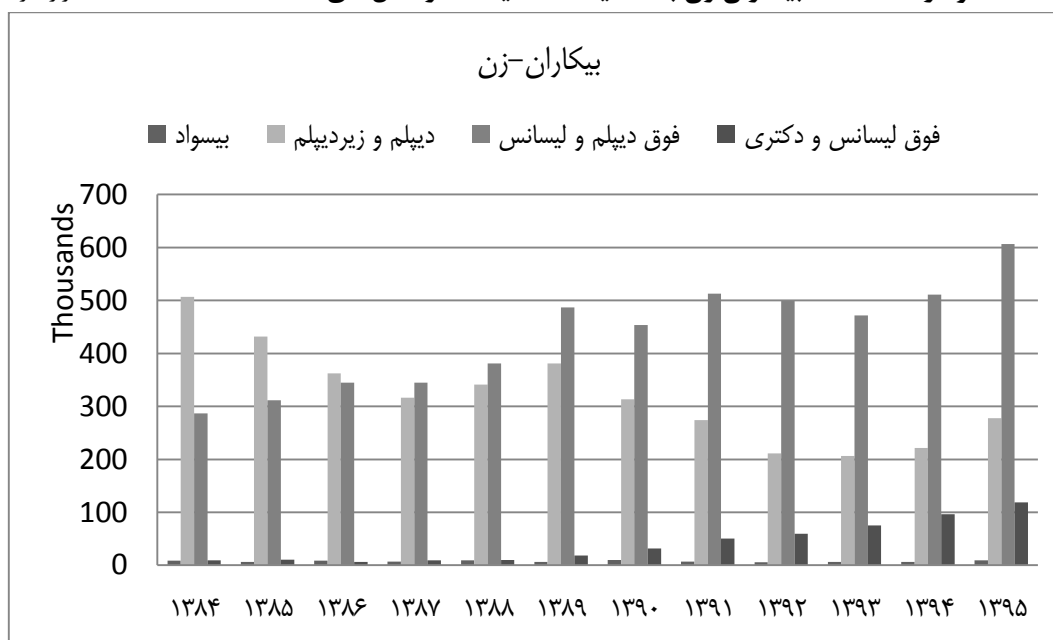
نمودار ۳۲. تعداد بیکاران مرد به تفکیک تحصیلات در سال‌های ۱۳۸۴ - ۱۳۹۵ (هزار نفر)



مأخذ: همان.

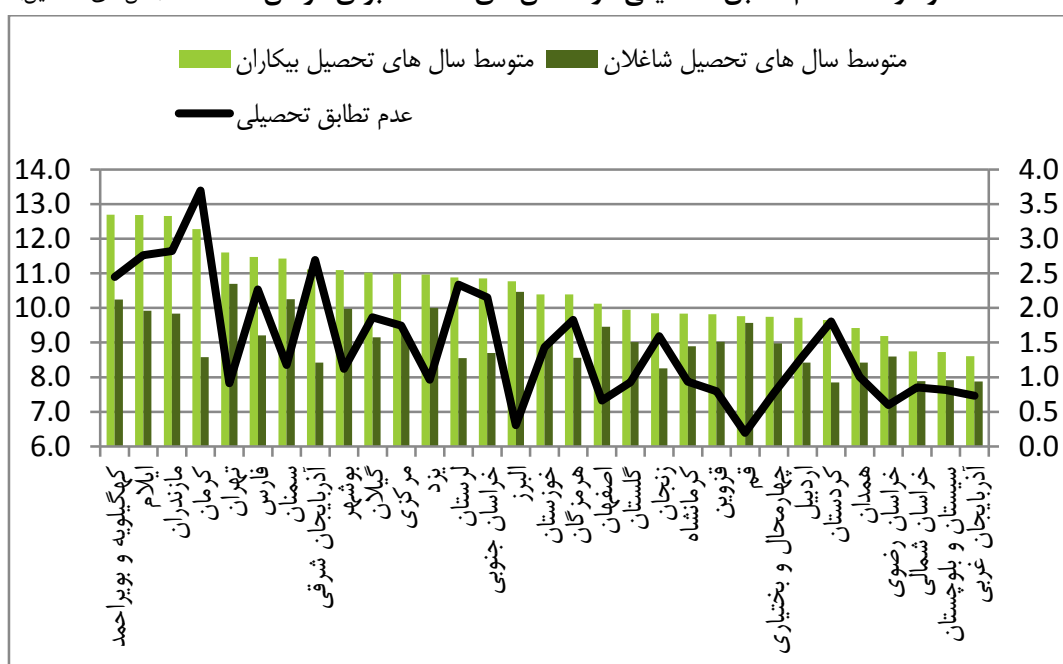


نمودار ۳۳. تعداد بیکاران زن به تفکیک تحصیلات در سال‌های ۱۳۸۴ - ۱۳۹۴ (هزار نفر)



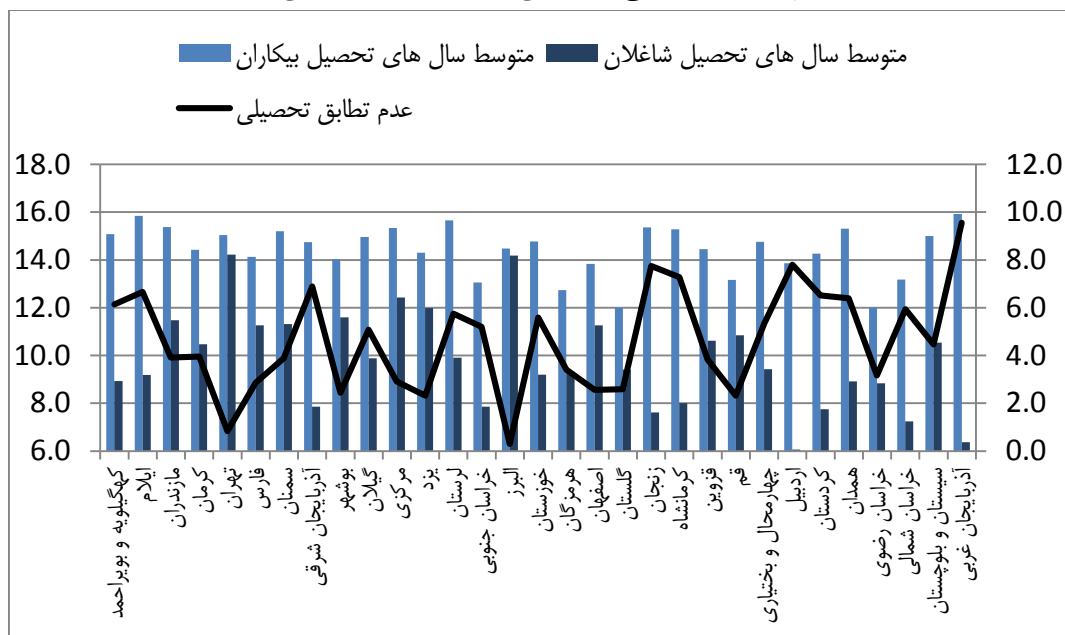
مأخذ: همان.

نمودار ۳۴. عدم تطابق تحصیلی در استان‌های مختلف برای مردان (سال‌های تحصیل)



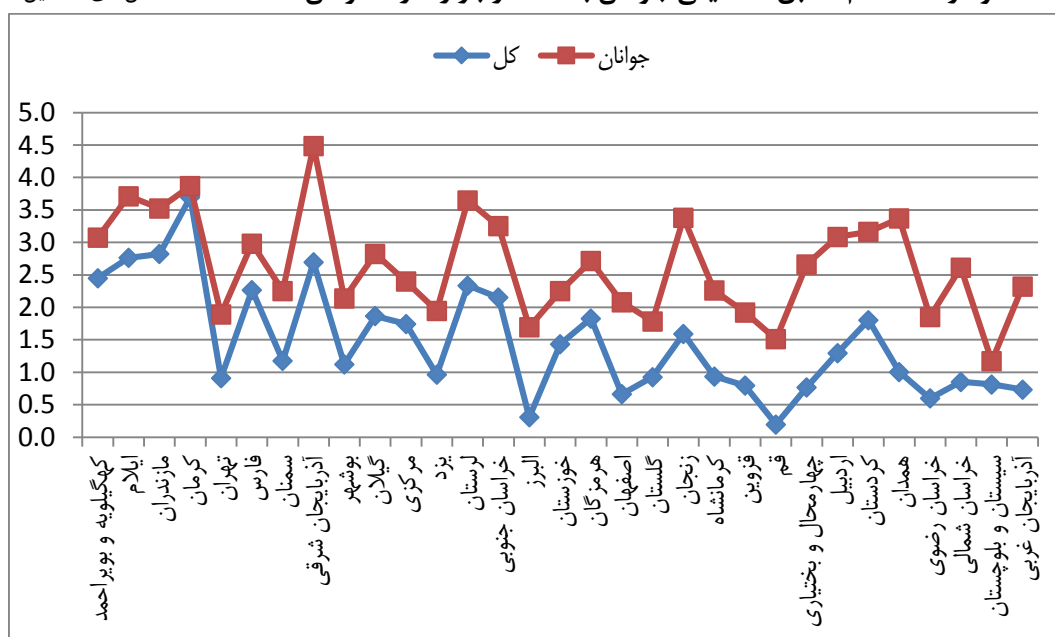
مأخذ: همان.

نمودار ۳۵. عدم تطابق تحصیلی در استان‌های مختلف برای زنان (سال‌های تحصیل)



مأخذ: همان.

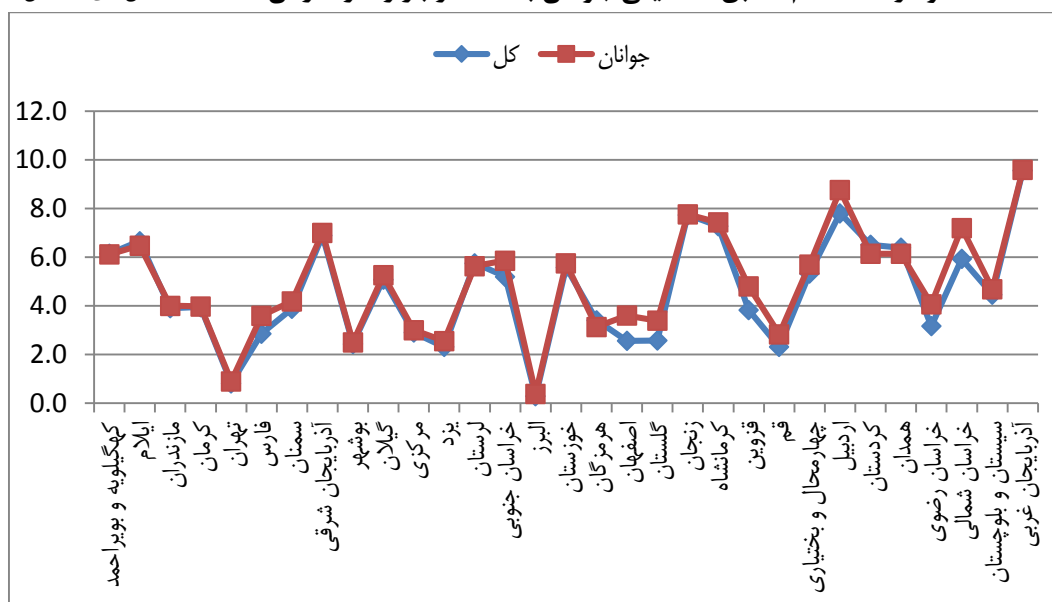
نمودار ۳۶. عدم تطابق تحصیلی جوانان با ساختار بازار کار - مردان (سال‌های تحصیل)



مأخذ: همان.

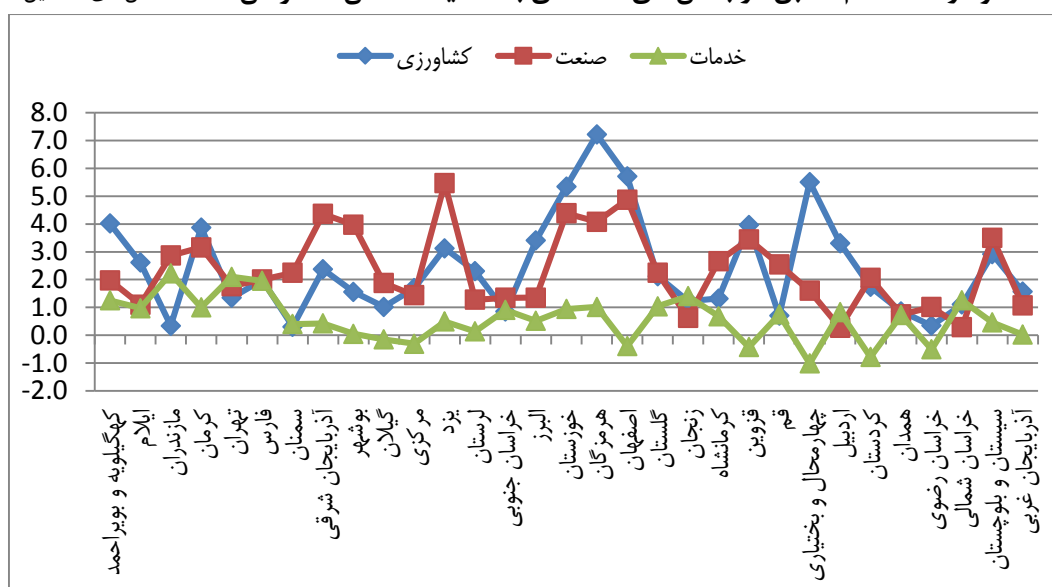


نمودار ۳۷. عدم تطابق تحصیلی جوانان با ساختار بازار کار - زنان (سال‌های تحصیل)



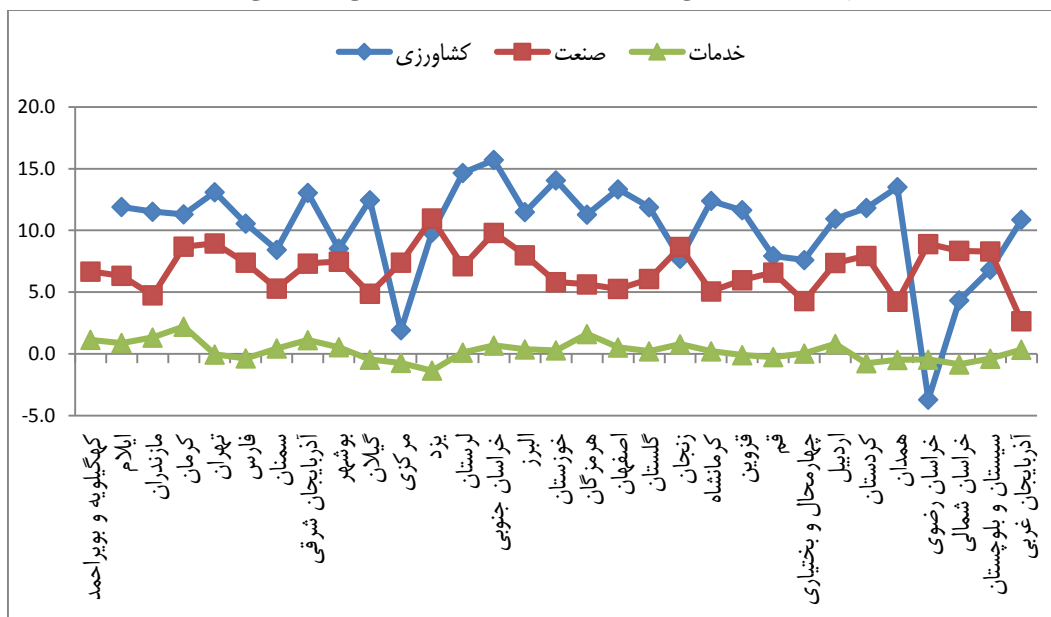
مأخذ: همان.

نمودار ۳۸. عدم تطابق در بخش‌های اقتصادی به تفکیک استان‌ها-مردان (سال‌های تحصیل)



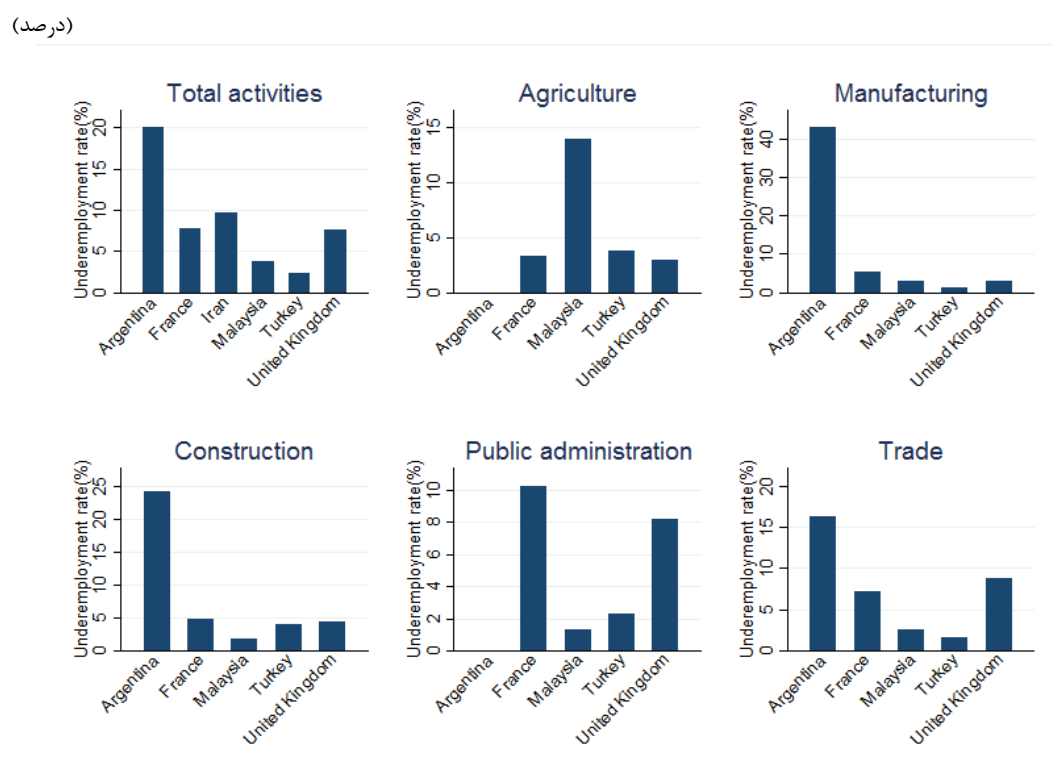
مأخذ: همان.

نمودار ۳۹. عدم تطابق در بخش‌های اقتصادی به تفکیک استان‌ها - زنان (سال‌های تحصیل)

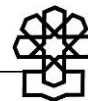


مأخذ: همان.

نمودار ۴۰. اشتغال ناقص در ایران در قیاس با برخی کشورهای منتخب در بخش‌های مختلف (درصد)

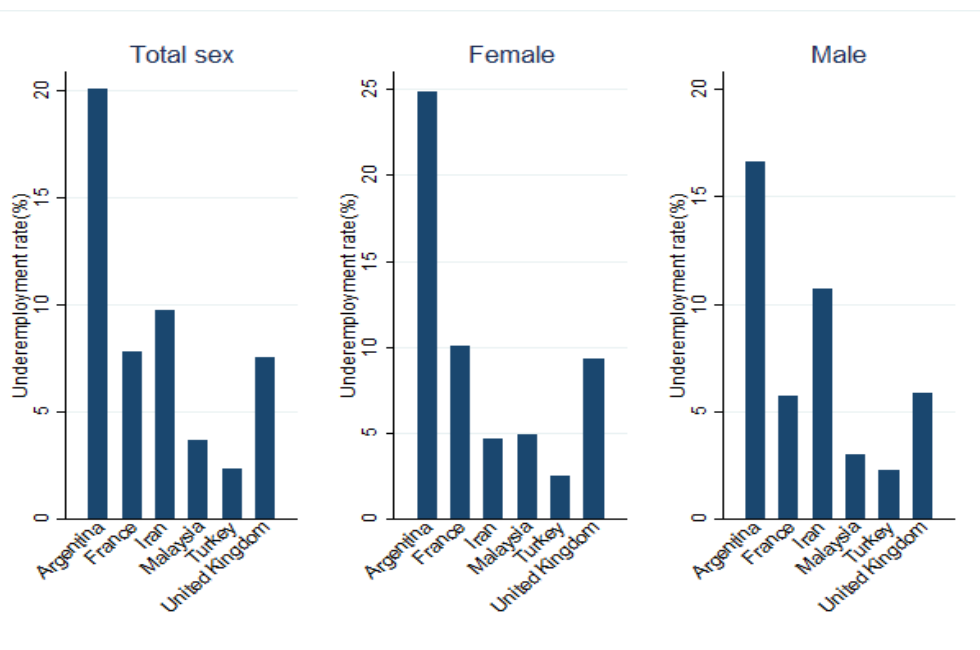


مأخذ: همان.



نمودار ۴۱. اشتغال ناقص در ایران در قیاس با برخی کشورهای منتخب در گروه‌های جنسی

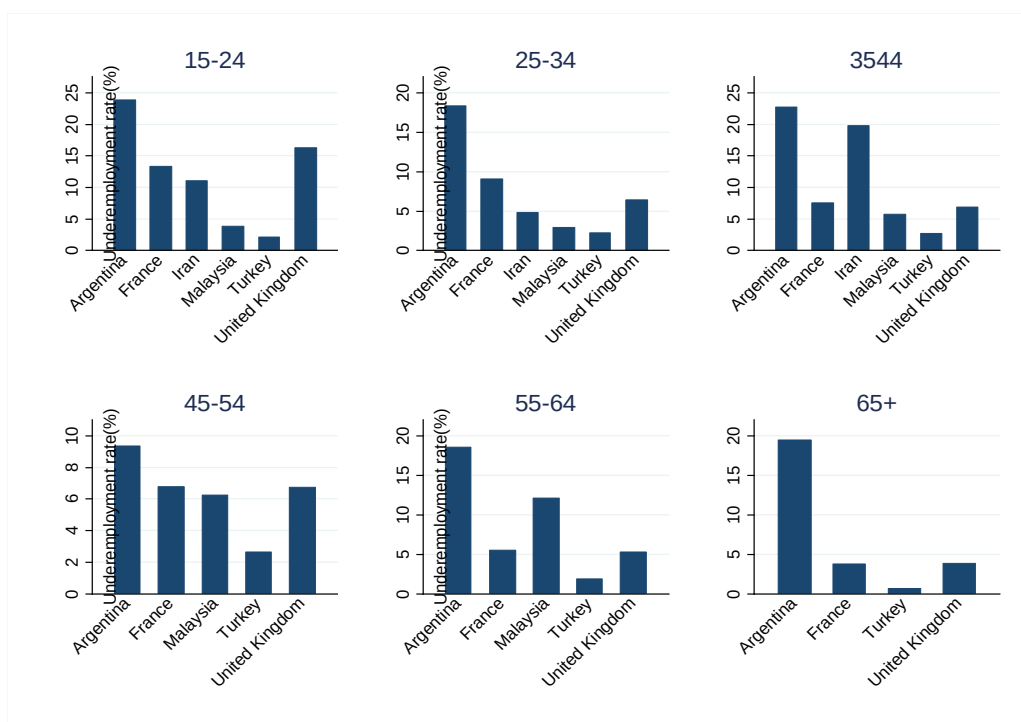
(درصد)



مأخذ: همان.

نمودار ۴۲. اشتغال ناقص در ایران در قیاس با برخی کشورهای منتخب در گروه‌های سنی

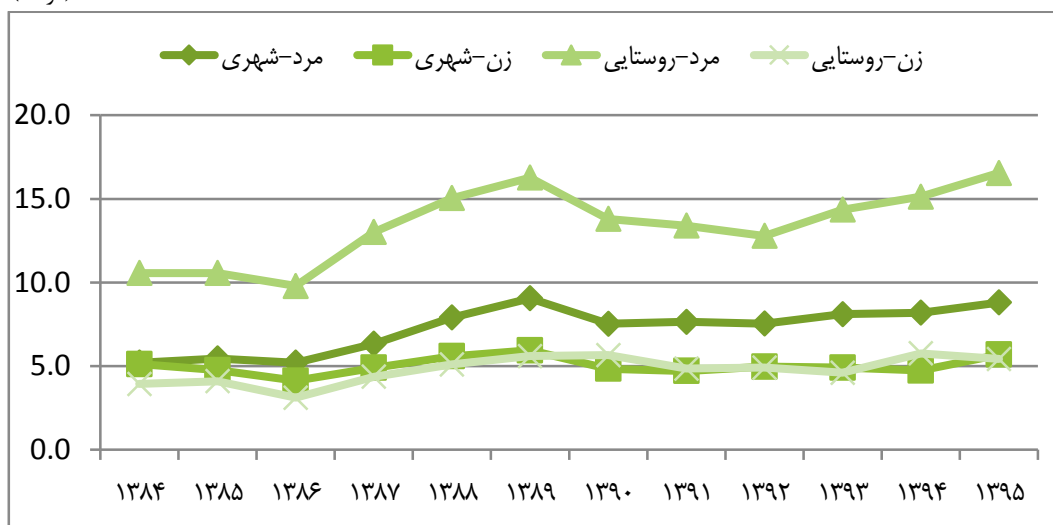
(درصد)



مأخذ: همان.

نمودار ۴۳. نرخ اشتغال ناقص به تفکیک جنسیت و منطقه سکونت در سال‌های ۱۳۸۴ - ۱۳۹۵

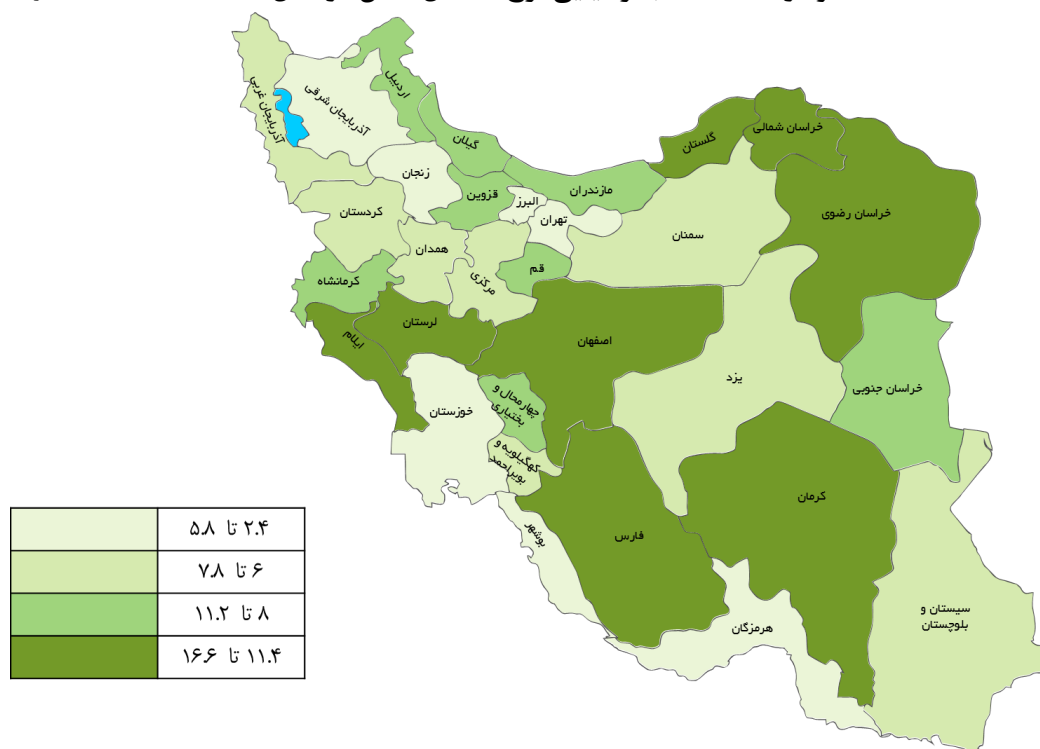
(درصد)



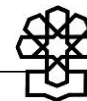
مأخذ: همان.

نمودار ۴۴. نقشه جغرافیایی نرخ اشتغال ناقص در سال ۱۳۹۴

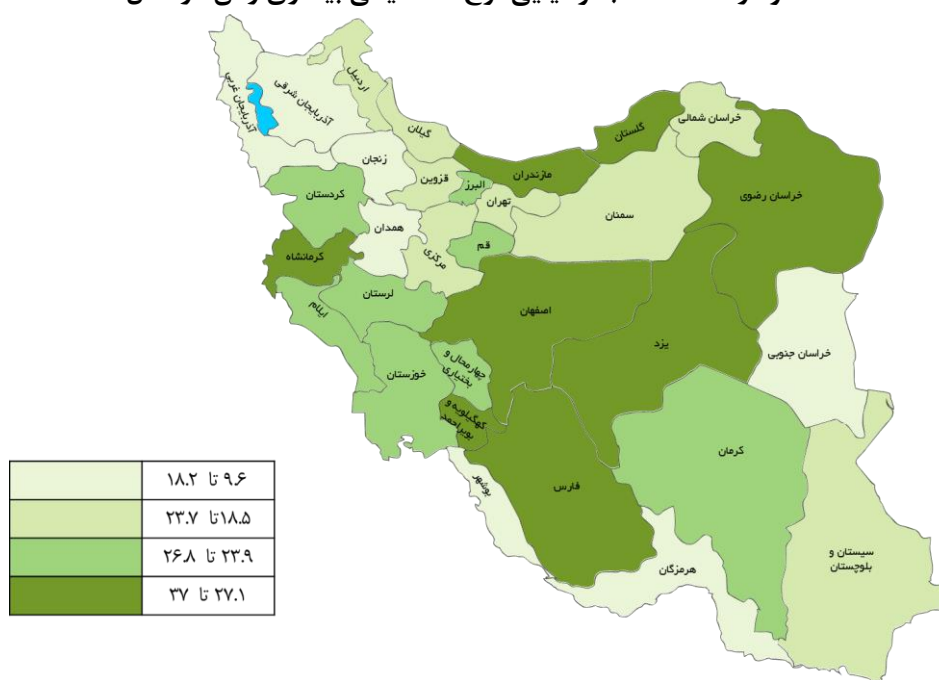
(درصد)



مأخذ: همان.

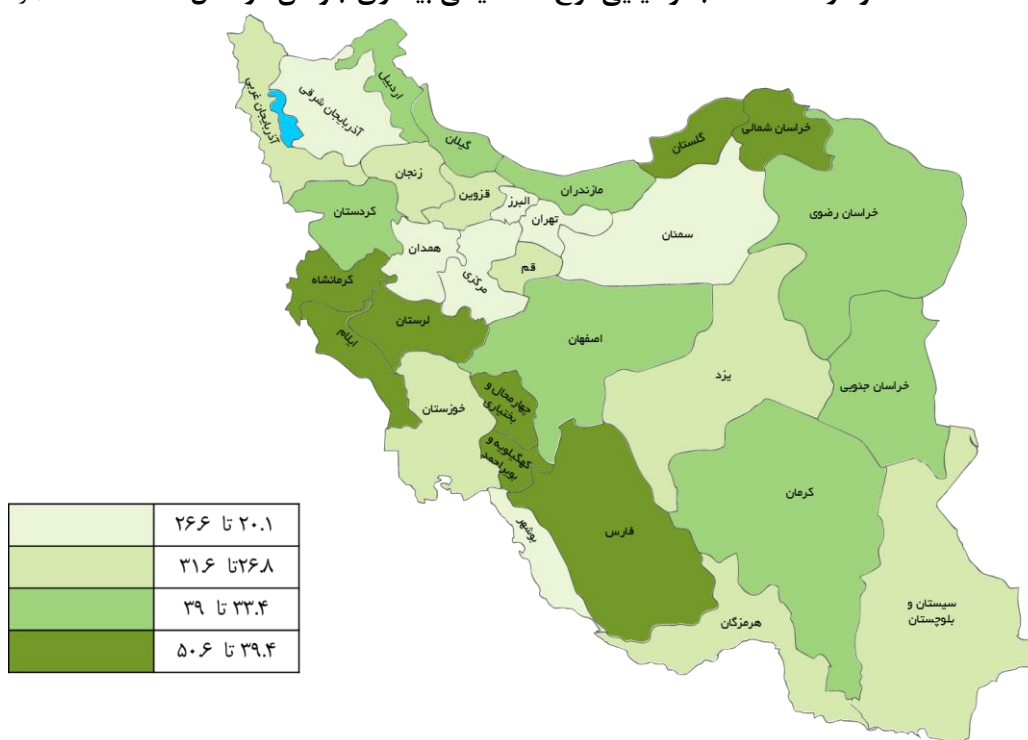


نمودار ۴۵. نقشه جغرافیایی نرخ همسایگی بیکاری زنان در سال ۱۳۹۴ (درصد)



مأخذ: همان.

نمودار ۴۶. نقشه جغرافیایی نرخ همسایگی بیکاری جوانان در سال ۱۳۹۴ (درصد)



مأخذ: همان.

پیوست جداول

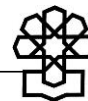
جدول ۱. نرخ مشارکت کل استان‌ها در سال ۱۳۹۵ (درصد)

استان	نرخ مشارکت	استان	نرخ مشارکت
اردبیل	۴۳/۸	سمنان	۳۸/۹
خراسان شمالی	۴۲/۴	هرمزگان	۳۸/۸
خراسان رضوی	۴۲/۱	همدان	۳۸/۶
کردستان	۴۱/۹	کهگیلویه و بویراحمد	۳۸/۶
آذربایجان شرقی	۴۱	خوزستان	۳۸/۵
مازندران	۴۱	گلستان	۳۸/۲
یزد	۴۰/۸	خراسان جنوبی	۳۸
زنجان	۴۰/۸	البرز	۳۷/۸
گیلان	۴۰/۸	کرمان	۳۷/۶
آذربایجان غربی	۴۰/۵	بوشهر	۳۷
اصفهان	۴۰/۴	ایلام	۳۶/۱
تهران	۴۰/۲	قم	۳۵/۸
چهارمحال و بختیاری	۳۹/۴	مرکزی	۳۵/۶
فارس	۳۹/۴	لرستان	۳۵
قزوین	۳۹/۳	سیستان و بلوچستان	۳۱/۱
کرمانشاه	۳۸/۹		

مأخذ: همان

جدول ۲. نرخ مشارکت زنان در استان‌ها در سال ۱۳۹۵ (درصد)

استان	نرخ مشارکت	استان	نرخ مشارکت
خراسان شمالی	۲۱/۹	کرمانشاه	۱۴/۷
اردبیل	۱۹/۹	سمنان	۱۴/۷
خراسان جنوبی	۱۸/۹	گلستان	۱۴/۶
کهگیلویه و بویراحمد	۱۸/۴	آذربایجان غربی	۱۴/۵
گیلان	۱۸	فارس	۱۴/۵
خراسان رضوی	۱۷/۴	خوزستان	۱۴/۴
یزد	۱۷/۲	کردستان	۱۳/۷
هرمزگان	۱۶/۵	قزوین	۱۲/۸
اصفهان	۱۶/۱	همدان	۱۲/۳
چهارمحال و بختیاری	۱۶	البرز	۱۱/۷
مازندران	۱۵/۸	بوشهر	۱۱/۷
زنجان	۱۵/۶	سیستان و بلوچستان	۱۱/۴
آذربایجان شرقی	۱۵/۵	قم	۱۱/۳



استان	نرخ مشارکت	استان	نرخ مشارکت
کرمان	۱۵/۱	لرستان	۱۰/۶
ایلام	۱۵/۱	مرکزی	۷
تهران	۱۵		□

مأخذ: همان.

جدول ۳. نرخ مشارکت جوانان ۱۵ تا ۲۹ ساله در استان‌ها در سال ۱۳۹۵ (درصد)

استان	نرخ مشارکت	استان	نرخ مشارکت
خراسان رضوی	۴۲/۳	گیلان	۳۷/۱
یزد	۴۲	گلستان	۳۶/۷
کردستان	۴۱/۴	البرز	۳۶/۶
مازندران	۴۰/۵	خراسان جنوبی	۳۶/۳
اصفهان	۴۰/۵	سمنان	۳۶/۳
اردبیل	۴۰/۴	خوزستان	۳۶/۲
تهران	۴۰	کرمان	۳۶/۲
کرمانشاه	۳۹/۴	همدان	۳۵/۸
قزوین	۳۹	بوشهر	۳۵/۷
فارس	۳۸/۷	مرکزی	۳۵/۴
خراسان شمالی	۳۸/۴	قم	۳۵
زنجان	۳۸/۴	کهگیلویه و بویراحمد	۳۳/۷
آذربایجان شرقی	۳۸/۳	لرستان	۳۱
آذربایجان غربی	۳۸/۱	ایلام	۲۹/۳
چهارمحال و بختیاری	۳۷/۴	سیستان و بلوچستان	۲۸/۹
هرمزگان	۳۷/۱		□

مأخذ: همان.

جدول ۴. سهم بخش کشاورزی از کل اشتغال در سال ۱۳۹۵ (درصد)

استان	سهم از اشتغال	استان	سهم از اشتغال
خراسان شمالی	۴۰	مازندران	۲۰/۱
اردبیل	۳۵	خوزستان	۱۹/۹
کرمان	۳۴/۱	فارس	۱۹/۸
زنجان	۳۳/۶	قزوین	۱۹/۶
خراسان جنوبی	۳۲/۸	هرمزگان	۱۸/۹

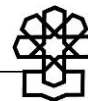
استان	سهم از اشتغال	استان	سهم از اشتغال
آذربایجان غربی	۳۲/۷	سیستان و بلوچستان	۱۸/۲
گلستان	۲۸/۸	چهارمحال و بختیاری	۱۸
کرمانشاه	۲۷/۵	مرکزی	۱۶/۵
همدان	۲۷	سمنان	۱۴/۹
گیلان	۲۶	بوشهر	۱۴/۲
ایلام	۲۴/۴	اصفهان	۱۱
کردستان	۲۴/۳	یزد	۸/۳
لرستان	۲۳/۹	قم	۳/۶
خراسان رضوی	۲۳/۶	البرز	۲/۷
کهگیلویه و بویراحمد	۲۰/۹	تهران	۱/۳
آذربایجان شرقی	۲۰/۱		□

مأخذ: همان.

جدول ۵. سهم بخش صنعت از کل اشتغال در سال ۱۳۹۵ (درصد)

استان	سهم از اشتغال	استان	سهم از اشتغال
اصفهان	۲۹	خوزستان	۱۳
یزد	۲۸/۳	مازندران	۱۳
آذربایجان شرقی	۲۷/۶	گیلان	۱۲/۸
قم	۲۶/۴	کرمان	۱۲/۷
البرز	۲۵/۷	آذربایجان غربی	۱۲/۱
قزوین	۲۳/۹	کهگیلویه و بویراحمد	۱۱/۵
مرکزی	۲۳/۵	اردبیل	۱۱/۴
تهران	۲۱/۵	گلستان	۱۱/۳
سمنان	۲۰/۴	خراسان شمالی	۱۱/۲
زنجان	۱۹/۳	کردستان	۱۰/۵
هرمزگان	۱۷/۹	بوشهر	۱۰/۳
چهارمحال و بختیاری	۱۶/۷	سیستان و بلوچستان	۹/۸
خراسان رضوی	۱۵/۹	کرمانشاه	۹/۲
همدان	۱۵/۲	ایلام	۸/۴
خراسان جنوبی	۱۳/۹	لرستان	۷
فارس	۱۳/۴		□

مأخذ: همان.



جدول ۶. سهم بخش ساختمان از کل اشتغال در سال ۱۳۹۵ (درصد)

استان	سهم از اشتغال	استان	سهم از اشتغال
لرستان	۲۳/۶	بوشهر	۱۴/۲
چهارمحال و بختیاری	۲۳/۳	گلستان	۱۴/۱
سیستان و بلوچستان	۱۹/۳	هرمزگان	۱۳/۹
ایلام	۱۸/۹	سمنان	۱۳/۶
کهگیلویه و بویراحمد	۱۷/۹	کرمان	۱۳/۶
مرکزی	۱۷/۸	کرمانشاه	۱۳/۲
یزد	۱۷/۲	همدان	۱۲/۹
البرز	۱۷/۱	خراسان شمالی	۱۲/۸
فارس	۱۶/۵	اردبیل	۱۲/۳
قم	۱۵/۹	آذربایجان شرقی	۱۲/۲
خوزستان	۱۵/۷	تهران	۱۲
مازندران	۱۵/۳	گیلان	۱۱/۹
خراسان رضوی	۱۵	زنجان	۱۱/۷
کردستان	۱۴/۷	قزوین	۱۱/۵
اصفهان	۱۴/۶	آذربایجان غربی	۱۰/۲
خراسان جنوبی	۱۴/۶		□

مأخذ: همان.

جدول ۷. سهم بخش خدمات از کل اشتغال در سال ۱۳۹۵ (درصد)

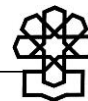
استان	سهم از اشتغال	استان	سهم از اشتغال
تهران	۶۵/۳	گلستان	۴۵/۸
بوشهر	۶۱/۳	خراسان رضوی	۴۵/۵
البرز	۵۴/۵	لرستان	۴۵/۵
قم	۵۴/۱	اصفهان	۴۵/۴
سیستان و بلوچستان	۵۲/۶	قزوین	۴۴/۹
مازندران	۵۱/۷	همدان	۴۴/۹
خوزستان	۵۱/۴	آذربایجان غربی	۴۴/۹
سمنان	۵۱	مرکزی	۴۲/۲
کردستان	۵۰/۵	چهارمحال و بختیاری	۴۲
فارس	۵۰/۳	اردبیل	۴۱/۳
کرمانشاه	۵۰/۱	آذربایجان شرقی	۴۰/۱

استان	سهم از اشتغال	استان	سهم از اشتغال
کهگیلویه و بویراحمد	۴۹/۷	کرمان	۳۹/۶
گیلان	۴۹/۴	خراسان جنوبی	۳۸/۷
هرمزگان	۴۹/۲	خراسان شمالی	۳۶
ایلام	۴۸/۳	زنجان	۳۵/۴
یزد	۴۶/۳		□

مأخذ: همان.

جدول ۸. سهم استان‌ها از جمعیت در سن کار، بیکاران و شاغلان (درصد)

استان	سهم از جمعیت ده سال و بیشتر	سهم از بیکاران	سهم از شاغلان
تهران	۱۶/۹	۱۶/۲	۱۶/۹
خراسان رضوی	۸/۱	۹/۲	۸/۱
اصفهان	۶/۷	۸/۱	۶/۷
فارس	۶/۲	۵/۷	۶/۲
خوزستان	۶	۶	۶
آذربایجان شرقی	۵	۴/۵	۵
مازندران	۴/۲	۴/۱	۴/۲
آذربایجان غربی	۴	۳/۷	۴
کرمان	۳/۷	۳/۲	۳/۷
گیلان	۳/۴	۳/۲	۳/۴
البرز	۳/۴	۳/۷	۳/۴
سیستان و بلوچستان	۲/۹	۲/۴	۲/۹
کرمانشاه	۲/۶	۴/۵	۲/۶
لرستان	۲/۳	۲/۲	۲/۳
گلستان	۲/۳	۲/۲	۲/۳
همدان	۲/۲	۱/۷	۲/۲
هرمزگان	۲	۱/۷	۲
کردستان	۲	۲/۵	۲
مرکزی	۱/۹	۱	۱/۹
اردبیل	۱/۶	۲/۲	۱/۶
قزوین	۱/۶	۱/۵	۱/۶
قم	۱/۶	۱/۳	۱/۶
یزد	۱/۳	۱/۴	۱/۳



استان	سهم از جمعیت ده سال و بیشتر	سهم از بیکاران	سهم از شاغلان
زنجان	۱/۳	۱/۱	۱/۴
بوشهر	۱/۳	۱/۱	۱/۲
چهارمحال و بختیاری	۱/۲	۲	۱/۱
خراسان شمالی	۱	۱	۱/۱
خراسان جنوبی	۱	۰/۸	۱
کهگیلویه و بویراحمد	۰/۸	۰/۹	۰/۸
سمنان	۰/۸	۰/۵	۰/۸
ایلام	۰/۷	۰/۶	۰/۷

مأخذ: همان.

جدول ۹. نرخ بیکاری کل استان‌ها در سال ۱۳۹۵ (درصد)

استان	نرخ بیکاری	استان	نرخ بیکاری
کرمانشاه	۲۲	ایلام	۱۱/۶
چهارمحال و بختیاری	۲۰/۲	کرمان	۱۱/۵
اردبیل	۱۵/۳	فارس	۱۱/۴
کردستان	۱۵/۲	گیلان	۱۱/۳
اصفهان	۱۴/۶	بوشهر	۱۱/۳
البرز	۱۴/۳	قم	۱۱/۲
کهگیلویه و بویراحمد	۱۳/۳	خراسان شمالی	۱۱/۲
خراسان رضوی	۱۳/۲	آذربایجان غربی	۱۱
لرستان	۱۳	آذربایجان شرقی	۱۰/۸
سیستان و بلوچستان	۱۲/۹	خراسان جنوبی	۱۰/۷
یزد	۱۲/۸	هرمزگان	۱۰/۳
خوزستان	۱۲/۷	زنجان	۹/۷
گلستان	۱۲/۶	همدان	۹/۵
تهران	۱۱/۶	سمنان	۸/۶
مازندران	۱۱/۶	مرکزی	۷/۳
قزوین	۱۱/۶		□

مأخذ: همان.

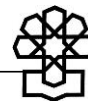
جدول ۱۰. نرخ بیکاری زنان کل استان‌ها در سال ۱۳۹۵ (درصد)

استان	نرخ بیکاری	استان	نرخ بیکاری
کرمان	۲۸/۲	خراسان جنوبی	۲۰/۵
البرز	۲۷/۲	قم	۱۹/۵
یزد	۲۷	سیستان و بلوچستان	۱۸/۷
مازندران	۲۶/۴	اردبیل	۱۶/۶
لرستان	۲۶/۲	بوشهر	۱۶/۶
کردستان	۲۵/۸	گیلان	۱۶/۶
چهارمحال و بختیاری	۲۵/۲	سمنان	۱۵/۸
گلستان	۲۴/۸	آذربایجان شرقی	۱۵
کرمانشاه	۲۳/۹	مرکزی	۱۴
اصفهان	۲۳/۱	همدان	۱۳/۲
خوزستان	۲۲/۸	قزوین	۱۲/۲
فارس	۲۲/۳	هرمزگان	۱۱/۸
تهران	۲۲/۲	زنجان	۱۱/۳
ایلام	۲۲	خراسان شمالی	۹/۵
خراسان رضوی	۲۲	آذربایجان غربی	۸/۲
کهگیلویه و بویراحمد	۲۰/۸		□

مأخذ: همان.

جدول ۱۱. نرخ بیکاری جوانان ۱۵ تا ۲۹ ساله استان‌ها در سال ۱۳۹۵

استان	نرخ بیکاری	استان	نرخ بیکاری
چهارمحال و بختیاری	۳۹/۶	اصفهان	۲۵/۵
کرمانشاه	۳۸/۹	یزد	۲۴/۹
کردستان	۳۳/۴	آذربایجان شرقی	۲۴/۳
اردبیل	۳۱/۲	خراسان شمالی	۲۳/۸
ایلام	۳۰/۷	تهران	۲۳/۶
مازندران	۳۰/۲	خراسان رضوی	۲۳/۵
کهگیلویه و بویراحمد	۳۰/۱	بوشهر	۲۳/۴
گیلان	۲۹	قزوین	۲۳/۱
کرمان	۲۸/۸	سمنان	۲۲
گلستان	۲۸/۶	آذربایجان غربی	۲۱/۹
لرستان	۲۸/۴	هرمزگان	۲۱/۶



استان	نرخ بیکاری	استان	نرخ بیکاری
خوزستان	۲۸/۲	زنجان	۲۱/۲
سیستان و بلوچستان	۲۶/۳	همدان	۲۰/۶
البرز	۲۶/۳	قم	۱۹/۷
خراسان جنوبی	۲۶/۱	مرکزی	۱۹/۶
فارس	۲۵/۵		□

مأخذ: همان.

جدول ۱۲. نرخ بیکاری زنان ۱۵ تا ۲۹ ساله استان‌ها در سال ۱۳۹۵

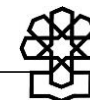
استان	نرخ بیکاری	استان	نرخ بیکاری
چهارمحال و بختیاری	۶۱/۲	خراسان رضوی	۴۲/۵
لرستان	۵۹/۶	کهگیلویه و بویراحمد	۴۲/۳
ایلام	۵۷/۸	فارس	۴۱/۴
کردستان	۵۶/۸	تهران	۴۰/۸
کرمان	۵۶/۱	همدان	۳۶/۵
مازندران	۵۴/۱	قم	۳۴/۶
یزد	۵۱/۱	سیستان و بلوچستان	۳۴/۴
خوزستان	۴۸/۴	بوشهر	۳۳
خراسان جنوبی	۴۷/۵	سمنان	۳۲/۷
گلستان	۴۶/۸	زنجان	۳۱/۹
کرمانشاه	۴۵/۵	آذربایجان شرقی	۳۰/۴
مرکزی	۴۵	قزوین	۲۶/۶
اصفهان	۴۴/۲	خراسان شمالی	۲۵
گیلان	۴۳/۹	آذربایجان غربی	۲۴/۵
البرز	۴۳/۶	هرمزگان	۱۹/۴
اردبیل	۴۳/۶		□

مأخذ: همان.

جدول ۱۳. نرخ بیکاری زنان ۱۵ تا ۲۹ ساله تحصیلکرده استان‌ها در سال ۱۳۹۵

استان	نرخ بیکاری	استان	نرخ بیکاری
کردستان	۷۸	آذربایجان غربی	۵۳/۵
کرمانشاه	۷۳/۹	مرکزی	۵۳/۲
خراسان جنوبی	۷۲/۷	گلستان	۵۲
چهارمحال و بختیاری	۷۱/۸	خراسان رضوی	۵۱/۷
اردبیل	۷۰/۱	قم	۵۱/۲
لرستان	۷۰/۱	همدان	۵۰/۸
ایلام	۶۹/۳	اصفهان	۵۰/۶
خوزستان	۶۸/۶	فارس	۵۰/۵
کرمان	۶۷/۹	خراسان شمالی	۴۷/۵
آذربایجان شرقی	۶۳/۷	البرز	۴۳/۶
مازندران	۶۱/۳	تهران	۴۳/۲
زنجان	۵۸/۸	سمنان	۴۱/۸
یزد	۵۸/۷	بوشهر	۳۷/۲
سیستان و بلوچستان	۵۸	قزوین	۳۴/۳
کهگیلویه و بویراحمد	۵۷/۴	هرمزگان	۲۳/۲
گیلان	۵۴/۴		

مأخذ: همان.



جدول ۱۴. نرخ اشتغال ناقص به تفکیک جنسیت، منطقه سکونت و بازه سنی در سال ۱۳۹۵

شهری										روستایی									
مرد					زن					مرد					زن				
۱۰-۱۹	۲۰-۲۹	۳۰-۳۹	۴۰-۴۹	+۵۰	۱۰-۱۹	۲۰-۲۹	۳۰-۳۹	۴۰-۴۹	+۵۰	۱۰-۱۹	۲۰-۲۹	۳۰-۳۹	۴۰-۴۹	+۵۰	۱۰-۱۹	۲۰-۲۹	۳۰-۳۹	۴۰-۴۹	+۵۰
۶/۴	۶/۱	۵/۳	۴/۴	۴/۱	۵/۹	۶/۶	۴/۷	۳/۸	۳/۸	۸/۸	۱۳/۱	۱۲/۶	۱۰/۲	۶/۶	۳/۷	۵/۵	۴/۸	۳/۲	۱/۴
۷/۲	۶/۱	۵/۹	۴/۷	۴/۲	۶/۱	۶/۲	۴/۳	۳/۵	۳/۴	۹/۳	۱۲/۵	۱۲/۳	۱۰/۷	۶/۷	۴/۶	۶	۴/۷	۲/۸	۱/۴
۷	۶/۱	۵/۳	۴/۴	۴/۲	۴	۵/۷	۳/۸	۲/۹	۲/۳	۷/۹	۱۱/۷	۱۱/۵	۱۰/۴	۶/۱	۲/۹	۴/۵	۳/۵	۲/۵	۱/۵
۷/۹	۷/۲	۶/۵	۵/۷	۵/۳	۵/۹	۶/۵	۴/۷	۳/۵	۲/۷	۱۱/۴	۱۵/۱	۱۴/۲	۱۳/۹	۹/۱	۵/۵	۶/۹	۴/۴	۲/۹	۲
۹/۵	۹/۸	۷/۶	۷/۳	۵/۹	۱۶/۳	۶/۱	۵	۴/۶	۳/۷	۱۳	۱۸/۴	۱۷/۵	۱۴/۶	۹/۱	۵/۳	۷/۱	۶/۵	۴	۲/۱
۱۲/۶	۱۰/۷	۹/۱	۸	۷/۴	۷/۳	۷/۸	۵/۷	۳/۹	۵/۹	۱۴/۵	۱۹/۸	۱۹/۳	۱۶/۳	۹/۱	۶/۴	۷/۶	۶/۹	۵/۱	۲/۲
۹/۳	۹/۲	۷/۹	۶/۵	۵/۶	۶/۲	۶/۱	۴/۶	۳/۸	۴/۴	۱۳/۹	۱۷	۱۶/۲	۱۲/۹	۸/۴	۵/۸	۸/۶	۶/۳	۴/۵	۳
۸/۹	۸/۸	۷/۸	۶/۸	۶/۸	۶/۴	۷/۳	۴/۳	۲/۷	۳/۴	۱۳	۱۶/۹	۱۵/۲	۱۳/۱	۸/۱	۳/۷	۶/۲	۶/۶	۴/۱	۲/۷
۸/۹	۹/۶	۷/۷	۶/۲	۵/۸	۵/۹	۷/۲	۵/۳	۲/۸	۳	۱۲/۷	۱۶/۳	۱۴/۳	۱۲/۴	۶/۹	۵/۸	۶/۲	۵/۴	۴/۸	۲/۸
۹/۳	۱۰/۱	۸/۳	۷	۶/۵	۶	۶/۴	۵/۲	۳/۶	۳/۲	۱۲/۷	۱۸/۲	۱۶/۹	۱۳/۵	۸	۵/۲	۵/۴	۶/۴	۳/۸	۲/۴
۸/۵	۹/۴	۸/۳	۷/۶	۷/۳	۵/۸	۶	۴/۸	۳/۹	۳/۶	۱۲/۶	۱۸/۸	۱۸	۱۴/۵	۹	۹/۱	۷/۹	۷	۵/۳	۲/۴
۸/۴	۱۰/۵	۸/۷	۸/۴	۷/۵	۶	۷/۲	۶/۳	۴	۴/۸	۱۵	۲۰/۸	۱۸/۸	۱۶/۵	۱۰/۲	۶/۴	۷/۱	۷/۳	۴/۸	۲/۴

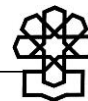
جدول ۱۵. نرخ اشتغال ناقص استان‌ها در سال ۱۳۹۵ (سهم شاغلان ناقص از جمعیت فعال)

استان	نرخ	استان	نرخ
خراسان شمالی	۱۷/۷	کردستان	۸/۸
لرستان	۱۷/۳	گیلان	۸/۳
گلستان	۱۵/۱	کرمان	۸/۲
ایلام	۱۴/۲	آذربایجان شرقی	۷/۶
اصفهان	۱۳/۲	آذربایجان غربی	۷/۵
خراسان رضوی	۱۳/۱	مازندران	۷/۳
کرمانشاه	۱۲/۹	سمنان	۷/۱
قزوین	۱۲/۸	خوزستان	۶/۹
فارس	۱۲/۶	مرکزی	۶/۸
کهگیلویه و بویراحمد	۱۲/۳	بوشهر	۶/۲
اردبیل	۱۱/۹	زنجان	۵/۸
همدان	۱۱/۶	هرمزگان	۴/۲
چهارمحال و بختیاری	۱۱/۱	یزد	۴
قم	۱۰/۲	تهران	۳/۲
خراسان جنوبی	۱۰/۲	البرز	۳
سیستان و بلوچستان	۸/۸		□

مأخذ: همان.

جدول ۱۶. نرخ همسایگی بیکاری استان‌ها در سال ۱۳۹۵ (نرخ بیکاری + نرخ اشتغال ناقص)

استان	نرخ	استان	نرخ
کرمانشاه	۳۴/۹	خراسان جنوبی	۲۰/۸
چهارمحال و بختیاری	۳۱/۳	کرمان	۱۹/۶
لرستان	۳۰/۲	گیلان	۱۹/۶
خراسان شمالی	۲۸/۹	خوزستان	۱۹/۶
اصفهان	۲۷/۸	مازندران	۱۸/۹
گلستان	۲۷/۷	آذربایجان غربی	۱۸/۵
اردبیل	۲۷/۱	آذربایجان شرقی	۱۸/۵



نرخ	استان	نرخ	استان
۱۷/۵	بوشهر	۲۶/۳	خراسان رضوی
۱۷/۳	البرز	۲۵/۸	ایلام
۱۶/۸	یزد	۲۵/۶	کهگیلویه و بویراحمد
۱۵/۷	سمنان	۲۴/۴	قزوین
۱۵/۵	زنجان	۲۴	فارس
۱۴/۸	تهران	۲۴	کردستان
۱۴/۵	هرمزگان	۲۱/۷	سیستان و بلوچستان
۱۴/۱	مرکزی	۲۱/۴	قم
□		۲۱/۱	همدان

مأخذ: همان.

جدول ۱۷. نرخ همسایگی بیکاری زنان استان‌ها در سال ۱۳۹۵ (نرخ بیکاری + نرخ اشتغال ناقص)

نرخ	استان	نرخ	استان
۲۵/۲	ایلام	۳۵/۶	گلستان
۲۴/۷	قم	۳۰/۶	کرمان
۲۴/۴	کهگیلویه و بویراحمد	۳۰	خراسان رضوی
۲۲/۲	سیستان و بلوچستان	۲۹/۸	چهارمحال و بختیاری
۲۰/۹	بوشهر	۲۹/۷	یزد
۲۰/۷	گیلان	۲۹/۵	اصفهان
۱۹/۳	سمنان	۲۹/۳	مازندران
۱۷/۸	همدان	۲۹/۱	البرز
۱۷	قزوین	۲۸/۶	لرستان
۱۷	آذربایجان شرقی	۲۸/۲	کرمانشاه
۱۶/۸	خراسان شمالی	۲۸	فارس
۱۶/۶	مرکزی	۲۷/۴	خوزستان
۱۳/۸	هرمزگان	۲۷/۳	کردستان
۱۳/۷	زنجان	۲۵/۷	تهران
۱۰/۵	آذربایجان غربی	۲۵/۳	اردبیل
□		۲۵/۳	خراسان جنوبی

مأخذ: همان.

جدول ۱۸. نرخ همسایگی بیکاری جوانان استان‌ها در سال ۱۳۹۴ (نرخ بیکاری + نرخ اشتغال ناقص)

نرخ	استان	نرخ	استان
۳۵/۷	خراسان جنوبی	۵۰/۲	چهارمحال و بختیاری
۳۵/۳	سیستان و بلوچستان	۵۰/۱	کرمانشاه
۳۵/۳	قزوین	۴۶/۷	لرستان
۳۲	همدان	۴۵/۶	ایلام
۳۱/۹	آذربایجان شرقی	۴۳/۹	کهگیلویه و بویراحمد
۳۱/۶	آذربایجان غربی	۴۳/۲	اردبیل
۳۰/۱	بوشهر	۴۲/۷	گلستان
۲۹/۷	سمنان	۴۲/۳	خراسان شمالی
۲۸/۹	قم	۴۲/۲	کردستان
۲۸/۸	البرز	۳۹/۸	اصفهان
۲۸/۳	یزد	۳۸/۵	کرمان
۲۷/۸	زنجان	۳۸/۳	فارس
۲۷/۳	مرکزی	۳۷/۸	خراسان رضوی
۲۶	هرمزگان	۳۷/۵	گیلان
۲۶	تهران	۳۷/۱	خوزستان
□		۳۷	مازندران

مأخذ: همان.



مرکز پژوهش‌ها
مجلس شورای اسلامی

شماره مسلسل: ۱۵۶۰۵

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: آسیب‌شناسی سیاست‌ها و مقررات بازار کار ایران ۱. شناخت وضع موجود بازار کار با تأکید بر تفاوت‌های استانی

نام دفتر: مطالعات اقتصادی (گروه اقتصاد کلان و مدلسازی)

تهیه و تدوین‌کنندگان: مهران بهنیا، آرش علویان، امین عظیمی‌راد، حنیفا پیلوار، نورا بهنیا

همکار: فاطمه عزیزخانی

ناظر علمی: سیدهادی موسوی‌نیک

متقاضی: معاونت پژوهش‌های اقتصادی

ویراستار تخصصی: _____

ویراستار ادبی: _____

واژه‌های کلیدی:

۱. بازار کار
۲. اشتغال
۳. بیکاری
۴. اشتغال ناقص
۵. بیکاری پنهان
۶. بیکاری استانی
۷. جمعیت فعال
۸. جمعیت در سن کار
۹. نرخ مشارکت
۱۰. اشتغال‌زایی



تاریخ انتشار: ۱۳۹۶/۹/۲۹